

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



◆ هیات مشاوران:

مسعود آذربایجانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
سلیمان خاکبان، دانشگاه قم
احمد فرامرز قراملکی، دانشگاه تهران
غلامرضا نور محمدی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
ولی الله نقی پورفر، دانشگاه قم

◆ داوران این شماره:

مجید معارف، منصور پهلوان، محمدعلی لسانی فشارکی، مهدی ناطق پور، حمید
فغفور مغربی، ابوالفضل خوش منش، فرزانه مفتون محمد حسین اسکندری، سید
علی حسینی زاده، محمد شجاعیان، محمد داوودی، محسن صابری

◆ این فصلنامه در پایگاههای زیر نمایه می شود:

پایگاه مجلات نور
www.noormags.com
بانک اطلاعات نشریات کشور
www.magiran.com
مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری
www.srlst.com
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.sid.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان فعالیتهای قرآنی دانشجویان کشور www.iska.ir

مطالب مندرج در مقالات نمایانگر آرای نویسندگان است و این مجله مسئول آراء
و نظرات مندرج نمی باشد.
نویسندگان محترم می توانند مقالات خود را به آدرس الکترونیکی
quranjournal@gmail.com و یا journal.quran.ir همراه با نامه درخواست
خطاب به سردبیر برای درج مقاله در دو فصلنامه ارسال نمایند.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵
سازمان فعالیتهای قرآنی دانشگاهیان کشور
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱
تلفن: ۶۶۴۸۵۶۶۳؛ ۶۶۹۷۰۷۷۵
فکس: ۶۶۴۸۵۶۵۷

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور
شماره استاندارد دین‌المللی: ۳۳۸۳-۳۳۲۷
سال ششم - شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: حمید صابر فرزام
سردبیر: عبدالحسین خسروپناه
مدیر داخلی: زهرا نقی زاده
مدیر اجرایی: مهدی اسمعیلی صدرآبادی

هیات تحریریه:
علی بیات، استادیار، دانشگاه تهران
نجفقلی حبیبی، دانشیار، دانشگاه تهران
محمدعلی رضایی اصفهانی، دانشیار، جامعه المصطفی العالمیه
مجتبی زروئی، دانشیار، دانشگاه تهران
محمد رضا شاهرودی، استادیار دانشگاه تهران
ژیلا صدیقی، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
قربان علمی، دانشیار، دانشگاه تهران
فرانک فرزادی، دانشیار پژوهش، جهاد دانشگاهی
حسینعلی قبادی، دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس
فرزانه مفتون، دانشیار پژوهش، جهاد دانشگاهی
علی منتظری، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
محمدعلی مهدوی راد، دانشیار، دانشگاه تهران
علی نصیری، دانشیار، دانشگاه علم و صنعت ایران

طراح: علیرضا عبادی
ویرلستار فارسی: بهروز زواریان و مهدی گنجور
ویرلستار انگلیسی: سید حسین بهشتی شکیب
چاپ و صحافی: انتشارات جهاد دانشگاهی
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال

فهرست



- ۵-۸ راهنمای نویسندگان
- ۹-۲۴ نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب اصغر افتخاری، علی کمالی اندانی، وحید کرباسی
- ۲۵-۴۸ مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن ابراهیم کاملی، حسام الدین آشنا
- ۴۹-۶۴ نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم مصطفی حسینی گلکار، سید محسن هاشمی
- ۶۵-۷۸ مفهوم شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی با تکیه بر آیات و روایات مهدی جعفر زاده دیز آبادی، سید علی شفیعی
- ۷۹-۹۸ روش شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم برای پژوهش های میان رشته ای سعید مسعودی پور، مهدی سپهری
- ۹۹-۱۰۹ اثر بخشی استماع آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور محسن گل محمدیان، ابراهیم نعیمی، موسی چوپانی



راهنمای نویسندگان

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم» در راستای منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به منظور اشاعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه قرآن و ایجاد بستری مناسب برای کاربردی کردن مفاهیم، فرهنگ و پژوهش‌های قرآنی در سطوح مختلف سازمان‌ها و مؤسسات و همچنین انتشار نتایج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم به همت سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور (جهاد دانشگاهی) پایه‌ریزی و راه‌اندازی شده است.

راهنمای نویسندگان مقالات

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم وابسته به سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) است. این نشریه در قالب دوفصلنامه و به زبان فارسی، منتشر می‌شود و در برگیرنده مقالات مرتبط با تمام گرایش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی است. علاقه‌مندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس فصلنامه ارسال نمایند تا پس از بررسی و تأیید داوران در نوبت چاپ قرار گیرند. عدم رعایت اصول مذکور، موجب عدم پذیرش یا تأخیر در مراحل بررسی علمی، چاپ و انتشار مقالات دریافتی خواهد شد.

تعهدات

نویسنده مقاله و در صورت گروهی بودن، نویسنده پاسخگو، باید تعهد نماید که مقاله ارسالی تاکنون در هیچ نشریه علمی دیگری منتشر نشده است و همزمان با این نشریه به نشریه دیگری ارائه نخواهد گردید. مسئولیت علمی مطالب نیز به عهده نویسنده یا نویسنده پاسخگوی مقاله است.

اصول و معیارهای کلی

۱- تمامی مقالات باید به زبان فارسی بوده در نگارش آنها، آیین نگارش فارسی کاملاً مراعات گردد، در مورد به کار بردن اصطلاحات علمی، در صورت وجود معادل فارسی پذیرفته شده، ترجمه اصطلاح و بلافاصله اصل اصطلاح در داخل پرانتز آورده شود، در غیر این صورت، ذکر اصل اصطلاح کافی است.

۲- فصلنامه در رد یا قبول و اصلاح مقالات آزاد است و در صورت لزوم، نظرات اصلاحی و مشورتی خود را به اطلاع نویسنده یا نویسندگان می‌رساند.

مقالات دریافتی و ملحقات آنها در دفتر فصلنامه، بایگانی نمی‌گردد و در هر صورت، مسترد نخواهد شد. (لازم به ذکر است که مقاله نمی‌بایست از ۳۰ صفحه متعارف A4 تجاوز کند).

تنظیم بخش‌های مختلف مقاله

در تنظیم و نگارش قسمت‌های مختلف مقالات ارسالی، باید ترتیب زیر مراعات گردد:

صفحه اول شامل موارد زیر است:

عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی باید در بر گیرنده موضوع مقاله باشد. برای عنوان فارسی قلم (B Zar)، سایز ۱۳ ضخیم و برای عنوان انگلیسی قلم (Times News Roman) سایز ۱۲ ضخیم به کار برده شود.

نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی - در صورت دارا بودن سمت دانشگاهی - که باید بلافاصله پس از عنوان مقاله آورده شود (جهت دسترسی سایر محققین به نویسنده E-mail و نشانی نویسنده پاسخگو، شامل نشانی کامل پستی، شماره تلفن، نمابر و مقاله).

صفحه دوم شامل چکیده مقاله با مشخصات زیر است:

چکیده باید به دو زبان فارسی و انگلیسی (حداقل ۲۰۰ و حداکثر در ۲۵۰ کلمه) تهیه گردد.

الف) چکیده فارسی؛ لازم نیست دارای ساختار باشد، لیکن لازم است اهداف، روش تحقیق، مهمترین یافته و نتیجه مطالعه را در بر گیرد، در پایان چکیده بایستی سه تا پنج واژه با عنوان کلیدواژه‌ها معرفی شود.

ب) چکیده انگلیسی؛ لازم است دارای ساختار باشد. در پایان چکیده انگلیسی می‌بایست سه تا پنج واژه به عنوان کلیدواژه‌ها (Keywords) معرفی شود.

ج) صفحات بعدی شامل متن مقاله، با مشخصات زیر است:

مقدمه و بیان مسأله (فرضیات، سؤالات پژوهش و ضرورت تحقیق).

باید ضمن بیان هدف از تحقیق، خلاصه‌ای از مطالعات و مشاهدات مرتبط با تحقیق مورد نظر را که در گذشته به انجام رسیده است، با ذکر منابع مربوط بیان نماید (در سرتاسر متن مقاله از فونت B Zar با سایز ۱۲ برای جملات فارسی و از فونت B Badr برای جملات و آیات عربی استفاده شود).

روش‌شناسی پژوهش

باید نحوه طراحی، مطالعه، چگونگی انتخاب نمونه و نیز چگونگی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به طور کامل شرح دهد (معرفی ابزارهای اندازه‌گیری و شواهد مبنی بر اعتباریابی).

یافته‌ها

۱- یافته‌های حاصل از تحقیق باید در قالب متن، جداول و نمودارها به طور کامل بیان شود.

۲- مطالب مطرح شده در متن، جداول و نمودارها نباید تکرار باشد.

نتیجه‌گیری

در این قسمت، روند انجام تحقیق حاضر و یافته‌های حاصل از آن با موارد مشابه قبلی، در داخل و خارج کشور مقایسه و در مورد دلایل رد یا قبول آنها به صورت کامل بحث می‌شود؛ در پایان بهتر است جهت بهتر انجام شدن تحقیقات مشابه در آینده، راهکارهایی پیشنهاد شود.

تشکر و قدردانی

در این قسمت، نویسنده یا گروه نویسندگان می‌توانند از افراد یا مؤسسه‌ای که به نحوی در انجام مطالعه یا تدوین مقاله، همکاری کرده‌اند، تقدیر به عمل آورند. استفاده یا عدم استفاده این قسمت در متن مقاله اختیاری است.

منابع و مآخذ

فهرست منابع و مآخذ به کار رفته در مقاله، باید حتماً در صفحه‌ای جدا تایپ و به روش APA و بر اساس حروف الفبا تنظیم شود.

حالت‌های گوناگون استناد در متن

۱- اگر استناد از نقل قول مستقیم باشد و در ضمن نامی از صاحب اثر در متن برده نشود، در داخل پرانتز، ابتدا نام خانوادگی پدید آورده (ویرگول) سپس سال انتشار و در نهایت صفحه اثر (پس از دونقطه و فاصله) آورده می‌شود. مثال: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیدهای نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است» (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۳).

۲- در صورتی که اثر دارای دو نویسنده باشد نام هر دوی آنها در پرانتز آورده می‌شود؛ مانند: (بهشتی و باهنر، ۱۳۸۴: ۹۳). همچنین در صورتی که بیش از دو نفر باشند در اولین استناد اسامی تمامی نویسندگان آورده می‌شود؛ مانند ویندال، اولسون و سیگنایزر، ۱۹۹۹: ۳۵۴، اما در استنادات بعدی فقط نام یک نویسنده آورده می‌شود و به جای مابقی از واژه‌ی همکاران استفاده می‌شود؛ مانند: (ویندال و همکاران، ۱۹۹۹: ۳۵۴).

۳- اگر نام پدید آورنده در متن آورده شده باشد، دیگر لزومی به ذکر نام پدید آورنده اثر در پرانتز

نیست. برای مثال: واعظی (۱۳۸۶) معتقد است: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است».

۴- در صورتی که نام نویسنده / نویسندگان لاتین در متن ذکر می‌شود، در بار نخست لازم است که در باورقی به صورت انگلیسی نیز نوشته شود.

مأخذ نویسی در انتهای متن

مأخذ نویسی کتاب‌ها در انتهای مطالب، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی صاحب آثار و به شرح ذیل تنظیم می‌شود:

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله)، نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرانتز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر به شکل ایتالیک (ویرگول، فاصله)، نام و نام خانوادگی مترجم (ویرگول، فاصله)، شماره جلد/شماره چاپ (ویرگول، فاصله)، محل نشر (ویرگول، فاصله)، نام انتشارات (نقطه).

مأخذ نویسی مقالات نیز همانند کتاب بوده و تنها تفاوت اندکی دارد.

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله) نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرانتز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر (نقطه، فاصله)، عنوان نشریه به شکل ایتالیک (ویرگول، فاصله)، شماره دوره - در صورت وجود شماره در داخل پرانتز (ویرگول، فاصله)، صفحه شمار (نقطه).

* اگر تعداد آثار استفاده شده از یک نویسنده در طول سال بیشتر از یک عدد باشد، آنها را به ترتیب الفبای کوچک انگلیسی و بعد از نام خانوادگی و نام در کنار تاریخ انتشار - داخل پرانتز - متمایز می‌شود. مثال‌ها: علی آبادی، نجمه (۱۳۸۹). تحلیل مفهوم اسلامی شدن دانش و دانشگاه. مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ۱، ۷۲-۵۵.

فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فردوسی، ابوالقاسم حسن بن علی (۱۳۹۱). شاهنامه فردوسی. چاپ سوم، تهران: پیام عدالت. فضل الهی قمشی، سیف‌الله و اسلامی فر، سوده (۱۳۹۰). معیارهای دانشگاه اسلامی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی. معرفت، ۸۶، ۱۷۳-۱۶۷.

Fonagy, P., Steele, h., & Steele, M. (1991). Maternal representations of attachment during pregnancy predict the organization of infant mother attachment at one year of age. *Child development*, 62, 891-905

نحوه ارسال مقالات

برای درج مقالات در فصلنامه، لازم است اصل مقاله (به صورت فایل Word) و نیز تقاضای درج مقاله از طرف نویسنده اول (اصلی) خطاب به سردبیر به آدرس الکترونیکی quranjournal@gmail.com و یا <http://journal.quran.ir> ارسال شود.



نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم

مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب

اصغر افتخاری: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
علی کمالی اندانی*: دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان
وحید کرباسی: کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴-۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۴

چکیده

پژوهش پیش‌رو با تأکید بر آیات شریفه قرآن کریم سعی دارد تا نظریه‌ای اسلامی پیرامون «قدرت نرم» بازتولید نماید؛ زیرا براساس نظر نگارنده، همچنین با تأکید بر دلیل و برهان، نظریه «قدرت نرم» از منظر غربی «دارای نقایص و نیز تعارض‌هایی با آموزه‌های دین مبین اسلام است و بهره‌گیری از آن منوط به اصلاح و بازتولید آن می‌باشد. در این پژوهش سعی بر آن است در ابتدا با بهره‌گیری از روشی توصیفی-تحلیلی، شرحی از «قدرت نرم» در گفتمان سکولار غربی ارائه گردد و سپس با به‌کارگیری روشی که پژوهشگران در تفسیر موضوعی قرآن کریم از آن بهره می‌برند، این مفهوم در گفتمان اسلامی و با تأکید بر آیات شریفه قرآن کریم تبیین شود. در این روش ابتدا مفهوم غربی و مؤلفه‌های آن به قرآن عرضه می‌شود و آیات مرتبط با موضوع مشخص می‌گردد و سپس با کنارهم قرار دادن مفاهیم آیات سعی در استخراج منظومه اسلامی این مفهوم می‌نماییم. نتایج بدست آمده گویای این است که انگاره «قدرت نرم» در گفتمان غربی تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد؛ حال آنکه در نگاه قرآنی این نظریه از چهار ساحت برخوردار بوده و در آن علاوه بر منابع قدرت به مدیریت، استحکام و خاستگاه قدرت نیز توجه شده است و به جهت توجه به بعد مادی و روحانی انسان، قائل به تفکیک اخلاق و قدرت نمی‌باشد و برخی منابع دیگر برای قدرت نرم معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام؛ قرآن؛ قدرت؛ قدرت سخت؛ قدرت نرم

* نویسنده پاسخگو: A.kamali.politics@gmail.com



۱- مقدمه

«قدرت نرم» و منابع مرتبط با آن مفهومی جدید نیست و با توجه به گستردگی دایره مفهومی آن، شواهد فراوانی وجود دارد که سیاستمداران در طول تاریخ به منظور پیش برد اهداف خود بدان متوسل شده‌اند، البته از انسجام و ترتیب‌بندی این مفهوم و ورود اصطلاح آن در عرصه علم سیاست بیش از چند دهه نمی‌گذرد. در متون کلاسیک و حتی مدرن، واژه و مفهوم «قدرت» بیشتر به قدرت نظامی و اقتصادی اطلاق می‌گشت؛ اما در چند دهه اخیر تعریف دیگری از قدرت و مفهوم آن ارائه گشته است که واژه «قدرت نرم» بر آن نهاده شده است.

پژوهشگران و نویسندگان، تألیفات و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه عرضه نموده‌اند که می‌توان این پژوهش‌ها را در دو رهیافت بومی و غیربومی طبقه‌بندی نمود. در رهیافت غیربومی می‌توان به آثار نویسندگان غربی چون جوزف‌نای^۱ اشاره نمود. در این رهیافت، نظریه «قدرت نرم» در منظری تک‌بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد و لذا این دسته آثار میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد. در رهیافت بومی سعی شده است این نظریه بومی‌سازی گردد و لذا با نگاهی بومی-اسلامی به این نظریه می‌نگرد. اما از جمله زمینه‌های مهمی که در تولیدها چندان بدان پرداخته نشده است، بیان شالوده و اساس مفهوم قدرت نرم و ساحات این نظریه در دیدگاه اسلامی است و از این حیث کم قوت است. ضعف دیگر تولیدهای بومی پرداختن به این انگاره در آینه آیات قرآن کریم می‌باشد.

در این نوشتار ابتدا به چارچوب مفهومی می‌پردازیم تا مقصود از به کارگیری اصطلاحاتی چون «قدرت نرم» و «قدرت سخت» روشن گردد. در ادامه و در چارچوب نظری به دو دیدگاه اسلامی و غربی پیرامون قدرت نرم خواهیم پرداخت. در دیدگاه غربی به اختلاف نظریه‌پردازان در توصیف «قدرت نرم» می‌پردازیم و در این رهگذر به تعاریف جوزف‌نای پدیدآورنده این مفهوم در علوم سیاسی نظر می‌افکنیم. سپس بیان می‌کنیم که قدرت نرم در دیدگاه غربی را می‌توان تحت عنوان سه رهیافت «جدایت»، «اثرگذاری غیر تهدیدآمیز» و «کارایی» طبقه‌بندی نمود. در بخش دوم چارچوب نظری، به بحث اصلی مقاله یعنی چیستی دیدگاه اسلامی و به‌ویژه قرآن کریم (وحی) پیرامون قدرت نرم می‌پردازیم و در این راستا قدرت نرم را در چهارساحت نظری «منابع قدرت»، «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» طبقه‌بندی می‌نماییم؛ ضمن توضیح هر یک، محوریت بخش سوم را در ساحت «منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم» قرار می‌دهیم و آن را در سه دسته «منابع اعتقادی»، «منابع اخلاقی» و «منابع مادی (اقتصادی)» معرفی نموده و در ذیل موضوع، آیات مرتبط را ذکر می‌کنیم. با رویکرد مذکور تحقیق حاضر در پی آن است تا با نگاه به قرآن کریم به منظومه‌ای جدید و الهی در چارچوب مقوله قدرت نرم نائل گردد. لذا موضوع بحث را در قالب این سؤال سامان می‌دهیم که انگاره «قدرت نرم» در دیدگاه اسلامی و با تأکید بر آیات قرآن کریم چه مؤلفه‌هایی دارد؟

۲- چارچوب مفهومی ۱-۲- قدرت

«قدرت» مفهومی است که در علوم طبیعی و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته و از مباحث محوری علم سیاست و مورد اندیشه و تأمل در متون و آثار سیاسی و اجتماعی است و هنوز هم محل مناقشه و مجادله در حوزه علوم سیاسی، علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و سایر رشته‌های مرتبط است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۱). در دنیای امروز در ارتباط با قدرت عواملی همچون رشد اقتصادی، فناوری و آموزش از اهمیت والاتری برخوردارند حال آن که اهمیت عوامل قدرت‌زای گذشته چون جغرافیا، جمعیت و مواد خام رو به نزول است.

۲-۲- قدرت نرم

اصطلاح «قدرت نرم» برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم توسط ای.اچ. کار اندیشمند واقع‌گرای انگلیسی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. کار، قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف نمود (کار، ۱۹۶۴: ۱۰۸). اما قدرت نرم به مثابه یک نظریه منسجم برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط»^۲ مطرح شد و از این رو از وی به عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. نای تعاریف زیادی از قدرت نرم در مقالات مختلف ارائه کرده است که از مجموع تعاریف مطرح چنین برمی‌آید که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی می‌باشد (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

۳- چارچوب نظری

دستیابی به تصویری از مفهوم قدرت نرم بنایی است که شالوده‌اش بر تحلیل از ماهیت طبیعت انسان (انسان‌شناسی)، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فرجام‌شناسی استوار است که با اهتمام به دیدگاه سکولار غربی در این مبانی و نگاهی تک‌بعدی به ماهیت و خاستگاه قدرت، منظومه‌ای کاملاً متفاوت با دیدگاه اسلامی پدید می‌آورد. در ذیل ابتدا اهم ویژگی‌ها و وجوه تمایز و رجحان قدرت نرم بر قدرت سخت را از نظر می‌گذرانیم و در ادامه به رهیافت‌های غربی پیرامون قدرت نرم می‌پردازیم و در پایان دیدگاه اسلامی را تشریح می‌نماییم.

۱-۳- ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم در مقایسه با قدرت سخت متضمن خصیصه‌هایی است که آن را از رقیب خود پیش می‌اندازد و نمایان‌گر مطلوبیت و اهمیت این مفهوم در قیاس با قدرت سخت می‌باشد. در ذیل به اهم این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

1 . Carr

2 . Misleading Metaphor of Decline



۳-۱-۱- هزینه پایین

بی تردید بر همگان روشن است که پدیده قدرت سخت در طول تاریخ هزینه‌های جبران‌ناپذیری را بر انسان تحمیل نموده است. هزینه بر بودن تحقیقات نظامی، ساخت و تولید سلاح‌های پیشرفته و «محظور امنیتی»^۱ موجب گردیده تا کشورها بودجه‌های سنگینی را به منظور کنترل اوضاع و حفظ و افزایش قدرت سخت خویش به کار برند. این امر در بسیاری موارد موجب کسری بودجه و غفلت از ابعاد دیگر جامعه مثل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد.^۲ لذا این امور موجب گردیده تا کشورها به راهکاری جایگزین توجه نمایند که غالب آنان با نهادینه شدن مفهوم قدرت نرم در علوم سیاسی بدان روی آوردند.

۳-۱-۲- تأثیرات بلندمدت

نظریه پردازان قدرت سخت واقف اند که قدرت سخت به منظور نیل به اهداف آنی و لحظه‌ای است و برای رسیدن به اهداف بلندمدت کارایی ندارد. از دیدگاه جامعه‌شناسانه نیز این قدرت نوعی تحمیل از بالا به پایین است. جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند که قدرت و تحمیلی که از بالا به پایین یعنی از نهادهای قدرت به مردم و جامعه وارد گردد در بسیاری موارد در کوتاه‌ترین زمان، فرد را به نتیجه مطلوب می‌رساند ولی در عین حال بسیار زودگذر و مقطعی است (بابایی، ۱۳۸۷: ۸۲). نتیجه تا زمانی باقی می‌ماند که زور و تهدید حضور دارد و با افول قدرت مزبور منافع به دست آمده به سرعت از دست می‌روند.

۳-۱-۳- اتکای قدرت نرم بر هنجارها و ارزش‌ها

با شکست کشورهای قدرتمند جهان در عرصه‌های عملیات نظامی و جنگ و نبرد در دو قرن اخیر، همگان به این باور رسیدند که به غیر از سلاح‌های نظامی پیشرفته، قدرت فرماندهی و استراتژی‌های نبرد عوامل دیگری نیز در رسیدن به پیروزی مؤثر هستند. مجموعه عوامل ذکر شده موجب گردید که کم‌کم زاویه نگرش به قدرت متحول گردد. در فضای پست‌مدرن مفهوم «قدرت» باز تعریف شد. در این بازتعریف اولاً: نگاه به قدرت از حالت سخت‌افزاری تبدیل به یک نگاه هنجاری و فرهنگی شد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۶). و در ثانی منابع قدرت، دیگر منحصر در آنچه در دست حکومت بود نمی‌شد و بحث از تکرر منابع قدرت به میان آمد. اساس قدرت نرم در ارزش‌ها، فرهنگ و نحوه‌ی رفتار با هر کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی و در ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور نهاده شده است (کلاهیچیان، ۱۳۸۷: ۱۴۵). بنابراین کشورهایی که از هنجارهای جذاب برخوردارند و پشتوانه غنی فرهنگی و ارزشی دارند به سهولت می‌توانند به لحاظ نرم به یک ابرقدرت تبدیل گردند.

۳-۱-۴- اتکای قدرت نرم بر امور ذهنی در مقابل امور عینی

قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که مبتنی بر عینیت است بر نوعی از ذهنیت استوار است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۷). در واقع به لحاظ منطقیون و فلاسفه قدرت نرم امری سوژه است و ابژه نیست. به عنوان مثال کاری که هجده رسانه‌ای غرب صورت می‌دهد تسلط بر افکار و اذهان عمومی جهانی است و البته چه بسا تأثیر آن

1. Security dilemma

۲. به عنوان نمونه بودجه دفاعی سال ۲۰۰۶ دولت آمریکا بدون احتساب هزینه جنگ عراق بالغ بر ۵۳۶ میلیارد دلار بوده است.

نسبت به حملات نظامی شگرف تر باشد.

۳-۱-۵- تنوع بازیگران در قدرت نرم

بی تردید در قدرت سخت تنها دولت‌ها بازیگران اصلی در عرصه هستند. این در حالی است که در قدرت نرم چنین نیست و بازیگران و صحنه‌گردانان تنها به دولت‌ها محدود نمی‌شوند. در واقع مهم‌ترین بازیگران را کنش‌گران غیردولتی مثل سمن‌ها، گروه‌ها، رسانه‌ها و به‌طور کلی جامعه مدنی در برمی‌گیرد. هوکینگ بیان می‌دارد: «نای معتقد است که سمن‌ها و دیگر کنش‌گران دارای ظرفیت برای بازی قدرت جذاب و به کار گرفتن نتایج به‌منظور مهار دولت‌ها می‌باشند» (هوکینگ، ۱۳۸۷: ۹۷).

۳-۱-۶- پیچیدگی ارزیابی و مقابله با قدرت نرم

از آنجا که امور مربوط به قدرت نرم، اموری ذهنی است و عینی و ملموس نیست لذا حکومت‌ها نمی‌توانند به همان وسعتی که قدرت سخت را کنترل می‌کنند، قدرت نرم را کنترل کنند زیرا اندازه‌گیری و میزان تأثیر آن بسیار مشکل است (واتانامه و مکائل، ۱۳۸۹: ۴۸).

۳-۱-۷- متغیر بودن منابع در قدرت نرم

همان‌طور که بیان شد، قدرت نرم مبتنی و متکی بر هنجارهاست و این امور مبتنی بر اعتباریات هستند و لذا ثابت و ایستا نیستند و به تعبیر نای، با تغییر مفاهیم، منابع نیز تغییر می‌کنند و به دنبال آن نتیجه می‌شود که قدرت نرم ساکن و ایستا نیست (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

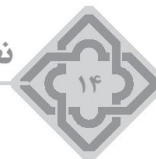
۳-۱-۸- بازدهی در بلندمدت

قدرت نرم به‌صورت تدریجی ایجاد شده و لذا نائل شدن به هدف مطلوب زمان‌بر است و تدریجاً صورت می‌پذیرد و البته در صورت از بین رفتن و یا افول منابع، آن نیز به‌صورت تدریجی از بین می‌رود (آقامهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۱۷۲). در واقع قدرت نرم بدان جهت که متکی و مبتنی بر هنجارها و مؤلفه‌های فرهنگی و ارزش‌های جامعه است و مقولات فرهنگی در طول زمان و به‌صورت تدریجی پدید می‌آیند و در جامعه نهادینه می‌شوند؛ لذا قدرت نرم نیز غالباً به تدریج برای یک بازیگر ایجاد می‌گردد.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که منابعی که در طول مبحث برای قدرت نرم ذکر شد؛ منابع بالقوه‌ای هستند و صرف این که بازیگری از این منابع برخوردار باشد حاکی از قدرت نرم آن بازیگر نیست، بلکه این منابع بایستی از طریق ابزارهای قدرت نرم ماهیتی بالفعل یابند. به‌عنوان نمونه میلسن^۱ دیپلماسی عمومی را مهم‌ترین ابزار قدرت نرم در راستای مأموریت مزبور یعنی تبدیل منابع نرم به قدرت نرم می‌داند (میلسن، ۱۳۸۸: ۴۷). به‌طور کلی جامعه مدنی که رابط میان جامعه و دولت می‌باشد و تمامی نهاد‌های مهم و کلیدی مثل رسانه‌ها، مطبوعات و غیره را در برمی‌گیرد، مهم‌ترین تأثیر را در راستای هدف مذکور دارد.

۳-۲- «قدرت نرم» در دیدگاه غربی

برخی نظریه‌پردازان علم سیاست با زاویه‌ای خاص به قدرت نرم پرداخته‌اند و لذا هریک برای توصیف



این مفهوم چشم اندازی متفاوت را در افق نظریه پردازی ترسیم نموده‌اند. در ادامه به معرفی سه گونه از متداول ترین رهیافت‌ها در این زمینه می‌پردازیم.

۳-۲-۱- رهیافت اول: قدرت نرم به مثابه جذابیت

جوزف نای در تعریف خود از قدرت نرم بیان می‌دارد که «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه و نه از طریق اجبار و تطمیع» (نای، ۱۳۸۷: ۲۴). در جای دیگر این قدرت را صراحتاً برابر با مفهوم جذابیت قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که «قدرت نرم جذابیت است و منابع آن دارایی‌هایی است که چنین جذابیت‌هایی تولید می‌نماید» (نای، ۱۳۸۷: ۴۴). نای در دیگر نوشتارهای خود به قدرت «متقاعد نمودن» نیز اشاره می‌کند (نای، ۱۳۸۷: ۴۶). در نهایت از میان اجبار، ایجاد انگیزه و جذب نمودن، سومین را در تطابق با نظریه قدرت نرم خود معرفی می‌نماید (نای، ۱۳۸۹: ۲۹).

در این رهیافت هر بازیگر به جای آن که از طریق تطمیع و یا تهدید، دیگران را با خود همراه نماید از طریق هنجار سازی و ایجاد جذابیت به دنبال جلب همکاری دیگران است. به طور مثال ایالات متحده در دو جنگ عراق و به ویژه در سال ۲۰۰۳ میلادی به خوبی از قدرت نرم بهره برد و با ارائه تصویری غیر واقعی از عراق، عملیات اشغال و تجاوز به عراق را در نظر افکار عمومی جهان به عملیات «آزادسازی» تعبیر نمود.^۱

۳-۲-۲- رهیافت دوم: قدرت نرم به مثابه اثر گذاری غیر تهدید آمیز

واضح است که اثر گذاری بر دیگران از روش‌های دیگری همچون به کارگیری مهارت‌های ارتباطی نیز امکان دارد. رینولد در کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی»^۲ منابع قدرت نرم را از آنچه نای معرفی می‌نماید گسترده تر بیان می‌کند. بنابر تعریف او، قدرت نرم را می‌توان توانایی تأثیر بر دیگران از هر راهی به غیر از تهدید دانست (رینولد، ۲۰۰۳: ۱۳). با تعریف وی قدرت نرم معنایی عام تر می‌یابد و تنها محدود به «جذابیت» نمی‌شود و هر نوع اثر گذاری بر دیگران که حالت سخت افزاری نداشته باشد را شامل می‌شود. با چنین تعریفی مفاهیمی مثل «سازمان بین المللی» و «مشروعیت» در زمره چنین قدرتی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۳- رهیافت سوم: قدرت نرم به مثابه کار آیی

در دو رهیافت پیشین به ارتباط با طرف مقابل و ایجاد رضایت در وی به منظور همکاری اهتمام ویژه‌ای شده بود حال آن که در رهیافت حاضر بازیگر به دنبال راهی است تا با بهره گیری از منابع نرم افزاری توانایی و کارایی خویش را بالا ببرد. در این رهیافت بازیگر کاری به این ندارد که طرف مقابل جذب شود و یا اهداف او را مشروع و مقبول بداند و بلکه تنها در پی افزایش قدرت نرم خود برمی‌آید که از آن به منظور بالابردن کارایی خود بهره ببرد. باید دقت شود که «قدرت نرم» در این رهیافت بیش از پیش به «قدرت سخت» نزدیک می‌گردد زیرا در آنجا نیز یک بازیگر می‌تواند بدون پذیرش و یا جذب دیگران قدرت نظامی خویش را بالا ببرد. در این رهیافت برای نمونه می‌توان به مقوله «اِثَار و شَهَادَت» در گفتمان

1. <http://www.govtrack.us/congress/bills/105/hr4655>

2. Soft Power in Foreign Policy

3. Reinold

اسلامی اشاره نمود که عامل پیروزی نهضت ملت ایران در انقلاب اسلامی و مهم‌ترین مؤلفه در پیروزی هشت سال جنگ تحمیلی بود.

۳-۳- «قدرت نرم» در دیدگاه اسلامی

همان‌طور که بیان شد، شالوده مفهوم «قدرت نرم» متأثر از جهان‌بینی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی مادی و الحادی غرب است و بی‌تردید این جهان‌بینی و ایدئولوژی‌ها در بسیاری موارد با ایدئولوژی اسلامی تعارض می‌یابد و لذا در این بخش با بهره‌گیری از قرآن کریم سعی داریم در ابتدا به نقد این گفتمان غربی پرداخته و سپس مفهوم «قدرت نرم» و مؤلفه‌های آن را به این آیات مصدق عرضه کنیم. سرانجام با کنارهم قرار دادن مفاهیم آیات، منظومه‌ای اسلامی از این مفهوم استخراج می‌نماییم.

۳-۳-۱- نقد گفتمان غربی در مقوله «قدرت نرم»

۳-۳-۱-۱- محوریت غریزه انسان:

در نگاه و منظر غربی منابع قدرت نرم، غریزه انسان می‌باشد؛ حال آن‌که در دیدگاه اسلامی منابع مزبور بر امری الهی و قدسی یعنی فطرت انسانی اتکا دارد، این امر از تفاوت خاستگاهی منابع قدرت از نظر نگاه اسلام و غرب حکایت دارد. در تقسیم‌بندی کلی نیازهای انسان به دودسته، نیازهای غریزی و نیازهای فطری تقسیم می‌گردد. نیازهای غریزی انسان به آن دسته از نیازهای وی گفته می‌شود که با جسم انسان سروکار داشته و میان انسان و حیوان مشترک است. نیاز به غذا و نیاز جنسی از جمله نیازهای غریزی انسان است (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۹). نیازهای فطری به آن دسته از نیازهای انسان اطلاق می‌شود که با روح انسان سروکار داشته و تنها مخصوص انسان است. نیازهای فطری بشر شامل اموری همچون نیاز به پرستش، گرایش به خیر و فضیلت، زیبایی دوستی، گرایش به حقیقت و غیره می‌شود. متفکران غربی با مبنا قرار دادن بعد مادی انسان و نیازهای غریزی وی از فطرت الهی انسانی و نیازهای معنوی آن غافل شده‌اند، هم‌چنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این سرشت (فطرت) الهی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (الروم/۳۰).

یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ: [دنیاگرایان] از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافل‌اند» (همان/۷).

۳-۳-۱-۲- اصالت نداشتن اخلاق

یکی از مبانی قدرت نرم و به‌طور کلی قدرت در منظر غربی جدایی اخلاق و سیاست است؛ در این نگاه اخلاق اصالت ندارد و آنچه اهمیت دارد تأمین منافع شخصی است. البته غریبان بدین موضوع پی برده‌اند



که در صورت چنین نگرشی جامعه دچار آنومی و هرج و مرج می گردد و لذا صحبت از «قرارداد اجتماعی»^۱ و وضع قانون نموده‌اند در حالی که باز این روند مانعی در برابر صاحبان قدرت و ثروت که به چپاول ثروت سایر جامعه نپردازند، نمی‌شود. نمونه تفکری که برای اخلاق اصالت قائل نمی‌شود ماکیاولی است که از دیدگاه او هدف توجیه وسیله می‌نماید، یعنی به منظور رسیدن و نائل شدن به هدفی می‌توانید از هر وسیله‌ای بهره‌برید و در واقع آنچه اهمیت دارد تأمین منافع شماست. این در حالی است که در مبانی اسلامی هم هدف و هم ابزار تحقق آن باید صحیح و اسلامی باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۵ و ۱۲۴).

۳-۲- ساحات نظری «قدرت نرم» از دیدگاه اسلام

در گفتمان اسلامی با در نظر گرفتن و تأمل در آیات قرآن کریم متوجه چند ساحتی بودن قدرت نرم می‌شویم. این دیدگاه بر این عقیده است که قدرت نرم به جز صفت نرم، پدیده‌ای قابل بحث، روانی بودن و به جز ساحت «منابع قدرت» از سه ساحت دیگر نیز برخوردار است که مشتمل بر «استحکام قدرت»، «مدیریت قدرت» و «خاستگاه قدرت» می‌شود.

ساحت اول؛ استحکام قدرت اصطلاحی است که دلالت بر نوع ساخت‌بندی مؤلفه‌های قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱). به گونه‌ای که توان‌مندی را افزایش داده و به برتری قدرت منجر می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵ تا ۷).

در بحث از استحکام می‌توان به آیه شریفه زیر استناد نمود:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ: در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند» (الصف/۴).

و همچنین به هر بنای محکمی مرصوص می‌گویند و در اینجا منظور این است که مجاهدان راه حق در برابر دشمن یک‌دل، یک‌جان، مستحکم و استوار بایستند، گویی همه یک واحد به هم پیوسته‌اند که هیچ شکافی در میان آنها نیست (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۴ و ۶۴).

مهم‌ترین وجه تمایز نگاه به استحکام قدرت در نگاه اسلامی نسبت به نگاه غربی این است که در نگاه اسلامی راهبرد اصلی، الگوی تربیتی است که در آن هنجارهای اسلامی نهادینه می‌شوند و از طریق آنها رفتار افراد اصلاح می‌گردد حال آن‌که در نگاه غربی و سکولار الگوی تبلیغاتی و رسانه‌ای در جریان است و از طریق تصویرسازی و دست‌کاری‌های روان‌شناسی سعی می‌شود تا افراد منسجم و هم‌سو نشان داده شوند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷).

ساحت دوم، مدیریت قدرت اصطلاحی به‌منظور توصیف نحوه به‌کارگیری قدرت از سوی عامل انسانی است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱)، به گونه‌ای که با کمترین هزینه ممکن بیشترین ضریب تأثیر را داشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵ تا ۷). گاهی مواهب الهی موجب افزایش ضریب نفوذ، قدرت رهبری و مدیریت می‌گردد که برای نمونه به آیه زیر اشاره می‌نماییم که در آن خداوند به موهبت «نیک‌سیرتی پیامبر اکرم (ص)» اشاره می‌نماید که موجب الفت قلوب مؤمنان شده است:

۱. نام یکی از آثار مهم ژان ژاک روسو است که به‌عنوان راه‌کاری در جهت اداره جامعه معرفی می‌شود.

«فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد» (آل عمران/۱۵۹).

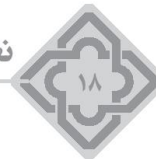
ساحت سوم، خاستگاه قدرت در نظریات سیاسی تعبیر به «ایده قدرت» می گردد و دلالت بر چیستی و چرایی اثرگذاری آن است. «ایده قدرت» در مقابل «صورت قدرت» قرار می گیرد که حاکی از ظواهر بیرونی قدرت دارد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۰۱). فلاسفه اسلامی تقسیماتی برای علت ذکر نمودند که تقسیم آن به علت تامه و ناقصه است و علت تامه را اراده پروردگار معرفی و بیان می کنند. به این ترتیب تفاوت میان علت تامه و ناقصه این است که علت ناقصه برای تحقق معلول لازم است ولی کافی نیست، ولی علت تامه برای تحقق معلول هم لازم و هم کافی می باشد و در صورت تحقق علت تامه معلول پدید می آید خواه علت ناقصه تحقق یابد و خواه نیابد.

در مثال آتش و سوزاندگی، آتش علت ناقصه برای سوزاندگی می باشد نه علت تامه و به عنوان نمونه بیان می کنند که خاستگاه آن خواست خداوند متعال است، لذا زمانی که حضرت ابراهیم (ع) توسط نمرودیان به درون آتش مهیب افتاد، آتش به فرمان خداوند سرد و سلامت گشت:

«قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ: گفتیم، ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش» (الانبیاء/۶۹).
و یا در داستان ذبح حضرت اسماعیل (ع)، چاقو به اذن پروردگار اثر خود که همان برنگی باشد را از دست می دهد. همچنین در آیه شریفه ۲۴۹ سوره بقره، پروردگار متعال با صراحت به وجود علت تامه و اراده‌ی خود در آثار افعال و به ویژه قدرت با تخصیص «بِإِذْنِ اللَّهِ» اشاره می نماید:
«...مَنْ مِّنْ قَلِيلٍ قَلِيلًا غَلَبَتْ فِيهِ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند» (البقره/۲۴۹).

از این آیه برداشت می شود که فراوانی عدّه و عدّه دشمن در برابر اراده خداوند چیزی نیست (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۹۷/۱) و تجهیزات پیشرفته و تعداد سربازان زیاد علت ناقصه برای پیروزی درنبرد است و بعید نیست اراده پروردگار که علت تامه است صورت نپذیرد که در این صورت معلول که پیروزی است متحقق نمی شود. بی تردید اراده انسان‌ها نیز در طول اراده پروردگار و علت ناقصه افعالشان است و در صورت عدم تحقق علت تامه، افعالشان صورت نمی پذیرد و حتی درجایی که مسلمانان از نیروی نظامی استفاده می کنند، بازهم خداوند آن را به خود نسبت می دهد:

«فَأَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى: شما (مؤمنان) آنان را نمی کشتید، خدا بود که آن‌ها را می کشت و آنگاه که تیر می انداختی تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می انداخت» (الأنفال/۱۷).
پس به طور کلی، امدادهای خاص الهی به مثابه منبع اصیل و کامل قدرت نرم، در صورت وجود «ایمان» و «عمل صالح» به نفع انسان‌ها فعال شده و عمل می نماید (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱) و آیه شریفه ۱۷ سوره اسراء بر این حقیقت صحه می گذارد:



«كُلًّا مُدًّا هَوْلًا وَهَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا: هر دو [دسته] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است» (الإسراء/۲۰).

تفاوتی که میان خاستگاه قدرت در نگاه غربی و سکولار و خاستگاه قدرت در نگاه اسلامی وجود دارد این است که در نگاه غربی و سکولار، اولاً خاستگاه قدرت نرم و قدرت سخت تفاوت دارند و ثانیاً خاستگاه قدرت به درون اشیاء و پدیده‌ها بازمی‌گردند و در واقع علت ناقصه را اصل قرار می‌دهند و پروردگار را تنها خالق پدیده‌ها می‌دانند، حال آن‌که در نگاه و منظر اسلامی خاستگاه نه تنها قدرت نرم و سخت و بلکه همه‌ی پدیده‌ها اراده و خواست پروردگار متعال است.

ساحت چهارم منابع قدرت؛ در قرآن کریم هم مسلمانان را امر به تهیه منابع سخت قدرت نموده و هم ایشان را به تهیه منابع نرم آن همچون اخلاق، ایمان و ذکر الهی می‌نماید.

در زمینه منابع سخت و ترغیب مسلمانان به منظور پرداختن به آن می‌توان به آیه شریفه ۶۰ سوره انفال اشاره نمود:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُهْبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعَاوَنُوا لِلَّهِ يَعْزُبُ عَنْهُمْ هَرَجَةٌ: هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان و مردم دیگری غیر از آنان را که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد با آن بترسانید» (الأنفال/۶۰).

در آیه مطرح شده «قوة» تنها به معنای قدرت سخت و ادوات جنگی نیست بلکه اعم از منابع سخت و نرم است و به‌طور کلی هر چیزی که موجب می‌شود مسلمانان نسبت به کفار برتری یابند مشمول آن می‌گردد (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۲۲/۲).

و در زمینه ترغیب مسلمانان به منظور اهتمام به منابع نرم می‌توان به آیه زیر اشاره نمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون با گروهی برخورد می‌کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که رستگار شوید» (الأنفال/۴۵).

در آیه مذکور اشاره دارد بر این که مؤمنین با یاد و ذکر خدا در جبهه‌ها و هنگام مواجهه با دشمنان، آرامش روحی و روانی کسب کرده و با اطمینان از این که مورد حمایت خداوند هستند با نیرویی مضاعف و امید فراوان به پیروزی، با دشمن مقابله می‌کنند و یاد خدا همچنین باعث شجاعت ایشان می‌گردد (قوام، ۲۰۹۱۳۸۴).

۳-۳-۳- منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم

۳-۳-۱- منابع اعتقادی

مهم‌ترین و مؤثرترین منبع قدرت نرم از منظر قرآن کریم منابع اعتقادی است که شرط تحقق آن‌ها ایمان به خداوند متعال و عمل صالح می‌باشد. در ذیل به چندی از مواردی که مشمول منابع اعتقادی می‌گردد اشاره می‌کنیم.

اول دعا؛ مفهوم واقعی دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن‌هم از کسی که قدرتش بی‌پایان و هر امری برای او آسان است (مکارم، ۱۳۷۴: ۶۴۲). آثار دعا در

مبحث قدرت نرم، فراوان است که به چند نمونه اشاره می‌نمایم. اولاً دعا موجب محبوبیت انسان می‌گردد؛ در واقع قلوب انسان‌ها به دست پروردگار است و او می‌تواند دل‌های آنان را شیفته و مجذوب هر کس که خواهد گرداند، چنان که در آیه زیر حضرت ابراهیم (ع) خطاب به پروردگار بر این مطلب صحه می‌نهد:

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ: پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا تا نماز را به پادارند، پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده» (ابراهیم/۳۷).

ثانیاً دعا موجب افول و نابودی قدرت دشمن می‌شود چنانچه حضرت موسی (ع) خطاب به خداوند می‌فرماید:

«وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ: موسی گفت: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند» (یونس/۸۸).

و پروردگار نیز دعای آن جناب را مستجاب نمود: «قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا» (همان/۸۹).

و سوم این که دعا عامل بهره‌مندی از برکات و امدادهای الهی است که مواردی که بر این موضوع اشعار دارد در قرآن کریم فراوان است که تنها به دو نمونه اشاره می‌نمایم:

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ: عیسی پسر مریم گفت: بار الها، پروردگارا، از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهنده‌گانی» (المائدة/۱۱۴).

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا: و بگو پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده» (الاسراء/۸۰).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید که مقصود از عبارت «وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا: مرا در تمامی مهماتم یاری‌رسان» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۳/۱۷۶)

البته استجاب دعا ملزوم شرایطی است که از جمله آن شرایط به «واقعی بودن دعا»^۱، «مخالف نبودن با سنن تکوینی و تشریحی»^۲، «توأم بودن دعا با عمل»^۳ و غیره می‌توان اشاره نمود.

دوم ذکر و یاد پروردگار؛ از دیگر منابع قدرت نرم ذکر و یاد الهی است. در آیه شریفه ۴۵ سوره انفال

۱. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ...» (النمل/۶۲) - زیرا در هنگام اضطرار دعا واقعی است و از حقیقت برخوردار است.

۲. هدف از دعا نمودن دستیابی به اهدافی است که نظام آفرینش یا تشریح برای او معین نموده است و لذا طبیعی است که در صورت تعارض مضمون دعا با آن اهداف دعا بر آورده نخواهد شد (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۳۹) مثل دعا برای عمر جاودانه یافتن.

۳. گاهی انسان با تلاش و عمل می‌تواند به خواسته خود برسد ولی کوتاهی می‌نماید و با صرف دعا می‌خواهد به مطلوب خود برسد که دعا در این صورت مستجاب نمی‌شود. دعا مکمل و متمم عمل است نه جانشین آن (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۴۴).



خداوند به مؤمنان سفارش می کند که در میدان جنگ دو کار انجام دهند: اول آن که پایداری و استقامت داشته باشند و دوم آن که بسیار ذکر خدا را گویند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (الأنفال/۴۵).

«أَلَا بِيَذُكِرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: و همچنین با یاد خدا دل‌ها آرامش و اطمینان می یابد» (الرعد/۲۸).

سوم ایمان؛ جایگاه این منبع در قلب آدمی است و آثار ایمان در مبحث قدرت نرم، فراوان است که به چند نمونه اشاره می نماییم. اولاً ایمان موجب محبوبیت انسان می گردد و عامل جذب وی در قلوب انسان‌ها می گردد، ثانیاً همان‌طور که در مبحث خاستگاه قدرت بیان شد شرط اصلی بهره‌مندی از امدادهای الهی خاص به مثابه قدرت نرم وجود ایمان در انسان‌هاست.

البته بایستی بدین نکته نیز اهتمام داشت که سایر انسان‌ها نیز صرف‌نظر از دین و مسلکشان در صورتی که طبق برخی سنن الهی رفتار نمایند، مشمول امدادهای عام الهی می گردند^۲، سوم این که موجب افزایش شجاعت و عامل شهادت‌طلبی^۳ و چهارم این که عامل تقویت منابع سخت^۴ و غیره می باشد.

چهارم ولایت؛ یکی دیگر از منابع قدرت نرم در جامعه اسلامی است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۷). براساس آیات قرآن کریم، خداوند متعال بر تمامی مخلوقات ولایت دارد و ولایت انبیاء و معصومین (ع) در طول این ولایت قرار دارد.^۵ مطابق با سنن الهی پیروی از ولایت الهی موجب غلبه بر دشمنان می شود:

«وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»: و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند» (المائدة/۵۶)

این آیه دال بر آن است که همراه بودن و تبعیت از ولایت الهی، انسان‌ها را در زمره حزب الله قرار می دهد که همواره غالب و پیروزند.

۳-۳-۲- منابع اخلاقی

اخلاق یکی از مقوله‌های مهم در گفتمان اسلامی است و آیات قرآن کریم بدان اهتمام زیادی ورزیده

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶) - ترجمه: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می دهد.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَعْفُوْكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (الحديد/۲۸) - ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما بیخشايد و خدا آمرزنده مهربان است.»

۳. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ...» (التوبة/۵۳) - ترجمه: بگو آیا برای ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی ظاهری یا پیروزی باطنی یعنی شهادت] را انتظار می برید؟

۴. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (الأعراف/۹۶) - ترجمه: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بر کاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم...»

۵. «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُبَيِّمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِعُونَ» (المائدة/۵۵) - ترجمه: ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

است. آثار اخلاق در مبحث قدرت نرم فراوان است که به چند نمونه اشاره می‌نماییم. اولاً اخلاق نیکو موجب محبوبیت در قلوب مردم می‌گردد^۱ و در ثانی عامل بهره‌مندی از امدادهای الهی است. همان‌طور که در مبحث خاستگاه قدرت بیان گشت راز بهره‌مندی از امدادهای خاص الهی ایمان به همراه عمل صالح است که در واقع اخلاق نیکو مشمول عمل صالح می‌باشد. همان‌گونه که برخی افعال نیک برای انسان برکاتی دارد، افعال و رفتار بدسیرت و بی‌اخلاقی‌ها نیز دارای آثار سوء فراوانی است که از جمله مهم‌ترین این بی‌اخلاقی‌ها دروغ است^۲.

۳-۳-۳-۳ منابع مادی (مالی و اقتصادی)

منظور از این منابع، اموری همچون پول و امکانات است که برهمگان روشن است که یکی از ملموس‌ترین منابع نرم است. پروردگار متعال در قرآن کریم بدین منبع نیز اشاره نموده و به کارگیری درست آن را «المؤلفه قلوبهم» خوانده است که موجب تألیف قلوب و محبوبیت و مجذوبیت بازیگر می‌شود:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ: صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] بردگان و امداران و در راه خدا و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به‌عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است» (التوبه/۶۰).

نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اسلام به حاکم اسلامی اجازه می‌دهد که بخشی از زکات مسلمین را برای ایجاد محبوبیت و جذب دیگران به اسلام و حکومت اسلامی هزینه نماید، چنان‌که در درجه اول پیامبر اسلام (ص) بخشی از زکات را برای تألیف قلوب به برخی از سران قبایل و بزرگان عرب مثل ابوسفیان پرداخت نمودند و در ثانی مقوله «المؤلفه قلوبهم» قابل قید زدن نیست و آیه مذکور به جهت موارد شمول اطلاق دارد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰) و قابل تقید به زمان نیز نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۳۱۴/۹).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی منابع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم در سه دسته «منابع اعتقادی»، «منابع اخلاقی» و «منابع مالی» قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه مطرح گردید مشخص شد که منابع اعتقادی دارای دایره تأثیر و اثرگذاری بیشتری هستند. در طول نوشتار سعی شد تا با بهره‌گیری از قرآن کریم نوعی بازتعریف از مفهوم نوین «قدرت نرم» در گفتمان اسلامی صورت پذیرد و ترجیح بر آن بود تا ارجاعات تنها به آیات شریفه

۱. «فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۵۹) - ترجمه: پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پُر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند... . تاجایی که یکی از سه عامل پیشرفت اسلام «اخلاق نبی (ص) برای حقیقت‌طلبان» معرفی شد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۰۶).

۲. دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی محروم می‌کند و در میان مردم بی‌اعتبار می‌نماید و اعتماد عمومی را سلب و جامعه را به بیماری نفاق دچار می‌سازد و از آفات زبان و خراب‌کننده ایمان است.



قرآن کریم باشد و حال آن که مفسران حقیقی آیات حق تعالی معصومین (ع) هستند^۱ و بی تردید با رجوع به سخنان ارزشمند آنان می توان به عوامل و منابع دیگری برای قدرت نرم پی برد و به عنوان نمونه به فرهنگ عاشورا، فرهنگ انتظار و دیگر موارد می توان اشاره نمود.

۱. «بِالْبَيْتَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» - ترجمه: [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.

منابع

قرآن کریم

- آقامهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی. دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۴، ۱۶۷-۲۰۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). اسلامی نمودن روابط بین الملل، رویکردی قرآنی، مجموعه مقالات اخلاق و روابط بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). دو چهره قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). مفهوم و جایگاه جنگ نرم در گفتمان انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال اول، شماره ۲.
- بابایی، محمدباقر (۱۳۸۷). فرهنگ و تفکر بسیجی و قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- باقری، سیامک (۱۳۸۷). بسیج و مدیریت قدرت نرم: رویکردی سیستمیک، مجموعه مقالات قدرت نرم؛ فرهنگ و امنیت (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جمالی، حسن (۱۳۷۹). تاریخ و اصول روابط بین الملل، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). اظہار البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قوام، میرعظیم (۱۳۸۴). نقش امدادهای الهی و معنویت در تحولات سیاسی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۷). بررسی و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی، مجموعه مقالات قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی بسیج). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میلسن، ژان (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی نوین؛ از تئوری تا عمل در کتاب دیپلماسی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- واتانامه، یاسوشی و مکائل، دیوید ال. (۱۳۸۹). فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، ترجمه محمد روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف اس (۱۳۸۲). کاربرد قدرت نرم. ترجمه سید رضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.



- نای، جوزف اس (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نای، جوزف اس (۱۳۸۹). فرهنگ عامه و قدرت نرم (مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده). ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- هو کینگ، برابان (۱۳۸۸). بازاندیشی در دیپلماسی عمومی نوین، در ژان میلسن و همکاران، قدرت نرم در روابط بین الملل. ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- Carr, E.H. (1964). *The Twenty Years Crisis, 1919-1939, An Introduction to the Study of International Relations*. New York, Harper & Row.
- Reinold, T. (2003). *Soft Power in Foreign Polic*. Berlin: VDM Verlag.
- <https://www.govtrack.us/congress/bills/105/hr4655>
- <http://www.infoplease.com/ipa/A0904490.html>



مطالعه تطبیقی اقناع در مدل یادگیری و مدل قرآن

ابراهیم کاملی*، دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان
حسام‌الدین آشنا، دانشیار، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۵-۴۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۶

چکیده

انسان در زندگی خود با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. برقراری ارتباط به قصد تأثیرگذاری بر دیگران است. این تأثیرگذاری، در قالب اقناع در علم ارتباطات و روان‌شناسی اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به خاطر اهمیت تأثیرگذاری بر دیگران، مدل‌های گوناگونی ابداع شده است. یکی از مدل‌های اقناع، مدل «یادگیری» است که به وسیله «کارل هاوُلند» ابداع شده است. این مدل دو مؤلفه‌ی اساسی «عناصر ارتباط و ظرفیت‌های روان‌شناسی یادگیری» را پایه‌ی مدل خود قرار داده و به بررسی میزان تأثیرگذاری این دو می‌پردازد. قرآن کریم مجموعه‌ای از پیام‌های الهی به بندگان است که برای تأثیرگذاری بر آن‌ها نازل شده است. این کتاب مقدس، مدلی برای ارائه پیام‌هایش دارد. مدل قرآن دارای سه مؤلفه است. مؤلفه‌های مدل قرآن عبارتند از: عناصر ارتباط؛ ظرفیت‌های روان‌شناسی و تفکر. این مقاله به مطالعه‌ی تطبیقی مدل یادگیری با مدل اقناعی قرآن می‌پردازد تا وجوه اشتراک و تفاوت مؤلفه‌های موجود در این دو مدل را واکاوی کند.

کلید واژه‌ها: اقناع؛ مدل؛ مطالعه تطبیقی



۱- مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و با زندگی اجتماعی، شخصیت خود را می‌سازد. او با برقراری ارتباط با دیگران سعی می‌کند تا نیازهای خود و دیگران را برآورده سازد. همچنین به جهت برقراری رابطه با دیگران، نیازمند علائم قراردادی هست تا با به کار گرفتن آنها، افکار، اندیشه و خواسته‌های خود را به دیگران منتقل نماید. بر این اساس، انسان الفاظ را وضع نمود و با ترکیب الفاظ، جمله و عبارت ساخت و به کمک این جمله‌ها و عبارات، افکار و اندیشه‌های خود را به دیگران انتقال داد.

علت برقراری ارتباط برای انتقال یک جمله یا عبارت (پیام)، متقاعد ساختن شنونده به پذیرش مفهوم آن پیام است. انسان، همیشه برای مؤثر ساختن پیام خود، تلاش فراوان نموده و در پی یافتن راه نفوذ در دیگران بوده و از همین روی از واژه‌ها و عبارات خاصی بهره گرفته یا در وجود خود، ویژگی‌هایی را پرورش داده تا زمینه‌ی پذیرش سخنش فراهم شود.

۲- هدف برقراری ارتباط

برقراری ارتباط اهداف گوناگونی دارد؛ عمده ترین اهداف برقراری ارتباط، خبر دادن، آموزش، مشاوره، ترغیب و تشویق، همچنین ایجاد مشارکت اجتماعی و اقناع است. برقراری ارتباط هدف عملی هم دارد. گاهی برقراری ارتباط غیر کلامی برای اظهار هم‌دلی و هم‌دردی، همانندسازی و خودنمایی است. اما همه‌ی اهداف برقراری ارتباط در یک موضوع با هم اشتراک دارند و آن تأثیر گذاشتن بر روی مخاطب است. حال این تأثیر گذاری ذهنی باشد یا عملی فرقی نمی‌کند. برقراری ارتباط به خاطر «اقناع، اشتراک فکر، پذیرش تأثیر، تغییر رفتار و...» است که همگی به نوعی مفهوم اقناع را دارد (محسنیان راد، ۱۳۶۸: ۱۲۵ و ساروخانی ۱۳۶۴: ۲۵۱). هدف ارتباط، اقناع مخاطبان است. اقناع معمولاً به عنوان فرآیندی ارتباطی جهت تأثیر بر دیگران تعریف می‌شود.

۳- تعریف و تبیین مفهوم اقناع

اقناع در لغت به معنی «قانع ساختن است و در اصطلاح منطقی، یکی از هدف‌های صناعت جدل است و نیز هدف فن خطابه به شمار می‌آید. جدل که یکی از صناعات خمس در علم منطقی است، هدفش اسکات و اقناع مخاطب بوده و یکی از انواع ارتباطی است که به دنبال متقاعد ساختن طرف مقابل جدل کننده می‌باشد...» (معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۲۶).

در علم ارتباطات تعریف‌های گوناگونی برای اقناع بیان شده است. از جمله: «اقناع فرآیندی ارتباطی است که هدف آن، نفوذ در گیرنده‌ی پیام است؛ به این معنی که یک پیام ترغیبی، یک نظر یا رفتار را به شکل داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب یا گیرنده پیام، مؤثر واقع شود. پیام‌دهنده با توسل به راه‌های مختلف از طریق دست‌کاری و تغییر در شناخت، طرح اطلاعات و برانگیختن عواطف و به نمایش گذاردن رفتار، باهدف تأثیر گذاری بر مردم، آنان را به موضع فکری یا انجام رفتارهایی فرامی‌خواند» (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۰).

فرآیند اقناع از آغازین روزهای زندگی بشر وجود داشته و در دوران قبل از مسیحیت و در یونان باستان در آثار دانشمندان آن زمان مثل ارسطو در قالب فن خطابه و منطق خودنمایی کرده است. از قرن نوزدهم به بعد تمایل استفاده از فرآیند اقناع در حوزه‌های گوناگونی مثل سیاست، جنگ، تبلیغ «تجاری، دینی و...» مورد توجه قرار گرفت و اندیشمندان گوناگونی از حوزه‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی و بازرگانی در این موضوع وارد شده و به خلق شیوه‌های بهره‌مندی از اقناع دست زدند. در این دوره تئوری‌هایی برای فعالیت ارتباط اقناعی ابداع و برای آن اصول علمی خاصی تدوین شد و زمینه‌ی علمی شدن اقناع را فراهم ساخت و اندیشمندان نظریه‌های خود را در این زمینه، در قالب تئوری‌های اقناع ارائه دادند. مدل‌های اقناع را در دو قالب «رویکرد سنتی» و «رویکرد مدرن» می‌توان بررسی نمود. در این مطالعه مدل اقناعی «تئوری یادگیری» بررسی می‌شود.

۴- تئوری یادگیری (مدل بیل) «رویکرد سنتی»

روان‌شناسان اجتماعی از اواسط نیمه اول قرن بیستم به تبیین فرآیند اقناع روی آوردند. این گروه از دانشمندان با الهام از عناصر ارتباط «پیام رسان، پیام و مخاطب» سعی در ارائه یک مدل اقناعی به نام «رویکرد یادگیری» نمودند. رویکرد یادگیری پیام، نامی برای فعالیت‌های پژوهشی یک گروه ۳۰ نفره درباره ارتباطات است. «مأموریت این گروه، مطالعه، ارتباط متقاعدگرانه و تأثیر آن بر نگرش و رفتار مردم است. هدف این مدل اقناعی، مطالعه پیرامون «ارتباط متقاعدگرانه در حوزه‌های آموزشی و افکار عمومی و تبلیغ و همچنین بررسی میزان تأثیر این ارتباط بر نگرش و رفتار مردم بود» (مرادی، ۱۳۸۹: ۸۵ و حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۵).

بر اساس پژوهش‌های «کارل هاوُلند» پایه‌گذار این نظریه و همکارانش «فرآیند یادگیری را به چهار مرحله تقسیم نمودند؛ این تقسیم بندی در این نظریه شاید مهم‌ترین و مؤثرترین الگوی یادگیری در زمینه‌ی اقناع باشد» (همان). این رویکرد، متکی بر رفتارگرایی است و هدف ارتباط را تغییر رفتار دانسته و آن را فرآیندی شمرده که طی آن محرک از منبع پیام به مخاطب منتقل می‌شود.

رویکرد یادگیری پیام به دنبال شناسایی ویژگی‌های عناصر ارتباطی است تا میزان تأثیر هر کدام از این عناصر را بر اقناع مشخص سازد. همچنین این رویکرد به ظرفیت‌های روان‌شناختی موجود در عناصر پیام و میزان تأثیرگذاری آن بر متقاعدسازی توجه ویژه‌ای دارد.

بر این اساس باید اصول یادگیری را از روان‌شناسی تربیتی به عاریت گرفت و به عنوان یکی از اصول موضوعه این رویکرد به حساب آورد. اصول یادگیری عبارت‌اند از: «توجه، فهم، نگهداری و بازده گرایشی. این اصول در فعالیت‌های ارتباطی دخیل هستند.» (سیف، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

پرسش اصلی این رویکرد این است که هر کدام از این عناصر، باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند تا ارتباط اقناعی صورت پذیرد؟ رویکرد «یادگیری» به ظرفیت‌های روان‌شناسی این عناصر توجه دارد که بر فرآیند تغییر نگرش و اقناع تأثیر می‌گذارند. این ظرفیت‌ها به طور خلاصه بررسی می‌شود:



۴-۱- ظرفیت‌های روان‌شناسی «واسطه‌های درونی»

این نظریه چهار مفروضه «فهم، توجه، نگهداری و بازده گرایشی» را از حوزه‌ی روان‌شناسی به عاریت گرفته و این نکته را مطرح می‌سازد که در هر ارتباط اقناعی باید نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

۴-۱-۱- **توجه:** پیام باید توجه گیرنده را جلب کند. اولین واسطه‌ی درونی، جلب توجه مخاطب به پیام است. برای جلب توجه مخاطب باید موانع ارسال پیام را برطرف کرد، چه این موانع شخصی یا محیطی باشد.

۴-۱-۲- **فهم:** ادله‌ی پیام باید فهم و درک شود؛ پیام وقتی زمینه اقناع مخاطب را فراهم می‌کند که برای او قابل فهم باشد. باید زبان پیام‌رسان با پیام گیرنده یکی باشد تا پیام درک شود.

۴-۱-۳- **نگهداری:** گیرنده‌ی پیام باید استدلال‌های پیام را بیاموزد؛ نگهداری، حفظ و یادآوری پیام درک شده است. آنچه که از یک پیام به یاد مانده باشد موجب متقاعد شدن مخاطب می‌شود.

۴-۱-۴- **بازده گرایشی:** ما هنگامی بر اساس این یادگیری‌ها عمل خواهیم کرد که «انگیزه‌ای برای انجام آن داشته باشیم» (مرادی، ۱۳۸۹: ۷۸). سه اصل مذکور مقدمه‌ای برای بازده گرایشی است، بازده گرایشی اثر پیام پذیرفته شده است که در رفتار مخاطب ظهور می‌یابد.

۴-۲- عناصر پیام

مدل‌های ارتباطی سه عنصر «پیام‌رسان، پیام و مخاطب» را عناصر اصلی ارتباط به حساب می‌آورند. در این بخش این عناصر بررسی می‌شود.

۴-۲-۱- پیام‌رسان

پیام‌رسان یا منبع پیام، همه کسانی هستند که در طرح و انتقال یک پیام نقش دارند و اطلاعاتی را در قالب پیام در اختیار مخاطب قرار می‌دهند، پیام‌رسان باید دارای ویژگی‌های زیر باشد. این ویژگی‌ها همان مشوق‌هاست.

۴-۲-۱-۱- اعتبار:

پیام‌رسان باید نشانی از حقیقت داشته باشد. «این نشان به سطح آگاهی و تخصص پیام‌رسان اشاره دارد» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۴-۲-۱-۲- محبوب بودن:

محبوب بودن پیام‌رسان، ارتباط را دوست داشتنی می‌سازد. ارتباط دوست داشتنی متقاعدکننده است. محبوب بودن، پذیرش پیام و اثر آن را تسهیل می‌کند.

۴-۲-۱-۳- جذابیت:

منظور از جذابیت، داشتن هر نوع صفت مثبتی است که موجب برجستگی شخصیت پیام‌رسان شود. «جذابیت به عنوان عامل اعتبار و تمایز پیام‌رسان از دیگران به حساب می‌آید و او را به عنوان الگو برای مخاطب جلوه‌گر، می‌سازد» (همان منبع).

جذابیت نوعی ارزش اجتماعی به حساب می‌آید. پیام‌رسان ارزشمند، محبوب مخاطب می‌شود. پیام‌رسان محبوب، اقناع‌کننده است.

۴-۲-۱-۴- شباهت:

منظور از شباهت، مثل هم بودن است. چون شباهت زمینه‌ی آشنایی را فراهم می‌سازد. مبنای شباهت ممکن

است دین، ملیت، طبقه‌ی اجتماعی و یا هر عامل مشترک دیگری باشد که سرنوشت گروهی را به هم پیوند می‌زند. پیوند سرنوشت، عاملی مهم برای اقناع است.

۴-۲-۱-۵- موقعیت شخصیت:

مهم‌ترین ویژگی منبع در برقراری ارتباط، «شخصیت» اوست؛ برای این که «شخصیت ارتباط‌گر، مهم‌ترین ابزار اقناع به شمار می‌رود».

۴-۲-۲- ویژگی‌های پیام

دومین عنصر از عناصر ارتباط، پیام است. پیام صرف نظر از موضوعش، در متقاعد کردن مخاطب نقش مهمی دارد. تأثیر پیام وابسته به شکل تدوین، نوع طراحی و شیوه‌ی انتقال و انتشار آن بستگی دارد. پیام، کلید اقناع است. اگر پیام‌رسان فکر یا ایده‌ای را در قالب کلام یا غیر کلام بتواند تنظیم نماید و با هدف تأثیر گذاری به مخاطبان به آنها برساند، توانسته توجه مخاطب را به پیام و اثر آن جلب کند. پیام موضوعی خاص دارد، برای تأثیر گذاری باید از فرآیندهای واسطه‌ای «توجه، فهم، نگه‌داری و بازده گرایشی» برای تغییر نگرش کمک بگیرد تا تأثیر گذار شود. پیام دارای ویژگی‌هایی است که به عنوان میان‌بر به تأثیر گذاری آن کمک می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۴-۲-۱- استدلال‌های پیام

استدلال‌های پیام، نشانه و علت پذیرش موضوع پیام را فراهم می‌کنند. استدلال‌ها، آگاهی‌هایی درباره‌ی نقاط قوت پیام هستند که زمینه‌ی پذیرش پیام را آماده می‌نمایند. تعداد استدلال‌های پیام، اثر اقناعی دارد و به میزان درگیری مخاطب با موضوع پیام، تعداد آن تفاوت دارد. استدلال‌های پیام، نشانه‌ی پیرامونی برای پذیرش آن است.

۴-۲-۲- قالب بندی پیام

منظور از قالب بندی پیام، ارائه آن به شکل خاصی است که توجه مخاطب را به سوی آن جلب کرده و بتواند مخاطب را به اندیشه فراخواند «یا احساس و هیجان او را برانگیزد. قالب بندی پیام ممکن است به شکل ایجاد اضطراب و نگرانی در وجود مخاطب عرضه شده و هم‌زمان راه حل و برون رفت آن هم عرضه شود» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۱۰۸). ارائه‌ی راه حل برای رفع اضطراب و نجات از پیامد منفی، همواره مشوق مناسبی برای پذیرش یک موضوع نگرشی تازه است.

۴-۲-۳- نتیجه‌گیری پیام

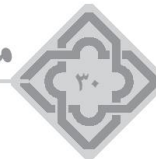
نتیجه‌گیری در فعالیت ارتباطی یکی از عوامل مؤثر در متقاعدسازی مخاطب به حساب می‌آید. ممکن است نتیجه‌گیری در خود پیام انجام شود و یا با طرح یک پرسش به عهده‌ی مخاطب واگذار شود.

۴-۲-۴- تکرار پیام و تنوع تکرار آن

تکرار پیام، یکی از متغیرهای مربوط به متقاعدسازی است. تکرار پیام موجب افزایش فرآیندهایی همچون «فهم و نگه‌داری» اطلاعات می‌شود.

۴-۲-۳- مخاطب و ویژگی‌های او

مخاطب یکی دیگر از عناصر ارتباط است، با توجه به این که پیام‌رسان با ارائه پیام به دنبال متقاعد کردن مخاطب است باید به ویژگی‌های مخاطب توجه عمیق داشته باشد. برای این که ویژگی‌های او بر چگونگی و میزان تأثیر گذاری دیگر عناصر ارتباطی اثر می‌گذارد و زمینه متقاعدسازی را فراهم می‌آورد. در قالب تشبیه،



مخاطب هم چون زمینی است که بذر «اقناع» در آن کاشته می شود. زمین آمادگی خاص خود را دارد و توان رویاندن هر بذری را ندارد. مخاطب هم آمادگی پذیرش هر پیامی را ندارد. با مشخص کردن ویژگی های مخاطب، پیام رسان راه نفوذ در او را می یابد و پیام خود را متناسب با شرایط مخاطب طراحی و ارائه می نماید تا تأثیر لازم را بر جای گذارد. ویژگی های مخاطب عبارتند از:

۴-۲-۳-۱- هوش

هوش، ظرفیت فهم جهان و محیط اطراف است که در زمان رویارویی با موانع با توسل به تفکر مستدل و بهره گیری مؤثر از منابع به کار می افتد. هوش، بهره گیری از اطلاعات برای به خدمت گرفتن امکانات محیط در راه تداوم و بهبود زندگی است.

۴-۲-۳-۲- عزت نفس

نگرش مثبت و منفی فرد نسبت به خود و میزان ارزش و توجه فرد نسبت به او است. عزت نفس با کفایت نفس رابطه دارد، کفایت نفس به احساس لیاقت، صلاحیت و شایستگی فرد نسبت به خویش و کنترل زندگی اجتماعی دلالت دارد.

۴-۲-۳-۳- خبرگی

خبرگی یکی از مؤلفه های مربوط به مخاطب است. کسانی که از اطلاعات وسیعی نسبت به موضوع برخوردار هستند زمینه ی پردازش موشکافانه ی پیام را دارند.

در این نوشتار تا به حال مؤلفه های مدل اقناعی «یادگیری» در دو عنوان ظرفیت های روان شناسی (یا واسطه های درونی) و عناصر ارتباطی (یا واسطه های بیرونی) بررسی شد. حال این موضوع را در مدل اقناعی قرآن بررسی می کنیم؛ وجود مدل اقناعی در قرآن، جزء اصول مسلم و پذیرفته در این نوشتار است.

۵- مدل اقناعی قرآن

با بررسی اجمالی درباره ی مدل «یادگیری» و استخراج دو مؤلفه ی «عناصر ارتباطی و ظرفیت های روان شناسی» به عنوان پایه های این مدل، این موضوع مطرح می شود که قرآن چه عناصر و ظرفیت هایی را در شیوه های اقناعی خود مهم شمرده و به آنها توجه کرده است. قرآن در بیان و انتقال پیام خود از عناصر ارتباطی بهره برده و برای هر یک از این عناصر ویژگی هایی را یادآوری کرده است. در این بخش به بررسی عناصر ارتباطی با عنوان واسطه های بیرونی می پردازیم.

۵-۱- ویژگی های پیام رسان «واسطه بیرونی»

ویژگی های پیام رسان در قرآن از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار می گیرد که ما آن را در قالب واسطه بیرونی بررسی می کنیم. لازم به یادآوری است که پیام رسان مورد نظر ما در این نوشتار انسان هایی هستند که به مقام نبوت رسیده و توانایی درک و دریافت پیام های الهی را دارند.

۵-۱-۱- آگاهی و نگرش

یک پیام رسان باید هم خودش آگاه باشد و هم بر اساس آگاهی، مخاطبان را به سوی پیام خود دعوت کند. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ: بگو این است راه من که

من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم» (یوسف/۱۰۸). در قرآن کسانی که به عنوان پیام‌رسان معرفی شده‌اند دارای صفت آگاهی هستند. نمونه‌ی آن حضرت خضر(ع) است که مسئولیت پیام‌رسانی به حضرت موسی(ع) را دارد. وی اول خودش آگاهی یافته و در مرحله‌ی بعد به وظیفه پیام‌رسانی به حضرت موسی(ع) پرداخته است. «وَ عَافِنَاهُ مِنْ لَدُنَا عَلَمًا: و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم» (کهف/۶۵). ویژگی «اعتبار و تخصص» در رویکرد یادگیری با این ویژگی همخوانی دارد. علم در این آیه «خبر دادن از غیب است و خیر از غیب نوعی تخصص به حساب می‌آید» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۳۳).

۵-۱-۲- ایمان به هدف

اقناع‌گر مؤمن به هدف؛ هیچ‌گاه در پیام‌رسانی کوتاهی نخواهد کرد، حتی اگر با برخورد نامناسب مخاطبان خود مواجه شود. صبر، پایداری، ایمان و یقین چهار مشخصه اساسی اقناع‌گر قرآنی است. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقنونَ وَ چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند» (سجده/۲۴).

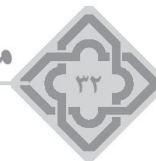
۵-۱-۳- اخلاص

یکی از ویژگی‌های فعالیت اقناعی، پاک بودن این فعالیت از منفعت طلبی است. در این بخش به این نکته اشاره می‌شود که شیوه‌ی تمامی پیام‌رسانان الهی، این بوده که در برابر پیام‌رسانی برای خود هیچ درخواستی نداشته و اعلام می‌نمودند که پروردگار مرا به عنوان رسول فرستاده است و مزد مرا خواهد پرداخت. «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست» (شعراء/۱۰۹).

۵-۱-۴- سعه‌ی صدر داشتن

تحمل موضع‌گیری‌های مخاطبان در برابر پیامی که به آنها می‌رسد، یک اصل اساسی در رفتار پیام‌رسان می‌باشد. برای این که مخاطبان ممکن است در طیف گسترده‌ای از پذیرش مطابق با فطرت خودشان «اقناع» شوند یا این که در طیف مخالف آن «کفر» و یا این که حالت «نفاق» به خود بگیرند و نسبت به هر یک از طیف‌ها، موضع‌گیری‌ها هم متفاوت خواهد شد. «یا ایها الرسولُ لا یحزُنک الَّذینَ یسارعونَ فی الکفر من الذین قالوا آمَنّا بأفواههم وَ لَمْ تُؤْمِرْ قُلُوبُهُمْ» ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند تو را غمگین نسازند [چه] از آنان که با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آن که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود» (مائده/۴۱).

در این آیه به دو طیف «کفر و نفاق» اشاره شده و کفر و نفاق این افراد از گفتار و رفتارشان در برابر احکام الهی نمایان می‌شود. نکته دیگر این آیه دل‌داری دادن به پیامبر است (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۴۰). نمونه دیگر سعه صدر پیامبران در رفتار حضرت نوح(ع) جلوه‌گر است. منکران پیام‌های حضرت نوح(ع)، او را «گمراه» معرفی می‌کردند. «إِنَّا لَنَرِيكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» و حضرت نوح(ع) در جواب آنها می‌گفت: «یا قوم لیسَ بی ضلالهً و لکنی رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ: ای قوم من هیچ‌گونه گمراهی در من نیست بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم» (اعراف/۶۱). هدف من این است که رسالت پروردگار را انجام داده و دستورات او را به شما برسانم (أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي) و در این راه از هیچ‌گونه خیرخواهی فروگذاری نمی‌کنم (وَ أَنْصَحُ لَكُمْ) «انصح»



از ماده «نصح» بر وزن قفل به معنی خلوص و بی غل و غش بودن است. لذا ناصح العسل به معنی عسل خالص است، سپس این تعبیر در مورد سخنانی که از روی نهایت خلوص نیت و خیرخواهی و بدون تقلب و فریب و تزویر گفته می شود به کار رفته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۲۰).

۵-۱-۵- مهربانی و دل سوزی

پیام رسان اگر از روی دل سوزی بخواهد پیامش را به مخاطبان برساند، راحت تر می تواند آنها را به سوی خود جذب کند. قرآن کریم یکی از ویژگی های پیامبر (ص) را «مهربانی» بیان می کند. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ، لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند» (آل عمران/۱۵۹).

مهربانی از طرف خدا به پیامبر به عنوان پیام رسان عطا شده است و در آیه ی دیگری ایشان با صفت «رؤوف» معرفی شده اند. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد، هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید. سخت به شما دل بسته است و با مؤمنان رؤوف و مهربان است» (توبه/۱۲۸).

در این آیه سه ویژگی پیام رسان بیان شده است. «از جنس خود مخاطبان، علاقه مند به سرنوشت آنها و مهربان. (حجتی و بی آزار شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۵۰۹). این سه ویژگی ابزار مؤثری برای جلب و جذب مخاطبان و توجه دادن آنها به پیام و در نتیجه پذیرش پیام از طرف آنها می باشد. همچنین پیام رسان باید با اظهار دل سوزی و محبت خود به مخاطبان، آنان را به اندیشه و تفکر وادار سازد تا نسبت به محتوای پیام بیاندیشند. محبوبیت محصول مهربانی است؛ چون محبوبیت وسیله ی جلب توجه مخاطبان است. شهید مطهری در کتاب «حماسه ی حسینی» در ارتباط با ویژگی های پیام رسان به نکاتی اشاره می فرماید که با موضوع بحث ارتباط نزدیکی دارد؛ وی می گوید: «شرایط موفقیت یک پیام... شخصیت خاص پیام رسان و پاک دلی واعظ و تواضع در رساندن پیام و نرمش در سخن است» (مطهری، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۱۱).

۵-۲- ویژگی پیام «واسطه ی بیرونی»

پیام دومین عنصر فعالیت ارتباطی برای متقاعدسازی و اقناع مخاطبان است و تأثیر گذاری بر مخاطب با وجود عنصر پیام، معنا و مفهوم می یابد. بنابراین به بررسی ویژگی این عنصر می پردازیم:

۵-۲-۱- روان و روشن بودن

پیامی قابل درک و فهم است که به صورت واضح و آشکار ارائه گردد. یکی از مصداق های روان و روشن بودن این است که به زبان مخاطبان، پیام ارائه شود. قرآن دارای چنین ویژگی است. «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَى، إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مَصْدَقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرِي لِمُحْسِنِينَ: و [حال آن که] پیش از آن کتاب موسی راهبر و [مایه] رحمتی بود و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده [آن] است تا کسانی را که ستم کرده اند هشدار دهد و برای نیکو کاران مژده ای باشد» (احقاف/۱۲). در این آیه واژه «لسانا عربیاً» (به معنای روشن و آشکار است و نه بیان گریک نوع خاص از زبان گفتاری مردم) (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۱۱۳). قابل فهم بودن پیام در مدل یادگیری به عنوان یکی از ویژگی های پیام مطرح است.

۵-۲-۲- تکرار پیام

هدف از تکرار یک سخن و پیام به خاطر تغییر مخاطبان یا به خاطر اهمیت موضوع مطرح شده امکان دارد، باشد. بر همین اساس پیام‌رسان، مطالب قبلی را دقیقاً و عیناً تکرار می‌کند و یا بنا به تغییر بعضی از شرایط و موقعیت‌ها و یا پاسخ به پرسش‌های مخاطبان با ایجاد تغییر اندکی در پیام برای نشان دادن اهمیت موضوع آن را تکرار می‌نماید. این نوع تکرار یک اصل پذیرفته شده و جزء محسنات و آرایه‌های ادبی است و در شعر و به خصوص در قصیده‌ها در قالب «ترجیع بند» تکرار و مایه‌ی التذاذ ادبی مخاطب می‌شود. موضوع تکرار در قرآن از اهمیت فراوانی برخوردار است حال این تکرار دقیقاً مثل عبارت قبلی باشد یا تغییر اندکی در آن رخ داده باشد. این نوع تکرار به خاطر تأثیرگذاری آن بر مخاطبان است و تکرار، اثر اقناعی فراوانی دارد. «یکی از ویژگی‌های قرآن، آن است که یک قصه را در چند جای قرآن با چند گونه عبارت و در چند قالب متفاوت نازل کرده است و در هر کدام، کاستی و افزایش قرار داده است تا از هر کدام نتیجه‌ای خاص را برای مخاطبان خاص بگیرد» (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۲۲). همچنین «نکته‌ی قابل توجه در تکرار داستان حضرت موسی، تفاوت روح کلی آن در سوره‌های مکی با سوره‌های مدنی است. در سوره‌های مکی سمت و سوی داستان، مبارزه و گفت و گوهای موسی (ع) با فرعون و اطرافیان اوست. در سوره‌های مدنی، بیشتر رابطه موسی (ع) با بنی اسرائیل و مشکلات اجتماعی و سیاسی آنان حکایت می‌شود» (معرفت، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

۵-۳- ویژگی مخاطب «واسطه‌ی بیرونی»

سومین عنصر فعالیت اقناعی، مخاطب است؛ یعنی فرد یا افرادی که به خاطر او فعالیت اقناعی انجام می‌شود. پس باید مخاطب به درستی شناخته شده و با ظرفیت‌ها و نیازها و توانایی‌های او آشنا شد تا بتوان پیام را اثرگذار ساخت.

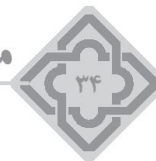
۵-۳-۱- ظرفیت مخاطب

«همانطور که انسان‌ها از نظر جسمی متفاوت هستند؛ به لحاظ روحی ظرفیت‌های گوناگونی دارند» (واسعی و دیانی، ۱۳۸۶: ۴۵). این ظرفیت‌ها ممکن است به بُعد شناختی یا عاطفی آن‌ها مربوط باشد. بر همین اساس در زمان‌ها و دوره‌های مختلف، پیامبران گوناگونی از طرف خدا برای راهنمایی آنها آمده‌اند. آنها مأمور بودند تا به تناسب ظرفیت مخاطبان خود سخن بگویند. «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ، نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَي قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۸: ۱۸۶). «سیر تمدن بشری از هیچ به سوی همه چیز است و روح حاکم بر جوامع، رو به رشد، تعالی و کمال است، به همین جهت نبوت نیز به فراخور حال آنان پیش رفته و کمال می‌یابد» (واسعی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶).

شناخت ظرفیت مخاطب، شناخت صحیح او را به دنبال دارد و راه کار فعالیت اقناعی پس از شناسایی ظرفیت‌ها ظهور می‌یابد، ظرفیت‌هایی مانند سن، جنس، باور، اعتقاد، تربیت و...

۵-۳-۲- نیازهای مخاطب

انسان نیازهای گوناگونی دارد که می‌توان این نیازها را در قالب تمایلات و خواسته‌ها دسته‌بندی کرد. خواسته‌های جسم (همانند غذا، آب، پوشاک و...) و خواسته‌های عاطفی (مثل محبت، کینه، خدا خواهی و...). ظاهر انسان نمایان‌گر تمام نیازهای او نیست. «باید با چشم درون‌بین و گوش شنوا به درون انسان نفوذ



کرد تا نیازهای او را شناخت. نیازهای انسان حالت پلکانی دارد، وقتی که نیاز پله پایین برطرف شد نیاز پله بالاتر ظهور می کند» (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

تأمین صحیح نیازها؛ یک روش تربیتی است که با تأمین نیازهای پایین تر، زمینه ظهور نیازهای بالاتر را فراهم می سازد. قرآن کریم به نیازهای انسان توجه و اشاره کرده است که اول باید نیازهای جسم برطرف شود تا نیازهای روح زمینه ی ظهور یابند. «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، لِیَلٰفِ قُرَیْشٍ، لِیَلٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَ الصَّیْفِ، فَلِیَعْبُدُو رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ، الَّذِیْ اَطَعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ اَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ: به نام خداوند رحمتگر مهربان برای الفت دادن قریش الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان [خدا پیلداران را نابود کرد] پس باید خداوند این خانه را بپرستند، همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد» (قریش / ۴-۱).

در این آیات برطرف کردن نیازهای «گرسنگی، ترس» و فراهم نمودن «تولید و درآمد» مقدمه ای برای پرستش پروردگار معرفی شده است. همچنین پیامبر (ص) در این باره می فرماید: «فَلَوْلَا الْحُبُّ مَا صَلَّیْنَا وَ لَا ضَمْنَا وَ لَا اَدَّیْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ: اگر نان نبود، نماز نمی خواندیم و روزه نمی گرفتیم و واجبات الهی را انجام نمی دادیم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۲۸۷).

۵-۳-۳- بایسته های مخاطب

شناخت ظرفیت و نیازهای مخاطب به وضع موجود وی مربوط می شود. ما به دنبال وضع مطلوب آن هستیم که باید از وضع فعلی حرکت کرده تا به آن وضع مطلوب «پذیرش پیام» برسیم. بر این اساس شناخت بایسته ها و ضرورت های مورد نیاز مخاطبان لازم است.

پیام رسان علاوه بر شناسایی وضع موجود باید وضع مطلوب را هم شناسایی کند تا با بیان ویژگی های وضعیت مطلوب بتواند در مخاطب علاقه ایجاد نماید؛ پیام رسان می تواند علایق را از طریق شناساندن موقعیت های مطلوب یا تحریک عواطف وی به دست آورد.

انسان موجودی کمال طلب است. اگر ضرورت زندگی متعالی را به وی معرفی کنیم یا او را علاقه مند به این زندگی نماییم از سطح نازل زندگی که به آن دل خوش کرده است، دست می کشد و به آن هدف متعالی که ضرورت زندگی انسان می باشد روی می آورد. این روی آوردن حد اعلا ی اقناع است. قرآن در این باره می فرماید: «وَ لَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِیْلًا، اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَیْرٌ لَّكُمْ، اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ، مَا عِنْدَكُمْ یَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ وَ لَنُجْزِیَنَّ الَّذِیْنَ صَبَرُوْا اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ، مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ وَ اَنْتَی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهٗ حَیٰةً طَیِّبَةً وَ لَنُجْزِیَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ: و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید زیرا آنچه نزد خداست اگر بدانید همان برای شما بهتر است، پایدار است و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می کردند پاداش خواهیم داد هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد» (نحل / ۹۷-۹۵).

در آیه مذکور، زندگی مادی زود گذر و زندگی ماندگار آخرت مقایسه شده است. هر کس با دو ویژگی «ایمان و عمل درست» می تواند به مقام والای «حیات طیبه» برسد. پس شایسته ی هر انسان است که چنین باشد. «حیات طیبه ای که خداوند به زن و مرد نکو کردار وعده داده است حیاتی حقیقی و جدید است که مرتبه ای بالا و والا از حیات عمومی و دارای آثاری مهم می باشد و در جمله «فَلَنُحْیِیَنَّهٗ حَیٰةً طَیِّبَةً» حیات، به

معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است. پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تبارک و تعالی مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ۲۴۲ و ابن عاشور ۱۴۰۵، ج ۱۳: ۲۱۹).

۶- ظرفیت‌های روان‌شناسی یا واسطه‌های درونی

قرآن کریم علاوه بر عناصر ارتباطی از فرآیند واسطه‌های درونی برای اقناع مخاطبان خود فراوان بهره برده است. واسطه‌های درونی عبارتند از: «توجه، فهم، نگه داری، بازده گرایشی، تعقل و تفکر» که به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

۶-۱- توجه

توجه، یکی از عوامل مهم در امر یادگیری به حساب می‌آید، اگر مخاطب به موضوع مطرح شده در قالب پیام توجه نکند اطلاعات و آگاهی لازم را به دست نمی‌آورد و به تبع آن توانایی تجزیه و تحلیل نمی‌یابد. قرآن برای جلب توجه مخاطبان خود از داستان، ضرب المثل و دعوت مستقیم برای این امر بهره برده و پس از بیان داستان یا ضرب المثل، پیام خود را ارائه نموده و از مخاطب خواسته است که به آن توجه نماید «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ: و چون قرآن خوانده شود گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید امید که بر شما رحمت آید» (اعراف/۲۰۴). همچنین قرآن پس از یادآوری نابودی اقوام پیشین، در قالب داستان به موضوع توجه مخاطبان اشاره نموده و یادآوری می‌نماید که افراد عاقل و کسانی که آمادگی ذهنی و توجه کامل دارند از این داستان‌ها عبرت می‌گیرند. «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ: پیش از آنها چه مردمی را که نیرومندتر بودند و در شهرها سیر و جستجو می‌کردند، به هلاکت آورده‌ایم. آیا راه گریزی هست؟ در این سخن برای صاحب‌دلان یا آنان که با حضور قلب گوش فرامی‌دارند، اندرزی است» (ق/۳۶ و ۳۷).

۶-۲- فهم و درک

توجه و درک به هم وابسته هستند، توجه مقدمه‌ی درک است. توجه نوعی آمادگی ذهنی برای فهم به حساب می‌آید. با توجه به این که فهم انسان وابسته به علایق و سوابق فکری اوست، ممکن است که درک ما متفاوت باشد. انگیزه‌ها و ارزش‌های فرد در آگاهی و ادراک او تأثیر می‌گذارد. یکی از ارزش‌ها، ایمان است. مؤمنان در حالت آمادگی و توجه به آیات الهی، گوش فرامی‌دهند و آنها را درک می‌کنند و در حالی که این آیات بر مشرکان چنین تأثیری ندارد «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ: و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند» (اعراف/۱۷۹). در این آیه، وجود ابزارهای درک و فهم یعنی «گوش و چشم» آمده است، اما این دو عضو مدرک، کارایی خود را از دست داده‌اند. «این آیه به این نکته اشاره دارد که دل و چشم و گوش از رحمت خدا برای بندگانش است اما عده‌ای از این رحمت و نعمت



الهی نمی‌توانند بهره‌بردار برای این که راه عبودیت الهی را نیموده‌اند» (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۲۴۱ و زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹: ۱۶۸).

۶-۳- حفظ و نگه‌داری

سومین واسطه‌ی درونی، نگه‌داری و یادآوری موضوعاتی است که انسان پس از توجه و فهم آن لازم است آن را حفظ نموده و در مواقع مورد نیاز یادآوری کند؛ اگر حفظی صورت نگرفته باشد، یادآوری معنایی ندارد. بنابراین قرآن بر حفظ موضوعات یاد گرفته شده تأکید فراوان دارد. یادآوری در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند و از همین جهت قرآن موضوع یادآوری را با عباراتی نظیر «افلا تتذکرون، لعلهم یتذکرون» بیان کرده و خود را «مذکر و ذکر» معرفی نموده است «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيُلْعَنُوا أَمَّا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلْيَذُكَّرِ أُولُو الْأَلْبَابِ: این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم یابند و بدانند که او معبودی یگانه است و تا صاحبان خرد پند گیرند» (ابراهیم/۵۲). در این آیه، به ویژگی درونی حفظ و نگه‌داری انسان اشاره شده است. چون موارد حفظ شده را مجدداً یادآوری می‌کند. «این بیانات و آیات برای تبلیغ و رساندن پیام به مردم است برای اینکه انذار شوند و از مخالفت و عذاب الهی بترسند و دست از شرک بردارند و بدانند که الله و سزاوار پرستش یکی است. خداوند متعال در این آیه سه وظیفه برای مردم در نظر گرفته است که عبارت است از: (دریافت پیام و درک هشدار مربوط به آن و شناخت یگانگی خدا) و برای صاحبان خرد و عقل (تذکر) را در نظر می‌گیرد تا متذکر شوند» (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۳: ۲۸۱ و طیب، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۰۸). هشدار و تذکر دو شیوه برای حفظ و نگه‌داری است.

۶-۴- بازده گرایشی

سه واسطه‌ی مذکور برای این است که انسان به انجام رفتارهای خاصی سوق یابد و آن را انجام دهد، یعنی توجه و فهم و یادآوری مقدمه‌ی عمل انسان است که موضوعی را یاد گرفته و آن را در عمل به نمایش می‌گذارد «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْنَا أَلَّا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ... بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم و به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده [اش] نزدیک مشوید» (انعام/۱۵۱). آنچه در این آیه به عنوان بازده گرایشی آمده عبارت است از: «عدم شرک به خدا، نیکی به والدین، عدم فرزندکشی به خاطر فقر و دوری از فواحش و عدم کشتن دیگری است. همه این محرمات و واجبات الهی مربوط به اعتقادات، اخلاق و احکام عملی اسلام است. واژه (تعالوا و اتلوا) می‌تواند اشاره به توجه و فهم و درک مخاطب باشد. برای این که تعالوا، به معنای روی آوردن است و اتلوا به معنای خواندن مطلبی است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۹۰، و قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۳۸۱).

۶-۵- به کارگیری هم‌زمان جزء شناختی و عاطفی نگرش

قرآن کریم در استدلال‌ها شیوه خطابی و هم‌شیوه‌ی برهانی دارد، سخنگو هم‌زمان نمی‌تواند دو جزء نگرش انسان را مورد توجه قرار دهد، اما قرآن کریم چنین توانایی را دارد که هم‌زمان برای انسان آگاهی و اندیشه آفریده و نوعی علاقه و گرایش هم‌نسبت به آن آگاهی و اندیشه جهت تبدیل شدن به عمل ایجاد نماید. اگر

پیام‌رسانی بتواند هم‌زمان بُعد شناختی و عاطفی انسان را مورد خطاب قرار داده و تغییری در آن ایجاد نماید، شاهکار کرده و می‌توان گفت که یک اثر اقناعی ماندگار برجای گذاشته است.

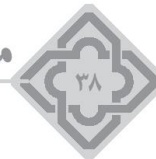
قرآن کریم برای به کارگیری هر دو جزء نگرش انسان، در قالب داستان، هم به بُعد شناختی نگرش انسان وهم به بُعد عاطفی آن توجه کرده است، در آیه‌ی «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلْ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ: خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه متضمن وعده و وعید نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می‌هراسند پوست بدن‌شان از آن به لرزه می‌افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد این است هدایت خدا هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست» (زمر/ ۲۳). قسمت اول آیه «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي...» اشاره به بعد شناختی نگرش انسان دارد و قسمت دوم آیه «تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...» به بعد عاطفی انسان اشاره می‌کند «چون ترس و نرم شدن دل مربوط به حالت‌های درونی او می‌باشد» (ذیل لغت قشعر و طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۲۵۶).

در این آیه به دو بعد از ابعاد وجود انسان اشاره شده است؛ عبارت «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» چه مربوط به لفظ باشد و چه مربوط به معنا، به بعد شناختی و آگاهی به دست آمده برای انسان اشاره دارد و دو واژه «تقشعر» و «تلین» به حالت روانی و عاطفی انسان مربوط می‌شود که بعد از به دست آوردن آگاهی این حالت به دست می‌آید.. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید «... و کلمه «تقشعر» از مصدر «اقشعرار» است که به معنای جمع شدن پوست بدن است به شدت، از ترسی که در اثر شنیدن خبر دهشت آور و یا دیدن صحنه‌ای دهشت آور دست می‌دهد و این جمع شدن پوست بدن اشخاص در اثر شنیدن قرآن، تنها به خاطر این است که خود را در برابر عظمت پروردگارشان مشاهده می‌کنند. پس در چنین وضعی وقتی کلام خدا را بشنوند، متوجه ساحت عظمت و کبریایی او گشته و خشیت بر دل‌هایشان احاطه می‌یابد و پوست بدن‌هایشان شروع به جمع شدن می‌کند.» «ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» کلمه «تلین» متضمن معنای سکون و آرامش است، چون اگر چنین نبود احتیاج نداشت که با حرف «الی» متعدی شود، پس معنایش این است که: بعد از جمع شدن پوست‌ها از خشیت خدا، بار دیگر پوست بدنشان نرم می‌شود. و دل‌هایشان آرامش می‌یابد، چون به یاد خدا می‌افتند و با همان یاد خدا آرامش می‌یابند.

در جمله قبلی که جمع شدن پوست‌ها را بیان می‌کرد، سخنی از قلوب به میان نیاورد، برای اینکه مراد از «قلوب» جان‌ها و نفوس است و جان «اقشعرار» یعنی جمع شدن پوست ندارد. عکس العمل جان‌ها در برابر قرآن همانا خشیت و ترس است. «ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ» یعنی این حالت جمع شدن پوست از شنیدن قرآن که به ایشان دست می‌دهد و آن حالت سکونت پوست‌ها و قلب‌ها در مقابل یاد خدا، هدایت خداست و این تعریف دیگری است برای هدایت از طریق لازمه آن» (همان).

۶-۶-۶- تعقل و تفکر

منظور از تعقل و تفکر نوع ارزیابی انسان درباره‌ی پیام و اطلاعات موجود در آن است. قرآن کریم هرگاه پیامی را ارائه می‌نماید، مخاطب خود را به تفکر فرا می‌خواند. موضوعاتی که قرآن مخاطب خود را به تعقل درباره‌ی



آن دعوت می کند، عبارت است از «قرآن، آیات خدا، مرگ و زندگی، آخرت، بت پرستی، گردش شب و روز، ضرب المثل، گردش زمین و عمر طولانی»، تعقل و تفکر، یکی از مؤلفه های ویژه مدل اقناعی قرآن است.

۷- مؤلفه های مدل اقناعی قرآن

مدل اقناعی قرآن دارای سه مؤلفه است. این مؤلفه ها برخی با مدل های دیگر هم سان هستند و برخی اختصاص به مدل قرآن دارند. این مؤلفه ها به اختصار یادآوری می شود:

۷-۱- مؤلفه اول:

در الگوی قرآن، عناصر ارتباط به وضوح دیده می شود. این عناصر عبارتند از: «پیام رسان، پیام و مخاطب» در قرآن الگوهای ارتباطی به فراوانی دیده می شود: پیامبران به عنوان پیام رسان، پیامی را در قالب کلامی و ارتباطات میان فردی برای مخاطبان خود ارائه و ارسال نموده اند. نمونه های فراوانی از این ارائه در قالب گفتگوی پیامبران با قوم خود در قرآن آمده است. گفت و گوی حضرت نوح (ع) با قوم خود، گفت و گوی حضرت ابراهیم (ع) با پدر خوانده اش، گفت و گوی حضرت موسی (ع) با فرعون، حضرت شعیب (ع) با مردم زمانش و... نمونه های فراوانی از این الگوی قرآن، در قالب عناصر ارتباطی می باشند. آیات زیر که گفت و گوی حضرت ابراهیم (ع) با پدر خوانده اش می باشد، مثالی از گفت و گویهای مطرح در قرآن است. «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا، إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنَّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا: و در این کتاب ابراهیم را یاد کن که او پیامبری راست گو بود، آن گاه که پدرش را گفت: ای پدر، چرا چیزی را که نه می شنود و نه می بیند و نه هیچ نیازی از تو برمی آورد، می پرستی، پدر به راستی مرا از دانش [وحی حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم» (مریم/۴۲ و ۴۱).

در این گفت و گو بین حضرت ابراهیم (ع) و پدر خوانده اش سه عنصر ارتباط به وضوح دیده می شود. پیام رسان، حضرت ابراهیم، مخاطب، پدر خوانده و پیام ارائه شده پیرامون معبود خیالی مخاطب است. حضرت ابراهیم (ع) در این پیام «نکاتی را برای آذر، بیان می کند که عبارت است از: غایت عبادت، تعظیم است، معبود باید شنوا و بینا باشد و نیازی از نیازهای عبد را برطرف سازد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ۵۴۴).

۷-۲- مؤلفه دوم:

قرآن در مدل اقناع خود علاوه بر بکارگیری عناصر ارتباط به اصول یادگیری هم توجه داشته و آن ها را در فرآیند اقناع به کار گرفته است. خطاب های فراوان قرآن با حرف ندای «یا» و مورد خطاب قرار دادن مردم، انسان، مؤمنان، کافران، منافقان، پیامبران، همه برای این است که توجه مخاطب را به یک پیام جلب نماید «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر/۱ و ۲). علاوه بر فراوانی خطاب های قرآن به کارگیری حروف مقطعه در اول ۲۹ سوره ی قرآن کریم دلیل دیگری است که قرآن برای جلب توجه مخاطبان از آن بهره برده است «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَلَمْ، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۲-۱).

قرآن جلب توجه مخاطبان، پیام هایش را با یک زبان آشکار قابل فهم برای مردم بیان نموده است و «با تکرار این پیام ها به دنبال فهماندن آن ها به مخاطبان بوده است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۷۷). هم چنین علاوه بر توجه و

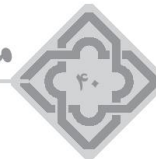
فهم به حفظ و نگه‌داری این پیام‌ها عنایت داشته و بارها از مخاطبانش پرسیده است که آیا به یاد نمی‌آورید؟ و برای این که یادآوری پیام‌ها راحت‌تر باشد آن‌ها را همراه با نعمتی از نعمت‌های خدا همراه ساخته تا با تداعی و تذکر، این حفظ و نگه‌داری در حافظه‌ی مخاطبان باقی بماند. «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ: ای فرزندان اسرائیل نعمتم را که بر شما ارزانی داشتم و این که شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید» (بقره/۱۲۲). «و الظاهر هو أن الحديث الذي بدأه القرآن مع بني إسرائيل كان محاولة لتذكيرهم بالميثاق و بنعم الله عليهم و بمسئوليتهم عن هذه النعم بالسير مع الإسلام في دعوة النبي: ظاهر مطلب این است که علت این که قرآن بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده است، تلاش برای به یاد آوردن ميثاق و نعمت های اعطایی خدا و مسئولیت های آنها در برابر این نعمت هاست تا با دعوت پیامبر به اسلام روی آورند» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، من وحی القرآن، ج ۲: ۱۹۹).

۷-۳- مؤلفه سوم:

قرآن در جنبه‌ی سوم شیوه‌ی اقناع و تغییر نگرش، با دعوت مخاطبان خود به بررسی محتوای پیام و تفکر و تدبیر در قرآن و پیام‌های آن، مخاطبان را تحریک می‌نماید که با دقت به بررسی پیام‌های قرآن پردازند تا اثر پیام را راحت‌تر بپذیرند. قرآن دو مسیر برای تفکر معرفی می‌کند: مسیر مرکزی و مسیر پیرامونی؛ مسیر مرکزی به استدلال‌های منسجمی متکی است که بر واقعیات و اعداد و ارقام مرتبط مبتنی هستند و افراد را به تفکر درباره‌ی موضوعات مورد نظر و امی دارد و این وادارسازی به موضوع پیام اقناعی مربوط است. «در این مورد مردم پیام را به شیوه‌ی دقیق و متفکرانه مورد بررسی قرار داده و قدرت استدلال عقلی و محتوای آن را ارزیابی می‌کنند. چنان‌چه واکنش‌های آنان به نفع موضوع، مطلوب باشد، نگرش آنان و دیگر ساخت‌های شناختی موجود در آن باره تغییر می‌کند و اقناع صورت می‌پذیرد» (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۳۵ و ارونسون، ۱۲۶۱۳۸۷).

در شیوه‌ی مرکزی، افراد تلاش می‌کنند تا اطلاعات موجود در پیام و آگاهی‌های قبلی خود را درباره‌ی موضوع پیام، ارزیابی کنند و می‌کوشند تا نگرش مستدلی نسبت به موضوع به دست آورند. دو عامل «انگیزه و توانایی افراد» نقش مهمی در شیوه‌ی مرکزی ایفا می‌کنند. اگر موضوع پیام مهم یا جالب باشد انگیزه‌ی پردازش اطلاعات بالا می‌رود و مورد توجه بیش‌تری قرار می‌گیرد و توانایی افراد هم موجب اعمال کوشش‌های شناختی می‌شود. آیاتی که انسان را به تفکر، تعقل و تدبیر در موضوعات گوناگون فرامی‌خواند به این مسیر اشاره دارد. مسیر دوم پیشنهادی قرآن، مسیر پیرامونی است. «در مسیر پیرامونی به جای تلاش در فعال ساختن تفکر فرد، نشانه‌هایی را فراهم می‌سازد تا به پذیرش استدلال‌های بدون تفکر زیاد ترغیب کند» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در شیوه‌ی پیرامونی، معمولاً روش‌ها یا سازوکار به کار گرفته می‌شوند که نیاز چندانی به بررسی دقیق ندارند؛ مثل شیوه‌ی «تداعی» و یا این که از روی «اعتبار گوینده» زمینه‌ی اقناع فراهم می‌شود. در حقیقت در شیوه‌ی پیرامونی هرآن‌چه که به غیر از خود موضوع پیام مربوط باشد، مورد توجه و مبنای ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌گیرد.

با این اشاره به الگوی اقناع قرآن، یادآوری این نکته ضروری است که قرآن این الگوی تغییر نگرش را معمولاً با شیوه‌ی تدریج و مرحله‌ای به کار می‌بندد و در هر مرحله با ارائه‌ی یک پیام جدید و جلب توجه



مخاطبان به آن پیام، آنها را به تفکر فرا می‌خواند تا پیام را بررسی و مورد مطالعه قرار دهند و پس از دقت و تفکر، آن را بپذیرند یا رد نمایند.

۸- وجوه اشتراک و تفاوت مدل یادگیری با مدل قرآن

با توجه به این که مدل‌های اقناع به دنبال متقاعد ساختن مخاطبان خود در زمینه‌های گوناگون هستند و قرآن کریم هم، با پیام‌هایش می‌خواهد در طول زمان مخاطبان خود را متقاعد سازد تا پیام‌های جاودانه‌ی الهی را بپذیرند تا زمینه‌ی رشد و تعالی برایشان فراهم شود، امکان مقایسه و مطالعه‌ی تطبیقی بین فعالیت اقناعی در قالب مدل یادگیری با مدل اقناعی قرآن وجود دارد. این مطالعه‌ی تطبیقی و مقایسه را در دو بخش وجوه اشتراک و تفاوت می‌توان بررسی کرد:

۸-۱- وجوه اشتراک

مدل یادگیری فعالیت اقناعی خود را بر دو پایه‌ی «ظرفیت‌های روان‌شناسی و عناصر پیام» بنا کرده است و می‌خواهد میزان تأثیر هر کدام از این دو پایه را در فعالیت اقناعی خود به اثبات برساند. «هدف مدل یادگیری، مطالعه و بررسی ارتباط متقاعدگرانه بر نگرش و رفتار مردم است و به دنبال تغییر رفتار مخاطبان خود می‌باشد» (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

۸-۱-۱- پایه‌ی اول:

در فعالیت‌های اقناعی قرآن به ظرفیت‌های روان‌شناسی توجه شده و برای متقاعد ساختن مردم از آن‌ها استفاده شده است. شیوه‌های گوناگون جلب توجه مخاطبان در قرآن در قالب خطاب‌های گوناگون، دعوت مستقیم و... به کار گرفته شده است. یادآوری وجود ابزارهای درک و فهم و بهره‌مندی از آن و سپاس‌گزاری به خاطر داشتن چنین نعمتی، نشان از اهمیت دادن و بهره‌گرفتن از ابزارهای فهم است. قرآن در این فعالیت علاوه بر بهره‌گیری از «جلب توجه و فهم به حفظ و نگه‌داری آن‌چه که انسان قبلاً فهمیده اهمیت می‌دهد؛ برای این که یادآوری، نقش مهمی در شناخت و رفتار انسان دارد. وجود واژه‌هایی از ریشه «ذکر» با عناوین «افلا تذکرون و...» نشان از توجه قرآن به این ظرفیت روان‌شناسی است.

لذا قرآن کریم این سه ظرفیت روان‌شناسی را (جلب توجه، فهم و یادآوری) مقدمه‌ی ظرفیت چهارم یعنی «بازده‌گرایی» و عمل به آموخته‌های قبلی می‌داند. بنابراین در بهره‌گیری از ظرفیت روان‌شناسی، مدل یادگیری با مدل قرآن هم‌پوشانی و هم‌سانی دارند.

آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی انعام به این چهار ظرفیت روان‌شناسی اشاره دارد؛ «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: بگو بیایید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم. این که به خدا شرک می‌آورید. و به پدر و مادر نیکی کنید. و از بیم درویشی فرزندان خود را مکشید. ما به شما و ایشان روزی می‌دهیم. و به کارهای زشت چه پنهان و چه آشکارا نزدیک مشوید. و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مگر به حق مکشید. اینهاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می‌کند، باشد که به عقل دریابید» (انعام/۱۵۱). عبارت «قل و تعالوا

«برای جلب توجه است. «اتل ما حرم ربکم...» یادآوری را می‌رساند و بازده گرایش را از عبارتی مثل «لا تشرکوا، لا تقتلوا و لا تقربوا» می‌توان دریافت کرد.

۸-۱-۲- پایه ی دوم:

پایه ی دوم مدل یادگیری برای اقناع مخاطبان عناصر ارتباط است. عناصر ارتباط در این مدل بر گرفته از عناصر ارتباط در مدل ارتباطی لاسول است که عبارتند از: «منبع یا پیام‌رسان مخاطب یا پیام‌گیر پیام و تأثیر». در فعالیت اقناعی قرآن هم به عناصر ارتباط توجه شده است و منبع پیام دارای ویژگی‌هایی است که به آنها اشاره می‌شود. در مدل یادگیری برای منبع یا پیام‌رسان ویژگی‌هایی را برای تأثیرگذاری پیام در نظر می‌گیرند که عبارت از: «اعتبار، محبوبیت، جذابیت، شباهت و...» است.

در فعالیت اقناعی قرآن برای منبع پیام ویژگی‌هایی با عنوان واسطه‌ی بیرونی در نظر گرفته شده‌اند که عبارت‌اند از «آگاهی و نگرش، ایمان به هدف، اخلاص، سعه‌ی صدر، قاطعیت، شهامت، مهربانی و دلسوزی». با یک مقایسه و مطالعه‌ی تطبیقی می‌توان به این نکته اشاره کرد که وجوه اشتراک و تفاوتی در منبع پیام‌رسان در این دو مدل اقناعی وجود دارد به طور مثال اعتبار که به تخصص و آگاهی پیام‌رسان مربوط می‌شود با آگاهی و نگرش در مدل اقناعی قرآن هم‌سانی دارد. اما در مدل یادگیری برای منبع پیام ویژگی «ایمان به هدف و اخلاص» در نظر گرفته نشده است و این دو ویژگی مخصوص پیام‌رسان در مدل اقناعی قرآن است و این تفاوتی آشکار در این بخش می‌باشد.

در مدل یادگیری برای مخاطب ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده که این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: «هوش، عزت نفس، جنسیت و خبرگی». در مدل اقناعی قرآن هم برای مخاطب ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که عبارتند از: «ظرفیت، نیاز و بایسته‌های مخاطب». هوش و عزت نفس و خبرگی با ظرفیت مخاطب هماهنگی دارد در مدل اقناعی قرآن علاوه بر ظرفیت به بایسته‌های مخاطب توجه شده است در حقیقت پیام‌رسانی قرآن به خاطر بایسته‌های مخاطب است و هدف از پیام‌رسانی، رشد و تعالی و به نوعی رساندن انسان به «حیات طیبه» است که این موضوع در مدل یادگیری مورد توجه قرار نگرفته است.

در مدل یادگیری برای پیام ویژگی‌های «قابل فهم بودن، قالب بندی پیام، نتیجه‌گیری و تکرار آن» مهم است. این ویژگی‌ها در پیام‌های قرآنی وجود دارد؛ تمام پیام‌های قرآنی قابل فهم هستند و در قالب‌های گوناگونی مانند قالب ترس آمیز یا بشارت‌انگیز ارائه شده و معمولاً در پایان پیام‌ها نتایج مربوط ذکر شده است. بنابراین وجوه مشترک فراوانی در این بخش بین این دو مدل اقناعی می‌توان یافت.

۸-۲- وجوه اختلاف و تفاوت

وجوه اختلاف معمولاً وقتی آشکار می‌شود که مقایسه‌ای صورت پذیرد. وقتی مدل یادگیری با مدل قرآن کنار هم قرار می‌گیرد و مقایسه می‌شود تفاوت‌ها آشکار می‌گردد. ما به چند مورد از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم:

اولین تفاوت مربوط به این نکته است که مدل یادگیری به دنبال تغییر نگرش در بعد رفتاری مخاطبان خود است و به نوعی مخاطب خود را منفعل می‌داند که با ایجاد نگرش جدید یا تغییر آن، خود به خود رفتار مخاطب هم تغییر خواهد کرد در حالی که مدل اقناعی قرآن، مخاطب خود را منفعل نمی‌داند، بلکه او را



فردی فعال و آگاه و دارای اندیشه می‌داند که در برابر هر پیامی می‌اندیشد؛ ارزیابی می‌کند و قدرت انتخاب دارد. بعضی از پیام‌ها را می‌پذیرد و برخی را نمی‌پذیرد. مدل یادگیری مخاطب خود را مقلد می‌داند که از الگو یا منبع پیام، رفتاری را می‌بیند و از او تقلید می‌نماید و به نوعی مخاطب همانند سازی می‌کند. در حالی که مدل قرآن مخاطب را متفکر و متدبر به حساب می‌آورد و در برابر هر پیامی او را دعوت به تعقل و تدبر می‌نماید و پذیرش و عدم پذیرش اثر پیام را بر عهده مخاطب می‌گذارد. مدل قرآن، همچنین به بعد شناختی و هم به بعد عاطفی مخاطب توجه دارد و به دنبال تغییر نگرش در ابعاد شناختی و عاطفی مخاطب هم هست ولی مدل یادگیری در این بخش دچار نقص و ضعف است.

نکته‌ی دیگر که باید مطرح شود این است که «مدل یادگیری، مخاطب را موجودی نارس و ناتوان به حساب می‌آورد و به نوعی می‌خواهد او را بدون تفکر به تقلید از رفتار به نمایش درآمده وادار سازد» (ارونسون، ۱۳۸۷: ۱۲۴). در حالی که قرآن مخاطب خود را توانا و فهمیده به حساب می‌آورد که قدرت انتخاب دارد و مخاطب قرآن انسان‌های آگاه و آزاد هستند.

هدف مدل یادگیری به نوعی تأثیرگذاری بر رفتار مردم است و می‌توان گفت که این مدل متکی به رفتارگرایی است. در صورتی که مدل قرآن در قدم اول به دنبال ارائه شناخت صحیح در قالب ایجاد بصیرت است و بعد از ایجاد بصیرت او را در انجام رفتار مورد نظر قرآن آزاد می‌گذارد تا آزادانه انتخاب کند و یا این که آن‌ها را نپذیرد و انجام ندهد. بر این اساس گفت و گوهای قرآن بیشتر دو جانبه است. اگر یگانگی خدا را مطرح می‌کند دلایل یگانگی خدا را در قالب مباحث فلسفی و ضرب المثل برده‌ای که یک ارباب دارد و برده‌ای که چند ارباب ناهمخوان دارد بیان می‌کند و مقایسه می‌نماید «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ: خدا مثلی می‌زند مردی را که چند تن در او شریکند و بر سر او اختلاف دارند. و مردی که تنها از آن یکی باشد. آیا این دو با هم برابرند؟ سپاس خدا را. نه، بیشترشان نمی‌دانند» (زمر/۲۹). و یا اگر موضوع تحریم شراب را بیان می‌کند در پنج مرحله و قدم به قدم با بیان جوانب گوناگون نعمت‌های الهی و استفاده‌های متفاوت ما از آنها را شرح می‌دهد تا مخاطب با آگاهی به تمام جوانب آن دست به انتخاب بزند.

یکی از مواردی که قرآن از تکنیک «تدرج» بهره گرفته، بحث تحریم شراب است. مخاطب آیات تحریم شراب، در طی زمان طولانی، اخلاق و عادات و باورها و اعمال و کردار خاصی را انجام می‌داده است، که یکی از آن‌ها، عادت به نوشیدن شراب بوده، خداوند با توجه به وضعیت مخاطبان خود، تحریم شراب را در چند مرحله بیان کرده است تا آنها را از شرایط قبلی به یک موقعیت جدید دعوت کرده و به پذیرش حکم جدید متقاعد سازد؛ این پذیرش چند مرحله دارد:

مرحله اول؛ تحریم شراب با مقایسه دو موقعیت «سکر و رزق حسن» «وَ إِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِيُتَّقِيَكُمْ مَتَا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِغًا لَشَارِبِينَ، وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا، إِنْ فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ: و در دام‌ها قطعاً برای شما عبرتی است از آنچه در [لابلای] شکم آن‌هاست از میان سرگین و خون شیرینی ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست و از میوه درختان خرما و انگور باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می‌گیرید قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می‌کنند

نشانه‌ای است» (نحل/۶۷ و ۶۶). واژه «سکر» در این آیه به معنای «مسکرات و مشروبات الکلی است که از انگور یا خرما بدست می‌آید و نوشیدن آن عقل انسان را موقتاً زایل می‌سازد، یعنی باعث سُکر و مستی می‌شود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۱۶۲). در این دو آیه به سه غذای بهشتی «شیر، خرما و انگور» اشاره شده است و غذاهای گوناگونی از این سه محصول بدست می‌آید که هم می‌توانند برای انسان مفید و هم مضر باشند، نحوه استفاده و فرآوری آن مهم است. آیه ۶۷ سوره نحل اولین اخطار را به انسان درباره سوءاستفاده از نعمات الهی می‌دهد که انسان نباید به سراغ فرآورده‌های مضر نعمات الهی برود «تعبیرات آیه، از اولین اخطارهای قرآن در مورد محکومیت و ممنوعیت شراب است» (همان: ۲۹۲).

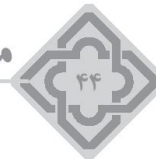
مرحله دوم: تحریم شراب با عنوان «إِثْمٌ» «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَيَّ اللَّهُ مَا لَا تَعْمَلُونَ: بگو پروردگار من فقط زشتکاری‌ها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] این که چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و این که چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید» (اعراف/۳۳). این آیه به پنج گناه انسان اشاره می‌کند و «سه مورد آن به رفتار انسان مربوط می‌شود که عبارتند است: از «فواحش» مانند گناهان بسیار زشت مثل زنا، «إِثْمٌ»؛ گناهی که موجب انحطاط انسان و ذلت او گردد مثل نوشیدن شراب و «بغی» مانند تعدی و تجاوز به حقوق دیگران (بهرام‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

مرحله سوم: پاسخ به پرسش مخاطبان و تبیین جنبه‌های مثبت و منفی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ، قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا: درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است [ولی] گناهشان از سودشان بزرگتر است» (بقره، ۲۱۹).

در ارتباط با این آیه شأن نزولی بیان شده است که «گروهی از یاران پیامبر (ص) به خدمت ایشان رسیده و درباره حکم شراب و قمار که عقل را زایل می‌کند و مال را تباه می‌گرداند سؤال کردند. و در پاسخ به آنها این آیه نازل شد و حکم حرمت شراب نوشیدن را با نرمش و مدارا بیان کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۶). واژه‌ی «خمر» به معنای پوشش است و در اصطلاح دینی به هر مایع مست‌کننده‌ای که از انگور، کشمش، خرما و یا هر ماده‌ی الکلی گرفته شده باشد «خمر» می‌گویند و چون شراب موجب مستی و از کار افتادن عقل در زمان مستی می‌شود گویا بر روی عقل پرده‌ای می‌افکند که دیگر عقل در آن زمان کارایی ندارد. «إِثْمٌ» به حالتی گفته می‌شود که «در روح و عقل انسان به وجود می‌آید و او را از رسیدن به نیکی‌ها و کمالات باز می‌دارد. بنابراین، آیه فوق «به این نکته» اشاره دارد که شراب‌خواری و قماربازی باعث می‌شود که ضررهای زیادی بر جان و جسم انسان وارد شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸۰).

مرحله ی چهارم: تحریم زمانی و موقعیتی شراب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید» (نساء/۴۳).

«حکایت شده است که برخی از مسلمانان، با حال مستی به نماز می‌ایستادند و حتی یکی از آنان عبارت‌های سوره کافرون را اشتباه خواند. آیه فوق نازل شد و آنان را از این کار یعنی «نماز خواندن با حالت مستی باز داشت» (واقفی، ۱۴۰۸: ۳۵۶).



در مرحله سوم به این نکته اشاره شد که شراب خواری منافع و مضارری دارد که ضرر آن بیش از منافع آن است چون حالت «إثم» در وجود انسان ظهور می‌یابد. در این آیه «تنها از ممنوعیت مستی در حال نماز سخن گفته شده و در بقیه موارد سکوت اختیار نموده تا مرحله نهایی حکم فرا برسد» (بهرام پور، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

مرحله ی پنجم - تحریم دائمی: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِلَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی‌دارید» (مائده/۹۱-۹۰).

در تفاسیری که شأن نزول برای آیات ذکر شده، برای این دو آیه شأن نزولی با این مضمون بیان شده است که «سعد بن ابی وقاص مهمان مردی از انصار شد و پس از صرف غذا، شراب نوشید «چون شراب هنوز حرام نشده بود» آن گاه با حالت مستی افتخارات خود را بیان می‌کرد و کم کم مشاجره‌ای در گرفت و سعد با ضربه‌ی یکی از انصار، زخمی شد. او جریان را به پیامبر (ص) گزارش داد. در این هنگام این آیات نازل شد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۷۱ و طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

آنچه که در گزارش‌های تاریخی آمده و حتی با مطالعه ی اجمالی می‌توان به آن پی برد این نکته است که «شراب در جوامع قبل از اسلام از نوشیدنی‌های رسمی به شمار می‌رفت و عرب‌ها نیز به شعر و شراب و جنگ علاقه‌ی وافری داشتند. در تورات و انجیل نیز شراب خواری منع نشده و تنها دینی که آن را حرام کرده، اسلام است. از این رو، ممنوعیت شراب با توجه به زیان‌های جسمی، روحی، روانی و اقتصادی آن؛ از شگفتی‌های علمی قرآن کریم شمرده شده است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۹۹). در این آیات تأکیدهای متعددی برای تحریم شراب وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود. خطاب محترمانه و تشریفی «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، یک دلیل برای ناسازگاری ایمان با شراب خواری است و همگونی و همراهی شراب خواری با اعمال قماربازی، بخت‌آزمایی و بت‌پرستی دلیل دیگر تحریم آن است. شراب خواری نوعی رفتار شیطانی است و عمل رجس و پلیدی است که نوشیدن آن حرام است. شراب وسیله‌ای برای ایجاد دشمنی است. رستگاری انسان در دوری از آن است. بایستی از آن اجتناب کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۲).

«این نهی و تحریم صریح و مؤکد، در مقایسه با آیاتی که قبلاً به طور غیر صریح و ساده مردم را از شراب خواری نهی کرده، نمونه‌ای است از روش اسلام برای درمان تدریجی این گونه مفاسد اجتماعی و این روش تدریجی، یکی از رموز موفقیت اسلام است چرا که اگر تمام اوامر و نواهی یکباره نازل می‌شد و مردم ملزم می‌شدند که یک‌باره تمام منکرات را کنار بگذارند و تمام دستورات را انجام دهند. هیچ کس زیر چنین بار سنگینی نمی‌رفت» (حجتی ۱۳۶۲، ج ۳: ۲۰۲).

یکی از شیوه‌های اقناع، شیوه‌ی «در دام تعهدات خویش» است. این شیوه بدین صورت عمل می‌کند که با ایجاد یک تعهد کوچک برای انجام یک کار و پذیرش تعهد کوچک زمینه‌ای برای پذیرش تعهد بزرگتر ایجاد می‌شود و در این آیات می‌بینیم که این روش به کار گرفته شده و در مرحله اول عدم سوء

استفاده از نعمت‌ها تعهد شده؛ در مرحله دوم، عدم مستی در نماز و در مرحله سوم عدم شراب‌خواری در تمام عمر تعهد شده است. «زمانی که افراد خود را به گونه‌ای محدود متعهد به انجام کاری می‌کنند، احتمال این که در آن جهت تعهد بیشتری را بپذیرند، افزایش می‌یابد. فرآیند استفاده از کمک‌های کوچک برای تشویق مردم به تقاضای بزرگتر را اصطلاحاً تکنیک «درگیر کردن» می‌نامند. (پراتکانیس، ۱۳۸۴: ۲۸۲). این تکنیک در این آیات مورد استفاده قرار گرفته است.

تکنیک «درگیر کردن» با روش تدریجی فعالیت تبلیغی در قانون‌گذاری اسلام هم‌خوانی دارد. اسلام حکمی را به طور ناگهانی به مردم اعلام نکرده بلکه مرحله به مرحله پیش رفته و شرایط روانی مخاطبان را برای پذیرش آن فراهم ساخته است» (فضل الله، ۱۳۶۷: ۶۰).

امام باقر(ع) در این ارتباط می‌فرماید: «طرز تحریم شراب در بین مردم در شریعت هر پیغمبری نسبت به اول بعثت و آخر آن مختلف بود، اول به طور ملایم سپس به طور جزم و قطع. چون اگر از همان بار اول آن را تحریم می‌کردند و شدت عمل به خرج می‌دادند، مردم زیر بار نرفته و به طور کلی رشته را پاره می‌کردند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۹۵).

و همچنین امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «کسی به قدر خدای متعال، در رفتار خود رعایت رفق و مدارا نمی‌کند، این هم از رفق و مدارای خدای متعال است که تکلیف را به تدریج و به ملایمت در بین بندگان خود اجرا می‌نماید چون می‌داند اگر یک‌باره تکلیف را به دوش آنان بگذارد هلاک و گمراه می‌شوند» (همان منبع).

اگر بخواهیم وجوه مشترک و متفاوت این دو مدل را در جدولی ترسیم کنیم به این شکل خواهد بود.

ملاک‌ها	مدل یادگیری	مدل قرآن
۱- هدف	در مدل یادگیری تغییر رفتار است	در مدل قرآن ارائه‌ی شناخت صحیح برای ایجاد بصیرت تحریک احساسات «ایجاد باور، تغییر یا تثبیت رفتار است».
۲- ابزارها	ظرفیت‌های روان‌شناسی «توجه، فهم، نگه‌داری و بازده گرایشی (واسطه‌های درونی)»	ظرفیت‌های روان‌شناسی «توجه، فهم و نگه‌داری بازده گرایشی (واسطه‌های درونی)»
۳- عناصر ارتباط	پیام رسان، مخاطب و پیام	پیام رسان، مخاطب و پیام
۴- مشوق‌ها	ویژگی‌های عناصر ارتباط «آگاهی و تخصص پیام‌رسان، محبوبیت، شباهت قالب‌بندی‌های پیام تکرار آن ظرفیت مخاطب و خبرگی او.	ویژگی‌های عناصر ارتباط «آگاهی و تخصص پیام‌رسان، محبوبیت، شباهت پیام‌رسان مدل قرآن از ویژگی‌های «قاطعیت و اخلاص» و... برخوردار است. قالب‌بندی‌های پیام، تکرار آن ظرفیت مخاطب و خبرگی او.
۵- شیوه‌های ارائه	گفت‌وگویی یک‌جانبه، توسل به ترس تصویرسازی توسل به شوخی و طنز	گفت‌وگویی یک‌جانبه و دو‌جانبه، توسل به ترس و امید دهی تصویر سازی، دعوت به تفکر، حکمت و جدل
۶- ارزیابی مخاطب	ناآگاه، نارس، مجبور، نادان	آگاه، آزاد، رشد یافته، انتخاب‌گر و انعطاف پذیر
۷- زمینه ارائه پیام	آموزش، تبلیغ بازرگانی، دینی و سیاسی	آموزش، تبلیغ دینی و ارائه سبک زندگی



نتیجه گیری

قرآن کریم که مجموعه ای از پیام‌های الهی برای هدایت بشر است برای اقناع و تغییر و یا تثبیت نگرش انسان فرود آمده است. پیام‌رسان قرآنی هم از عناصر ارتباط و هم از ظرفیت‌های روان‌شناسی در پیام‌های خود بهره برده تا بالاترین تأثیر را در بین بیشتر افراد داشته باشد. در این مطالعه نتایج زیر بدست آمده است.

۱. پیام‌های قرآن کریم دارای عناصر ارتباط «پیام‌رسان، مخاطب و پیام» است.
۲. این پیام‌ها با ظرفیت‌های روان‌شناسی آمیخته شده است تا تأثیر بیشتری را بر مخاطبان داشته باشد.
۳. علاوه بر این که از عناصر ارتباط و ظرفیت‌های روان‌شناسی بهره‌مند است از مشوق‌ها و میان‌برهای گوناگون برای اقناع بهره برده است.
۴. بعضی از این مشوق‌ها و میان‌برها با مدل یادگیری مشترک و بعضی از آن‌ها به مدل اقناعی قرآن اختصاص دارد.
۵. آگاهی، جذابیت و شباهت در هر دو مدل وجود دارد. ویژگی مهربانی به مدل قرآن اختصاص دارد.
۶. مهم‌ترین تفاوت در مدل قرآن موضوع تفکر و تعقل مخاطب و آثار مترتب بر آن است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید (۱۳۸۷ق). شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۰۵ق). التحریر و التنویر، آدیس آبابا: موسسه التاریخ.
- ابن منظور، لسان العرب (۱۴۰۸ق). مصحح علی شبری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). روان شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- ارونسون، الیوتی (۱۳۸۷). روان شناسی اجتماعی، مترجم حسین شکرکن، چاپ پنجم، تهران: انتشارات رشد.
- بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۷). تفسیر مبین، چاپ هفتم، قم: انتشارات آوای قرآن.
- پراتکانیس، آنتونی و آرنسون، الیوتی (۱۳۸۴). عصر تبلیغات، ترجمه کاوس سید امامی و محمد صادق عباسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش.
- حجتی، سید محمد باقر و بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۶۲). تفسیر کاشف، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حکیم آرا، محمد علی (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعد گرانه و تبلیغ، تهران: انتشارات سمت.
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۱). اخلاق اسلامی، چاپ یازدهم، قم: انتشارات معارف.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۹۸۵م). المفردات فی غریب اعراب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۹). تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات عصر ظهور.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه والمنهج، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر الاسلامی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن غوامض التنزیل، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- زمانی، محمد حسن (۱۳۸۵). مستشرقان و قرآن، قم: بوستان کتاب.
- ساروخانی، باقر (۱۳۶۴). جامعه شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات سروش.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۸). روان شناسی پرورشی نوین، چاپ ششم، تهران: نشر دوران.
- صدر حاج سید جوادی، احمد (۱۳۷۵). دائره المعارف تشیع، تهران: نشر شهید محبی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۲). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طیب، سید محمد حسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
- فخر الدین الرازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۳۶۷). گام‌هایی در راه تبلیغ، ترجمه احمد بهشتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.



- قرائتی، محسن (۱۳۸۷). تفسیر نور، چاپ سیزدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کریمی، یوسف (۱۳۸۸). نگرش و تغییر نگرش، چاپ هفتم، تهران: موسسه نشر ویرایش. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). اصول کافی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمیه اسلامی. متولی، کاظم (۱۳۸۴). افکار عمومی و شیوه‌های اقناع، تهران: انتشارات بهجت. محسنیان، مهدی (۱۳۶۸). ارتباط‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش. مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۹). اقناع‌سازی و ارتباطات اجتماعی، چاپ دوم، تهران: نشر ساقی. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). حماسه حسینی، چاپ دهم، قم: انتشارات صدرا. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵). نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن حکیم‌باشی، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه. واسعی، سید علی‌رضا و دیانی، محمد شمس‌الدین (۱۳۸۶). درآمدی بر روش‌های تبلیغی ائمه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- واقدی، علی بن احمد (۱۴۰۸ ق). اسباب النزول، قاهره: مکتبه المتنبی.



نقد و بررسی رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم

مصطفی حسینی گلکار*: دانشجوی دکتری، گروه فناوری بین‌رشته‌ای، دانشگاه تهران
سید محسن هاشمی: دانشیار، گروه سینما و تئاتر، دانشگاه هنر تهران

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۴ - ۴۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۶

چکیده

روش «تحقیق موضوعی» در قرآن کریم، رویکردی جدید برای تدبر در قرآن است که در طی بیش از سه دهه گذشته توسط حلقه مطالعات قرآنی با محوریت دکتر لسانی فشارکی شکل گرفته و تکامل یافته است و امروز با اقبال گسترده‌ای از سوی دانشجویان و محققان به ویژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مواجه شده است. با این وجود، این رویکرد چالش‌های فراوان روش شناختی؛ دیدگاهی و آینده‌نگارانه‌ای را پیش روی خود دارد. در درجه اول، روش هنوز نواقص متعددی دارد؛ بیش از اندازه بر تداعی آزاد مبتنی شده و به منظور ارائه در قالب روش مطالعات قرآنی نیازمند تکامل است. در درجه دوم موجب بروز التقاطات فراوانی در اندیشه محققان جوانی که از این روش استفاده می‌نمایند خواهد شد و در درجه سوم به نظر می‌رسد شیوع این رویکرد منجر به پروتستانتیزم اسلامی گردد. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» به طرح مهم‌ترین مزایا و نواقص آن پرداخته شده است. در نهایت نتیجه گرفته شده است که تدبر در قرآن کریم را باید امری تشکیکی بدانیم و دارای مراتب و سطوحی که به صورت مسلّم از این منظر، تفسیر و تحقیق موضوعی نه اموری مستقل بلکه مرتبط خواهند بود.

کلید واژه‌ها: قرآن پژوهی؛ مکاتب تفسیری؛ روش تحقیق موضوعی؛ آینده پژوهی؛ ذهن‌انگیزی و پروتستانتیزم



۱- مقدمه

روش «تحقیق موضوعی» در قرآن کریم رویکردی است که توسط حلقه مطالعات قرآنی با محوریت جناب آقای دکتر لسانی فشارکی^۱، دکتر مرادی زنجانی و برخی شاگردان ایشان بر مبنای روش کارگاهی و ذهن‌انگیزی به عنوان رویکردی جدید برای تدبر در قرآن در سال‌های اخیر مطرح شده است. این روش در طی بیش از سه دهه گذشته شکل گرفته و تکامل یافته است.

نسخه‌های متعدد و ویراست‌های گوناگون کتابی با عنوان «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» سال‌ها به صورت جزوه و تکثیرها در اختیار دانشجویان و عموم علاقه‌مندان قرار می‌گرفت که اکنون از طریق اینترنت در دسترس می‌باشند. به علاوه کتابی با همین عنوان در سال (۱۳۹۱) توسط انتشارات بوستان کتاب، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به چاپ رسیده و اکنون با به پایان رسیدن نسخ آن در دست تجدید چاپ است.

سال‌هاست که حلقه‌های تدبر قرآنی گوناگون و کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی توسط دکتر لسانی و شاگردان ایشان برگزار می‌شود و امروزه با اقبال گسترده‌ای از سوی دانش‌جویان و محققان به ویژه در حوزه مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای مواجه شده است. گستره مطالعات فوق تا آنجاست که در سال‌های اخیر سائیتی با عنوان «کلام الله»^۲ زیر نظر دانشگاه شیخ بهائی اصفهان به منظور جمع‌آوری آن‌ها و رسانه تخصصی برخط، برای ایجاد فضای مشارکتی و تبادل نتایج این دست از تحقیقات به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی راه اندازی شده است.

اغلب تحقیقات این حوزه در فضائی میان‌رشته‌ای و در دو سطح انجام گرفته است.

۱- «تدبر در مفاهیم و اصطلاحات قرآنی» به عنوان مثال مفاهیم تدبر، تفکر، قسط، عدل، عبرت، یتیم، توکل و همچنین تدبر در آیات و سوره.

۲- «مقابله مفاهیم روز با نکات قرآنی» از جمله مدیریت در قرآن، عدالت در قرآن، قرض الحسنه، عمران در قرآن، نفاق، جنگ، محبت و عشق در قرآن و

این رهیافت مطالعات قرآنی مدعی تمایز با تفسیر قرآن و نیز مدعی انطباق با نظر بزرگان از اندیشمندان شیعه و مفسرین کبیر و نیز مدعی ارائه راهکار ذیل دغدغه‌های قرآنی رهبری انقلاب و دیگر بزرگان کشور است. با این وجود این رویکرد چالش‌های فراوان روش‌شناختی، دیدگاهی و آینده‌نگارانه‌ای را پیش روی خود دارد.

مقاله حاضر پس از مرور اجمالی روش و گام‌های آن به تحلیل روش‌شناختی؛ متدولوژیک و آینده‌پژوهانه آن پرداخته است تا از این طریق به مزایا و معایب روش دست یابد و همچنین امکان ایجاد فضای دیالوگ و نقادی در باب این رویکرد را در محافل تخصصی و دانشگاهی و قرآن‌پژوهان فراهم سازد، تا در درجه نخست نواقص این رویکرد برطرف شده و روش تکامل یابد و بتواند به عنوان روش معتبر قرآن‌پژوهی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

در محافل آکادمیک و بین‌المللی مطرح گردد و در درجه دوم با بررسی سیستماتیک و پویای این رویکرد برخی چالش‌های مهم و آسیب‌هایی که ممکن است در اثر شیوع غیرمتعهدانه و بدون بررسی روش پیش‌آید نیز عنوان شود. در مقاله حاضر به منظور استناد بهتر به روش مطرح شده، معرفی، نقد و بررسی آن را از طریق کتاب منتشر شده توسط بوستان کتاب انجام می‌دهیم تا علاوه بر دقت در بررسی و صحت در ارجاعات امکان تفاهم بهتر فراهم شود.^۱

۲- شرح اجمالی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم

کتاب مشتمل بر مقدمه، ۵ فصل، یک خاتمه و سه گزارش به مثابه پیوست می‌باشد.
- مقدمه کتاب به بحث در خصوص فلسفه روش پرداخته است؛ اما علی‌رغم تلاش صورت گرفته به صورت صرف، برخی ادعاها عنوان شده که اثبات آنها محل تأمل می‌باشد (در ادامه مقاله به تفصیل مقدمه و مدعیات فلسفی روش را بررسی خواهیم کرد).
- فصل اول کتاب با عنوان «مراحل مقدماتی» به بحث تدارک تحقیق و کلیات روش تحقیق موضوعی می‌پردازد.

انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلیدواژه‌های آن، آماده‌سازی اوراق اولیه تحقیق موضوعی، نگارش صفحات عنوان، تدارک فهرست آیات اصلی، تدارک فهرست سیاق‌ها و ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلیدواژه‌های موضوعی مورد نظر در قرآن کریم مباحثی است که در مرحله مقدماتی و آغاز تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرند.

در فصل اول کتاب اهمیت انتخاب عنوان و کلیدواژه‌گان (ص ۲۱)؛ بحث آشنایی با موضوع تحقیق و جایابی در بیان قرآن، همراه با توضیح اجمالی در باب «القرآن تبیان کل شیء» (ص ۲۲)؛ بحث در باب ترجمه کلیدواژه‌گان تحقیق به زبان قرآن (ص ۲۶) و در نهایت بحث در باب اصول نگارش (ص ۳۳) و جمع‌آوری مطالب را در بر می‌گیرد.

- فصل دوم مجموعه‌ای از توصیه‌ها و نکات در قالب صوری و روشی برای استخراج مفاهیم آیات است. از جمله توجه دادن به نگارش متن کامل آیه، تلاوت مکرر آیه، بررسی مفاهیم آیه، یادداشت پرسش‌ها، بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن، یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها [که به ذهن می‌رسد]، نکات تکمیلی، بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده و در نهایت مراجعه به متون تفسیری می‌باشد؛ به تعبیری فصل دوم مشتمل بر راه‌کارهای اجرای مناسب گام‌های نظری طرح شده در فصل اول است.

- فصل سوم شیوه‌های گسترش یا فشرده‌سازی تحقیق را مد نظر دارد. این فصل با بررسی این نکته که کامل بودن تحقیق در مرحله مفهوم‌یابی محقق شده و نکاتی پیرامون گسترش تحقیق از جمله از طریق بررسی کلیدواژه‌گان هم‌خانواده و نیز مفاهیم ملازم و همچنین مطالعه روش‌مند (ص ۹۳-۹۵)، گسترش تدبیر در سیاق‌ها و کل سوره و ارائه معیارهایی برای انتخاب و ترتیب مطالعه سوره (ص ۹۶) و همچنین ارائه

۱. شماره صفحات ارجاع شده در سراسر مقاله از همین کتاب است مگر غیر آن ذکر شده باشد.



الگوهایی برای فشرده‌سازی دامنه تحقیق براساس سنت نبوی در باب تقسیم‌بندی قرآن و حزب مفصل و ... (ص ۱۰۰) و نیز چکیده و خلاصه‌نویسی تدرجات در آیات سیاق آیه اصلی ادامه می‌یابد. در انتهای فصل، آسیب‌شناسی مختصری هم در باب مطالعه موضوعی قرآن و تدبر خام و غیرروش‌مند شده است (صص ۱۰۲-۱۰۵) که جای آن در مقدمه کتاب خالی به نظر می‌رسید. به علاوه به ارائه تکمله‌ای برای تعریف تحقیق موضوعی هم پرداخته شده است که در ادامه مقاله (بخش استخراج اصول) به آن اشاره خواهد شد.

- فصل چهارم با عنوان «راهکارهای تدوین و تألیف» به کلیات بحث تدوین و دستاوردهای تدرجات صورت گرفته در قالب مقاله یا کتاب پرداخته است.

مطالب اصلی عبارتند از: آیات و تدرجات به مثابه منابع گردآوری شده؛ نحوه فهرست‌گذاری و باب‌بندی بحث؛ اشاره به بخش‌های لازم و تکمیلی مقاله/کتاب که از علوم دیگر استخراج می‌شوند؛ شناسه/کدگذاری مفاهیم به دست آمده؛ نگارش مقاله و توصیه‌ها و یادآوری‌های نگارشی.

در نهایت این فصل با اشاره به برخی مراکز علمی که پایان‌نامه‌هایی با این روش تدوین کرده‌اند و همچنین کارگاه‌هایی که در این خصوص برگزار شده است و شیوه برگزاری جلسات آنها، خاتمه می‌یابد.

- فصل پنجم: نمونه‌هایی از تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ در هفت موضوع به ارایه برخی از تحقیقات قرآنی دانشجویان که با روش تشریح شده در فصل‌های قبل انجام گرفته است می‌پردازد.

هر یک از عناوین، مشتمل بر بیان موضوع، فهرست و جداول آیات، نمونه عملی نحوه نگارش اوراق مفهوم‌یابی، یادآوری و توصیه‌ها و در نهایت مقاله تدوین شده در موضوع است.

عناوین مذکور عبارتند از: ۱- یتیم در قرآن؛ ۲- توکل در قرآن؛ ۳- سیمای منافقان در قرآن؛ ۴- عمران در قرآن؛ ۵- مدیریت در قرآن؛ ۶- شفاء در قرآن؛ ۷- نماز در قرآن.

- خاتمه کتاب کوتاه و تنها یک صفحه بوده و از نوع نتیجه‌گیری‌های متداول در کتب نیست و صرفاً اشاره‌ای دارد به این که کتاب از نوع راهنمای تحقیق به حساب می‌آید.

در نهایت به مثابه پیوست کتاب، سه گزارش کوتاه از طرح‌های در حال اجرای نگارندگان و همکارانشان در خصوص «آموزش زبان قرآن»؛ «سوره‌شناسی / قرآن‌شناسی تفصیلی» و «تفسیر سوره شناختی آیات» آورده و آرزو شده است که این تحقیقات بتوانند در جایگاه مکملی برای روش تحقیق موضوعی قرار گیرند.

۳- استخراج برخی از اصول موضوعه روش

به‌طور مرسوم و براساس فلسفه و معرفت‌شناسی علم رایج، می‌توان هر نظام فکری را در قالب سیستم اصل موضوعی (آکسیوماتیک) ارائه داد. روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم نیز که از سوی پدیدآورندگان آن یک نگره فکری محسوب می‌شود، در چنین قالبی می‌تواند نگاشته شود.

اگرچه بحث در باب اصول موضوعه روش، از سوی مبدعان آن به صورت مستقل مطرح نشده و حتی به صورت متداول در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایشان به صراحت خود را فارغ از هر گونه بحث فلسفی / روشی دانسته‌اند اما می‌توان برخی از اصولی را که در خلال مباحث‌شان تصریح و تأکید داشته‌اند به عنوان اصول موضوعه استخراج نمود.

همان‌گونه که در تلخیص فصل دوم کتاب روش تحقیق موضوعی اشاره شد؛ تعریف نگارندگان کتاب از روش خود، بدین شرح است: تحقیق موضوعی یعنی شناخت جایگاه، معنا، مفهوم و کاربرد دقیق کلمه موضوع مورد نظر در قرآن ... (ص ۱۰۳).

اصل روش مند بودن تدبیر در قرآن کریم نیز از اصول مهم حلقه است؛ به باور دکتر لسانی «قرآن، ناطق هست؛ اما اگر روش نداشته باشیم برای ما صامت است».

حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را بی‌نیاز و مبرا از تدقیق مبنایی و فلسفی روش خود می‌داند و باور دارد که همچون «آفتاب آمد دلیل آفتاب» توفیقاتی که در هنگام تدقیق قرآنی از طریق روش ایشان برای محقق حاصل می‌شود مهمترین دلیل صحیح بودن روش است. [به این مسأله در بحث نقد و بررسی باز خواهیم گشت]

یک فرض اخلاقی - عرفانی نیز در اصول این روش می‌توان دید و آن این است که مفروض گرفته شده که اگر فرد با صفای قلبی و اخلاص در پیشگاه قرآن حاضر شود و از روش تحقیق موضوعی استفاده نماید؛ به حتم دستاوردهای او و الهامات و واردات قلبی و ذهنی‌اش صواب خواهد بود!

مبدعان این روش، تدبیر قرآنی از طریق روش تحقیق موضوعی را غیر از تفسیر و در نتیجه غیر از تفسیر به رأی می‌دانند. هم‌چنین معتقدند که این روش هم‌سو با دعوت عمومی قرآن کریم به تدبیر در خود و همچنین مطابق با سنت و سیره و نیز در راستای مطالبات قرآنی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) است.

مبدعان، نه تنها هیچ‌گونه دانش عربی و آشنائی با تفسیر و ... را در راستای تدبیر قرآنی لازم نمی‌دانند بلکه در اساس، آن‌ها را سد راه و باری بر دوش محقق می‌انگارند.

تشخیص؛ استخراج و معادل‌گزینی درست واژگان کلیدی تحقیق با مفردات مناسب قرآنی، نقطه کانونی روش تحقیق موضوعی است.

دکتر لسانی آشنایی با زبان عربی را شرط لازم تدبیر در قرآن نمی‌دانند و مدعی‌اند که زبان قرآن مستقل از لغت عرب قابل فهم و تعلیم و تعلم است.

با این وجود، به اصل اهمیت واژگان قرآنی به این قرار معتقدند: حساسیت داشتن نسبت به واژگان قرآنی و این که به حتم بحث حول مفردات قرآنی شکل گیرد^۱

اصل دیگر در اندیشه دکتر لسانی باور به این امر است که اسلوب اصلی قرآن کریم تمثیلی و استعاری است. اصل دیگری هم که می‌توان در این خصوص به آن اشاره کرد؛ توجه به تکرار و بررسی متناوب و مکرر

۱. به عنوان مثال در بحث مدیریت در قرآن معتقدند که دسته‌بندی و مقوله‌ای با عنوان «تخصص و تعهد» اساساً در قرآن وجود ندارد و چون از مفردات قرآنی استخراج نمی‌شود؛ قابل استناد نیست.



آیات برای نزدیک شدن به مراد قرآن کریم است که خود مبتنی بر اصل تصریف می‌باشد. اصل دیگر که در روش تحقیق موضوعی مورد تأکید قرار گرفته است تقدم تدبر بر تفسیر می‌باشد.^۱ (در بخش نقد و بررسی این مسأله تشریح خواهد شد).

۴- نقد و بررسی مقدمه و فلسفه روش

آن‌گونه که اشاره گردید تنها بحث فلسفی و مبنایی که در خصوص روش تحقیق موضوعی از مبدعان و نگارندگان آن سراغ داریم همان است که در مقدمه کتاب ایشان به‌طور اجمال آورده شده است. همچنین اشاره شد که حلقه روش تحقیق موضوعی، خود را ملزم به بحث مبنایی ندانسته و صحت رویکرد خود را به توفیقات حاصل از آن ارجاع می‌دهند.

۴-۱- مسأله اول

اگرچه مبنای سنجش و تأیید این توفیقات مشخص نیست، اما به هر حال نمی‌توان منکر شد که این استدلال نوعی تمسک به معیارهای صدق پراگماتیستی^۲ است که مزایا و معایب آن در جای خود و در کتب منطقی‌نویین به تفصیل بررسی شده است. (حسینی گلکار، ۱۳۹۳: ۱۴۳) خلاصه آن که این مبنای صدق عمل‌گرایانه هیچ الزامی برای انطباق با حقیقت ندارد.

۴-۲- مسأله دوم

مسأله بعدی آن است که نگارندگان با نقل کلامی از رهبر فقید انقلاب امام خمینی (ره)، از جملات ایشان برداشت خاصی نموده‌اند که محل تأمل است.

ایشان به نقل از کتاب آداب الصلاه آورده‌اند: «یکی دیگر از حجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه است، اعتقاد به آن است که جز آن که مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند. در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد... یک مطلب مهمی را باید در نظر بگیری که با توجه به آن راه استفاده از کتاب شریف، بر تو باز شود و ابواب معارف و حکم بر قلبت مفتوح گردد. و آن، آن است که به کتاب شریف الهی، نظر تعلیم داشته باشی و آن کتاب را کتاب تعلیم و افاده بدانی و خود را موظف به تعلم و استفاده

۱. به عنوان مثال دکتر لسانی در کتاب روش تحقیق موضوعی آورده‌اند که: «اما آنچه در وهله نخست حائز اهمیت است، تدبر و دقت در آیات قرآن و مفهوم یابی مستقیم و بی واسطه از آنهاست؛ یعنی شخص محقق ابتدا خود بدون تأثر از نظرات مفسران باید بکوشد از آیات قرآن مستقیماً نکته یابی و مفهوم‌گیری کند... پس از طی این مرحله می‌تواند و بسیار شایسته است که از تفاسیر مختلف نیز بهره‌مند گردد» [لسانی فشارکی، ۱۳۹۱: ص ۱۳].

۲. در این معیار از صدق آنچه صادق بودن و درستی یک گزاره یا مفهوم را معین می‌نماید کاربرد و سودمندی آن است.

بدانی و مقصود ما از تعلیم و تعلّم و افاده و استفاده آن نیست که جهات ادبیت و نحو و صرف را از آن تعلیم بگیری یا فصاحت و بلاغت و نکات بیانیّه و بدیعیّه از آن فراگیری یا در قصص و حکایات آن به نظر تاریخی و اطلاع بر امم سالفه بنگری، هیچ یک از اینها داخل مقاصد قرآن نیست و از منظور اصلی کتاب الهی به مراحل دور است. و این که استفاده ما از این کتاب بزرگ بسیار کم است، برای همین است که یا به آن نظر تعلیم و تعلّم نداریم، چنان که غالباً به این طوریم - ... و یا اگر نظر تعلیم و تعلّم داشته باشیم، با نکات بدیعیّه و بیانیّه و وجوه اعجاز آن، و قدری بالاتر، جهات تاریخی و سبب نزول آیات و اوقات نزول و مکی و مدنی بودن آیات و سوره، و اختلاف قرائات و اختلاف مفسرین از عامّه و خاصه و دیگر امور عرضیه خارج از مقصد که خود آنها موجب احتجاب از قرآن و غفلت از ذکر الهی است، سروکار داریم. بلکه مفسرین بزرگ ما نیز، عمده هم خود را صرف در یکی از جهات یا بیشتر کرده و باب تعلیمات را به روی مردم مفتوح نکرده‌اند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸).

از مجموع این بیان و برخی اقوال دیگر مرحوم امام، حلقه روش تحقیق به این اصل خود رسیده‌اند که در درجه اول تحقیق موضوعی معادل با تدبیر و در ثانی در مقابل تفسیر موضوعی است (ن. ک: ص ۱۵). اما دقت در کلام امام خمینی (ره) نکاتی را برجسته می‌نماید که استنتاج دکتر لسانی و همکاران را از این کلام به نحو یاد شده ناصواب می‌نمایاند.

اول؛ جایگاه بحث حضرت امام در کتاب آداب الصلاه و ذیل بحث توجه در قرائت و تدبیر در نماز است. دوّم؛ مخاطب امام در اکثر موارد مرحوم حاج احمد آقا یا شخصی در این حد از دانش معارفی بوده است. سوّم این که نباید فراموش نماییم که حضرت امام (ره) با همه مقام فقهی و عرفانی‌شان به هر حال در گفتار خود در مقام مفسر قرآن آن گونه که به عنوان مثال در خصوص علامه طباطبائی (ره) می‌انگاریم، نبوده‌اند.

۳-۴- مسأله سوم

استدلال دیگر ارایه شده در کتاب، بر مبنای دعوت قرآنی «افلا یتدبرون القرآن» بنا شده است و باز هم ادعا شده که تدبیر روش تحقیقی در قرآن به هیچ وجه از سنخ تفسیر به رأی نبوده و بی خطر است. (ص ۱۸) اما تشبث به این آیه مبارکه نیز نمی‌تواند منتج به ادعای محققان شود؛ چرا که مخاطبان اولیه آن اعرابی هستند که حداقل سه شرط لازم را داشته‌اند:

۱- آشنا به زبان عربی بوده‌اند؛

۲- با شأن نزول آیات آشنا بوده‌اند؛

۳- دسترسی به مفسر اصلی قرآن یعنی شخص رسول اکرم (ص) داشته‌اند.

۴-۴- مسأله چهارم

مسأله دیگر بررسی ادعای تقدم تدبیر بر تفسیر در روش تحقیق موضوعی است. به رغم ارایه این اصل و دفاع از آن در میان حلقه تحقیق موضوعی به نظر نمی‌رسد که مبدعان خودشان به الزامات این اصل و ادعا پای بند بوده باشند.

اول این که مشخص نیست که مراد از تقدم در اینجا تقدم زمانی است یا تقدم ارزشی؟

دومین مورد به این نکته اشاره دارد که نگارندگان به صراحت، رجوع به مفسران را امری ثانویه دانسته‌اند؛



اما خودشان در سراسر تحقیق خود به خبرگان ارجاع می‌دهند و در حقیقت تدبر را بی‌نیاز از راهنمایی آنان نمی‌دانند. از جمله در «ترجمه لغات تحقیق به زبان قرآن» (ص ۲۶)؛ در بحث راه‌های دیگر دست‌یابی به فهرست آیات (ص ۳۲) که رجوع به علماء و تفاسیر را راهکار دانسته است.

هم‌چنین در سراسر تحقیق، سطحی از دانش قرآنی مفروض گرفته شده است که بازهم مغایر ادعای اولیه رجوع بدون سابقه است؛ به عنوان مثال آن‌گونه که آمده برای بررسی واژگان کلیدی (صص ۴۱-۴۲) سطحی از دانش عربی لازم است.

بحث شناسایی سیاق آیات (ص ۴۳) دانستن نام دوم سوره‌ها «مثالی که آورده شده است و نام دیگر سوره مبارکه محمد (ص)، قتال است» (ص ۵۱)؛ بحث درک فرازهای آیات (ص ۷۲)؛ بحث درک نظم و هماهنگی‌های لفظی و معنوی آیات (ص ۸۷) و در نهایت اشاره به رجوع به ترجمه‌ها در تفاسیر برای افزایش ضریب اطمینان (ص ۹۱). فقط نمونه‌ای از موارد نیاز به رجوع به متخصصان در خلال تحقیق موضوعی است.

لازم به ذکر است در حلقه‌ها و کارگاه‌هایی که با عنوان تحقیق موضوعی نیز برگزار می‌شوند، محوریت جلسه که معادل تسهیل‌گر است، فردی خبره می‌باشد (در تحلیل متدولوژیک به این مسأله باز خواهیم گشت).

۴-۵- مسأله پنجم

در نهایت برخی استنباط‌ها و تجویزات دکتر لسانی در مقدمه کتاب قابل تأمل است. ایشان می‌نویسند: «اگر هم بر فرض در استنباط یکی از مفاهیم خطا کنیم؛ نه آسمان به زمین می‌آید و نه زمین به آسمان می‌رود و نه اسلام و نه قرآن به خطر می‌افتند؛ بلکه به مرور یا خودمان در ادامه تحقیق با بررسی سایر آیات به خطایمان پی می‌بریم یا تحقیقمان را به کسی که آگاه‌تر از ماست ارائه می‌دهیم تا ما را به خطایمان واقف کند و یا این که بعداً دیگران با تحقیقات خود نقائص تحقیق ما را تکمیل و خطایمان را تصحیح می‌کنند».

مهم آن است که با قلب بدون «زیغ» به سراغ قرآن برویم و خالصانه ابرهای پربرکت و باران‌زای آیات الهی را بر زمین تفتیده و خشکیده وجودمان به بارش در آوریم. فرق تدبر با تفسیر به رأی در همین جاست. نباید این دو را به حساب هم گذاشت. تفسیر به رأی یعنی این که با غرض خاصی به سراغ قرآن برویم و عقاید خودمان را بر کتاب خدا تحمیل کنیم و بافته‌های ذهنمان را به نام قرآن عرضه کنیم. تفسیر به رأی، حرف در دهان قرآن گذاشتن است و تدبر، حرف از دهان قرآن برداشتن است. تفسیر به رأی «بافتن» است، اما تدبر «یافتن» می‌باشد. این یکی دست پخت خود را بر سر سفره قرآن خوردن است، آن یکی بر سر سفره پر از غذاهای رنگارنگ قرآن نشستن و آرام آرام لقمه برداشتن است. بنابراین همان‌گونه که حضرت امام (ره) می‌فرمایند؛ نباید میان این دو خلط کنیم و خودمان و دیگران را از این خوان گسترده پر نعمت، این‌گونه محروم سازیم.

مع الوصف می‌توانیم با اضافه کردن عباراتی همچون: گویی، چه بسا، شاید، به نظر می‌رسد و ...، در ابتدای مفاهیمی که در صحت آن‌ها تردید داریم، یا بهتر و دقیق‌تر از آن با درج علامت سوال داخل پرانتز

در آخر این قبیل مفاهیم، خیال خودمان را از شایبه هرگونه تفسیر به رأی راحت کنیم. باید در نظر داشت که در جریان تدبیر، همین مجموعه سعی‌ها و خطاهاست که ما را با قرآن مأنوس می‌کند، نه فقط یافته‌های صحیح. هم‌چنان که دانشمند علوم طبیعی وقتی در مورد پدیده‌ای تحقیق می‌کند و بعد از مدت‌ها با آن پدیده مأنوس می‌گردد، شکی نیست که او... (صص ۱۸-۱۹)

دریاب نقد و بررسی این کلام جای بحث فراوان است اما برخی موارد ضروری‌تر عبارتند از:

۱- آیا چنین برداشت و تعریفی از تحقیق موضوعی تفاوت مبنایی با تعریف تفسیر به عنوان برداشتن نقاب از چهره دارد؟

۲- به لحاظ اخلاق نظری، عملی و حرفه‌ای تجویزهای ذکرشده هیچ‌گونه توجیهی ندارند. ما براساس هیچ معیار اخلاقی مجاز به آزمون و خطا در فهم نیستیم و شایسته آن است که برای تدبیر و فهم از طریق مناسب آن وارد شویم. (گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۶۶)

۳- بر اساس کدام استدلال و مبنا می‌توان مدعی شد که مرور و گذشت زمان منجر به اصلاح اشتباهات می‌گردد؟

کی و چگونه؟ آیا در اساس برای این ملازمه شاهدهی وجود دارد؟ آیا این برداشت هم به نوعی در ساحت قبض و بسط تئوریک شریعت قرار نمی‌گیرد؟

اغلب این‌گونه بوده است که مرور زمان موجب انباشت بیشتر اشتباهات گشته است.

۴- مقصود از دیگران که باید بیایند و اشتباهات ما را اصلاح کنند کدام دیگران هستند؟ و آیا در اساس احاله اصلاح اشتباهات به دیگران صحیح و اخلاقی است؟ آیا بیشتر ممکن نیست که دیگران هم راه اشتباه ما را به عینه پیش گیرند؟

۵- در این‌گونه مباحث تطبیقی، چه تضمینی وجود دارد تا ما با فرد آگاهی رو به رو شویم تا ایشان فرصت اصلاح اشتباهات ما را داشته باشد و این اتفاق در صورت رخ دادن تا چه حد زمان صرف خواهد کرد؟ این فرد آگاه را چگونه و از کجا بیابیم؟

تا چه اندازه افراد متخصص، خبره و آگاهی وجود داشته و در دسترس هستند؟

به فرض که چنین رویکردی شایع شود آن‌گاه آیا آن معدود افراد آگاه فرصت و مجال کافی اصلاح همه این موارد را خواهند یافت؟

آیا محقق با علم ناقص خود، تواضع لازم برای رجوع به آن فرد آگاه را دارد؟

به بیان خلاصه فرض این که محقق قرآنی صرفاً با تواضع قلبی و نیست خالص ابتدایی، تا انتها، راه را خواهد یافت کمی دور از ذهن است. به نظر می‌رسد این فرض البته ناخودآگاه ریشه در پذیرش عرفان اویسی، منسوب به اویس قرنی دارد.

۶- به هیچ عنوان نمی‌توان مؤلفه‌ها و شاخص‌های تفسیر به رأی را به صورت صرف اخلاقی دانست تا تنها با اجتناب از آن‌ها در ورطه تفسیر به رأی نیافتیم. به بیان دیگر «مغرضانه بودن» تنها شاخص تفسیر به رأی نیست. به ویژه که دانش هرمنوتیک (گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۹۳) و به ویژه بحث حیث‌التفاتی و تأثیر پیش فرض‌ها و ذهنیت‌های ما در تفسیر ما را متذکر عوامل دخیل در تفسیر به رأی می‌نمایند.



۷- علاوه بر این، مقایسه روش تحقیق و تدبر در قرآن با رویکردهای دانشمندان تجربی نیز باید با دقت نظر بیشتری همراه باشد یا حداقل به گونه‌ای آنالوژیک^۱ صورت پذیرد.

۸- نهایتاً آن که «گذشتن علامت سوال» برای این امر مهم کفایت نمی‌کند.

۵- بررسی متدولوژیک روش

روش تحقیق موضوعی به‌ویژه در ساحت عمل که بر مبنای برپائی کارگاه‌های تلفیقی / تطبیقی با حضور گسترده‌ای از علاقه‌مندان و دانشجویان و گاهی اوقات متخصصان اجرامی‌گردد، از حیث تحلیل متدولوژیک و روش‌شناختی در زمره روش‌های مبتنی بر ذهن‌انگیزی^۲ قرار می‌گیرد. (حسینی گلکار، ۱۳۹۳: ۱۵۴) این روش‌ها که امروزه برای حل خلاقانه مسایل در گستره متنوعی از کاربردها و شاخه‌ها و مسایل به کار می‌روند ریشه در باور به تداعی آزاد و قدرت ناخودآگاه و تفکر جمعی و هم‌اندیشی دارند. تحلیل کامل این گونه روش‌ها در کتب روش‌شناسی علوم اجتماعی در دسترس است اما آنچه برای ما مهم می‌باشد آن است که در درجه اول این روش نیازمند تسهیل‌گر^۳ می‌باشد که اغلب فردی متخصص است و این مغایر با اصول موضوعه مفروض روش تحقیق موضوعی خواهد بود. دوم این که خطر ابتلا به التقاط فکری در صورت گوناگون آن در اجرای این روش بسیار زیاد است. سوم این که برپایی موفق آن به صورت کامل، تخصصی، زمان و هزینه‌بر است و چهارم این که توافق حاصله در بحث جمعی از این دست را نباید معادل اعجاز قرآن پنداشت.

هم‌چنین بایستی اشاره کرد که از حیث تحلیل متدولوژیک؛ ذهن‌انگیزی، پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های قبلی در روش کارگاهی بیش از روش تفسیر عادی در امر تدبر اثرگذارند و لذا ولو به‌طور ناخودآگاه تفسیر به رأی را در پی خواهند داشت.

هم‌چنین نباید از نظر دور داشت که فرآیند تسهیل‌گری به‌ویژه آن‌گونه که در کارگاه‌های روش تحقیق موضوعی دیده می‌شود،^۴ جهت‌دهنده بوده و مقوله‌ای بی‌طرفانه محسوب نمی‌گردد.

از سوی دیگر؛ این ذهن‌انگیزی‌ها به‌ویژه در کارگاه‌های جمعی از آن‌جا که برپایه مسأله و پرسش مشخص قرار ندارند؛ به دانش‌ها و گزاره‌های توتولوژیک^۵ می‌انجامند (حسینی گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۵۵) و چندان دستاورد ناظر به عمل جدیدی برای شرکت‌کنندگان ندارند؛ اگرچه خوانش صرف آیات و نیز

1. Analogical (حسینی گلکار و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

2. Brain-Storming (بارش فکری - طوفان فکری)

3. Facilitator

۴. این مسئله تاحدی است که شرکت‌کنندگان احساس می‌نمایند که تسهیل‌گر، متکلم و حده بحث قرار گرفته است.

۵. مراد از گزاره‌های «توتولوژیک» (Tautology) و یا این «همان‌گوئی» یا «همان‌گو» در حقیقت گزاره‌هایی هستند که با هر تعبیری برای منطق گزاره‌ها یا ارزش آن‌ها همواره صادق هستند. و به نوعی در موضوع مورد بررسی ما گرفتار مصادره به مطلوب بوده و به تعبیری همواره راست‌گو تلقی می‌شوند؛ لذا بررسی آن‌ها محک هیچ‌سنخی از تجربه قرار نگرفته و چیزی به دانش ما اضافه نخواهد کرد.

استخراج فهرست از مجموع گزاره‌های مطرح شده ذکر شده می‌توانند شاخص‌ها یا واژگان کلیدی بحث را به دست دهند.

به‌علاوه اگرچه ذهن انگیزی موجب بسط و گسترش سطحی بحث‌ها و مطالب می‌شود اما به دلیل گذرا بودن و نداشتن تعمق که خود ریشه در نداشتن زمینه مناسب و دانش و تخصص لازم دارد؛ چندان در عمق و لایه‌های عمودی ریشه نمی‌دواند.

درخصوص ذهن انگیزی به عنوان اصل محوری روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ همچنین لازم به ذکر است که در قالب تحقیقات کاربردی و ناظر به حل مسأله، این رویکرد به‌ویژه هنگامی که به‌صورت کارگاهی انجام پذیرد؛ بسیار زمان بر می‌باشد.

نکته دیگر که در تحلیل متدولوژیک تحقیق موضوعی لازم به ذکر می‌آید؛ جزئی‌نگر بودن تحقیق است. هرچند روش کارگاهی و تداعی آزاد گستره موارد مطرح شده را افزایش می‌دهد اما از آن‌جا که افراد دید کلی و احاطه حداقلی به مجموع دیدگاه قرآن درخصوص موضوع ندارند؛ لاجرم ماحصل کار نیز جزئی‌نگر است. همچنین مؤلفان تمایل دارند تا رویکرد خود را نزدیک به روش دو مفسر کبیر معاصر مرحومان شهید صدر و علامه طباطبائی (ره) و به نوعی هم‌سو با آن‌ها بدانند؛ اما تبیین این ادعا در جایی صورت نگرفته‌است.

۶- نکات تکمیلی که درباب روش به ذهن می‌رسند

همان‌گونه که اشاره شد، روش تحقیق موضوعی نیز مانند هر رویکرد دیگری با خوانش‌های متعدد و نیز با روندی رو به تکامل مواجه است و نقادی و بررسی آن می‌تواند در بهبود روش و تجدید نظر در برخی اجزا مفید و راه‌گشا باشد.

فارغ از این دیدگاه، برخی مؤلفه‌های روش به سادگی قابل ارتقا هستند که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱- نمی‌توان هیچ روشی را بی‌نیاز از تأملات مبنایی و به تعبیری فلسفی دانست و رویکرد حاضر نیز بایسته است که به این مباحث توجه بیشتری نماید.

۲- درخصوص انتخاب کلیدواژگان (بحث فصل اول، مراحل مقدماتی) به نظر می‌رسد یکی از منابع تهیه واژگان کلیدی یا آیات و ... می‌تواند سنت و کتب حدیث باشد که به این مسأله توجه نشده‌است.

۳- بایستی جایگاه دقیق نخبگان قرآنی در روش و نیز نسبت صحیح تر آن با تفسیر بررسی شود.

۷- جمع بندی روش

روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم به بیان اجمالی، گونه‌ای راهنماست که با هدف چگونگی و شناسایی تحقیق موضوعی در قرآن، روش‌های تحقیق قرآن و معرفی مراحل تحقیق نگاشته شده‌است. در بخش نخست، مراحل تحقیق موضوعی در قرآن تشریح گردید. این مراحل شامل مرحله‌ی مقدماتی، مرحله‌ی مفهوم‌یابی، مرحله‌ی گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی و مرحله‌ی تدوین و تألیف است.



در مرحله‌ی مقدماتی این اطلاعات ذکر گردیده است: انتخاب عنوان تحقیق موضوعی و کلید واژه‌های آن؛ آماده‌سازی اوراق اولیه‌ی تحقیق موضوعی؛ نگارش صفحه‌ی عنوان و ثبت گزارش آغاز تحقیق؛ تدارک فهرست آیات اصلی و فهرست سیاق‌ها؛ ثبت آمار و ارقام مربوط به کاربرد کلیدواژه‌ها. مرحله‌ی مفهوم‌یابی نیز مشتمل است بر: نگارش متن کامل آیه، تلاوت مکرر آیه، بررسی مفهوم آیه، یادداشت پرسش‌ها، بررسی مفاهیم آیه در سیاق آن، یادداشت نظم‌ها و هماهنگی‌ها در آیات قرآن، و چند نکته‌ی تکمیلی در حین تحقیق (به خاطر سپردن مفاهیم و پرسش‌ها، از بر کردن آیات اصلی، و نگهداری ترتیب و ترکیب دست‌نویس‌های تحقیق، بازنگری سراسری مفاهیم به دست آمده، و مراجعه به متون تفسیری). در مرحله‌ی بعدی نیز راه‌های گسترش تحقیق موضوعی، هم‌چنین راه‌های فشرده کردن آن بیان شده است. مرحله‌ی تدوین و تألیف نیز شامل تدارک طرح بخش‌ها و فصل‌ها، کدگذاری مفاهیم به دست آمده، و نگارش متن است. در بخش دوم کتاب، نمونه‌هایی از تحقیق موضوعی در قرآن معرفی شده است.

۷-۱- مزایای روش

- شایسته است ابتدا فهرست‌وار به مزایا و محاسن روش ارائه شده توسط دکتر لسانی اشاره نمائیم.
- ۱- دغدغه «تدبر» عمومی به‌ویژه برای جوانان سراسر جامعه در کلام الهی و اهمیت «روش‌مند» بودن، مهمترین محاسن رویکرد حلقه روش تحقیق موضوعی می‌باشند.
- ۲- عمل‌گرا و الگوریتمیک بودن روش که امکان تحقیق گام به گام مطابق آن را برای خواننده فراهم می‌نماید.
- ۳- پیوستگی منطقی اثر و بیان روان آن.
- ۴- اشاره به برخی مباحث مهجور مانده مانند سیاق و رکوعات قرآنی (صص ۴۴-۴۵ و ۵۳ و ۷۳ و ۷۷).
- ۵- اشاره به برخی اعجازهای قرآن.
- ۶- برخی ظرافت‌های ادبی در بحث (مثلا ص ۵۱: الفبای نیکوکاری).
- ۷- توجه به نکات صوری تحقیق؛ اگرچه امروزه گسترش کاربرد رایانه و نرم افزارهای تخصصی تحقیق خیلی از این مباحث را آسان کرده است.
- ۸- اشاره به اهمیت تلاوت قرآن (ص ۶۴).
- ۹- افزودن مثال‌های مناسب در هر بحث ... (چنانکه متداول اغلب کتابهای روش تحقیق است).
- ۱۰- توجه به تکاملی و تدریجی بودن تحقیق (مثلا در ص ۷۳).
- ۱۱- استمرار تحقیق / کتاب از طریق برگزاری کارگاه‌ها و نیز از طریق تالارهای گفتگوی فضای مجازی.
- ۱۲- روان؛ موجز و سلیس بودن بیان نگارندگان.
- ۱۳- ارائه معیارهایی (شناسایی نقاطی) که نشان‌دهنده لازم و کافی بودن میزان تحقیق و کامل بودن تحقیق باشند و نیز بحث جهت تکمیل و گسترش یا فشرده سازی تحقیق.
- ۱۴- اشاره و باور به این مسأله که موضوع تحقیق، پیشنهادها و دستاوردهای آن می‌تواند در آینده از سوی ما و یا دیگران پیگیری و گسترش یابند.

۱۵- استفاده از سنت نبوی در باب تقسیم بندی صوری قرآن کریم از جمله سیاق‌ها و حزب مفصل^۱ و ...
۱۶- قدرت اقناعی بالای نتایج روش تحقیق موضوعی برای افراد شرکت کننده در مباحث (بویژه بصورت کارگاهی) ..

۱۷- گسترش کمی دستاوردها بدلیل استفاده از متد ذهن انگیزی ..
و موارد دیگر ..

۲-۷- معایب و نواقص روش

در این بخش به نقطه عطف مقاله و ارائه نواقص روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم خواهیم پرداخت. برخی از این نکات صوری و قابل اصلاح هستند (پیشنهادات) و برخی دیگر نواقص روشی قابل تکمیل با افزودن و تدقیق متدولوژیک (ابهامات) اما برخی از این ایرادها مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش هستند (مخاطرات). این موارد به هیچ عنوان قابل اغماض نیستند؛ نیل به پروتستانیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌گردند.

۱- اشاره شد که روش تحقیق موضوعی جزئی‌نگرانه و تقلیل‌گرایانه (فروکاستی) است هرچند بحث سیاق‌ها (مثلا ص ۷۴ و ص ۱۰۲) و بحث ملازمه برخی مفاهیم با یکدیگر در قرآن کریم (صص ۷۸-۷۹) می‌تواند تاحدی این نقص را بهبود بخشد.

۲- در برخی موارد قیاس‌هایی صورت گرفته که چندان مناسب نیستند و حتی ممکن است با توجه به منطق کلام الهی نادرست باشند؛ از جمله در قیاس قرآن آموز با دانشمندان تجربی (ص ۱۹) (ن.ک: محمدرضایی و گلکار، ۱۳۹۳: ص ۲۱۰ و آملی لاریجانی، ۱۳۷۷) و یا مقایسه نحوه چینش و ترتیب نگارش مطالب مقالات و کتب (آیین نگارش) با زبان قرآن (صص ۸۱-۸۲).

۳- روش برگزاری جلسات و کارگاه‌های اشاره شده (مثلا در صص ۱۱۵-۱۱۶) همان متد متداول ذهن انگیزی (بارش فکری) است که به این نکته و تشابه/ تمایزات آن اشاره ای نشده است.

۴- آن گونه که در بررسی اصول روش و نقد و بررسی مقدمه گذشت؛ مفروضاتی از روش از جمله: تقدم تحقیق بر تفسیر، امکان فهم بدون تدارک هیچ مقدمه ای و ... تا حد زیادی روش را به فضای پروتستانیزم سوق می‌دهد.^۲

۵- از سوی دیگر مخاطره مهم دیگر پس از پروتستانیزم، التقاط‌گرایی است؛ دعوت از جوانان برای تدبیر مستقیم و تخصصی در قرآن، آفت ثانویه دیگری هم دارد؛ از آنجا که جوانان اغلب در رشته مورد

۱. از سوره مبارکه ق تاناس.

۲. قضاوت ارزشی در باب پروتستانیزم خارج از بحث مقاله حاضر است.. اغلب تقریرات از نگره «پروتستانیزم اسلامی» را مخالفان آن مطرح کرده و بسط داده اند مع الوصف در توضیح ماهیت این اندیشه و جریان فکری بایستی اشاره کرد که متأثر از جریان پروتستان در جهان مسیحیت و جان کالون و مارتین لوتر است که بر مبنای اصل مستقل کردن دین و فهم آن از انحصار کلیسا شکل گرفت و در گام اول به ترجمه متون مقدس دست زده و خواندن و تأمل در آن را برای همه مؤمنان بدون اشراف علمای کلیسا جایز دانست. برخی متفکران ریشه‌های پروتستانیزم اسلامی را به اندیشه‌های مرحوم دکتر شریعتی نسبت داده‌اند.



- مطالعه‌شان که یا از علاقه یا از زمینه تحصیلی برخاسته هنوز متخصص نیستند و گاهی اوقات برداشت ناقص و حتی نادرست از دستاوردها و دقایق علمی رشته خود دارند؛ قادر نخواهند بود برداشت صحیحی از آیات ناظر به آن بحث داشته باشند و نتیجه آن مجموعه‌ای از ادراکات التقاطی خواهد شد.^۱
- ۶- همچنین آن‌که آیا آن‌چه جوانان و نوجوانان (غیر متخصص) از تدبر در قرآن کریم نیاز دارند افزون‌تر از مباحث عمومی ایمانی و اخلاقی و اجتماعی است؟ و آیا بهتر نیست این موارد را ابتدا از تفاسیر قرآن و کتاب‌های موضوعی - عقیدتی بیاموزند و سپس با توشه‌ای مناسب در محضر قرآن بنشینند و به تدبر مستقیم پردازند؟
- ۷- باید راهی بین افراط و تفریط یافت و گشود؛ نه تفسیر به رأی (ص ۱۹) و نه مسدود دانستن راه تدبر (ص ۲۹)؛ هر دو این مواضع ناصواب و مخاطره آمیزند.^۲
- ۸- برخی برداشت‌ها از مقوله تفسیر و مفسران اغراق آمیز و ناصواب می‌نمایند. به عنوان مثال آن‌جا که ادعا شده است: «فهم تفسیر وابسته به متن آیات نیست».
- ۹- به رغم این ادعا که «روش تحقیق موضوعی، تفسیر نیست»؛ اما می‌توان شباهت‌های معناداری میان آن با روش حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر نور و ... دید.
- ۱۰- نمی‌توان منکر این واقعیت شد که وسوسه تسریع در به مرحله عمل در آوردن تداعی‌های آزاد حاصل شده در مباحث نظری و بحث‌های کارگاهی قبل از بررسی نقادانه و به محک خبرگان زدن دیدگاه‌های به‌دست آمده، ممکن است به رفتارهای افراطی بیانجامد.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم؛ اصول؛ مفروضات؛ الزامات و برخی نتایج آن پرداخته شد و مزایا و معایب آن به صورت اجمالی فهرست گردید. اشاره شده که برخی از نواقص مطرح شده صوری و قابل اصلاح هستند و برخی نواقص روشی قابل تکمیل، با افزودن و تدقیق متدولوژیکی اما برخی از این ایرادات مبنایی بوده و چالش‌های اساسی آینده روش می‌باشند. این موارد به هیچ عنوان قابل اغماض نیستند؛ نیل به پروتستانتیزم؛ التقاط‌گرایی و جزئی‌نگری از جمله این چالش‌ها محسوب می‌گردند.

ماحصل آن‌که رویکرد تحقیق موضوعی در قرآن کریم دکتر لسانی را نمی‌توان مصداق کامل آن‌چه مرحوم علامه طباطبایی (ره) «تفسیر قرآن به قرآن از طریق تدبر در قرآن» می‌نامیدند، دانست. باید گفت که روش تحقیق موضوعی به لحاظ صوری تلاشی است برای تطبیق چارچوب کلاسیک روش

۱. شاید بتوان بحث مدیریت در قرآن در فصل پنجم کتاب را که مدیریت را معادل با اطاعت پذیری دانسته؛ از این منظر تفسیر کرد.
 ۲. نقل قول روش تحقیق موضوعی را بنگرید: برای تحقیق موضوعی در قرآن و گزینش آیات، هیچ نیازی به احاطه و تسلط بر قرآن (که البته محال است) نمی‌باشد و فقط با مراجعه به معجم المفسرین یا برخی از نرم افزارهای معتبر، می‌توان آیات مربوط به موضوع را برگزید. (ص ۲۹)

تحقیق عام در موضوع قرآن پژوهی که با افزودن متدهای جدیدی از علوم اجتماعی از جمله ذهن انگیزی و ... قوام یافته است.
به نظر می‌رسد بایستی تدبر در قرآن کریم را امری تشکیکی بدانیم و دارای مراتب و سطوحی که از این منظر، تفسیر و تحقیق موضوعی نه اموری مستقل بلکه مرتبط با هم خواهند بود.



منابع

- آملی لاریجانی، صادق (۱۳۷۷). زبان دین و زبان علم، شماره جلد ۱۶ و ۱۷- پائیز و زمستان ۱۳۷۷ انتشارات حوزه و دانشگاه
- جوادی آملی، آیت... عبدا... (۱۳۸۱). دین شناسی، انتشارات اسراء.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۰). آموزه های آنالوژی قرون وسطی بر مبنای نظر ای جی. اشوورث، فصلنامه تاریخ فلسفه، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰.
- حسینی گلکار و یحیی کبیر (۱۳۹۱). رویکرد حقوقی در دین پژوهی و عدم امکان استقراء تام در رهیافت های مطالعات دینی، فصلنامه آیین حکمت، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۱.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۳). دستینه روش های آینده پژوهی. موسسه فرهنگی هنری حامیم و پژوهشکده آینده پژوهی سلامت.
- حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۹۳). نقدی بر منطق شعر. موسسه فرهنگی هنری حامیم و نشر سبز رایان.
- حسینی گلکار و محمدرضایی (۱۳۹۳). آیا ویتگنشتاین ایمان گراست؟. فصلنامه حکمت و فلسفه، سال دهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۹۳.
- خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۷۸). آداب الصلاه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۶). مغالطات. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و موسسه بوستان کتاب.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۶). زبان دین در فلسفه و کلام اسلامی، شماره پیاپی ۲۳.
- قاضی زاده، محمد علی؛ لسانی فشارکی، محمد علی و مهدوی راد، محمد علی (۱۳۸۷). التفسیر الموضوعی تعریفه أقسامه مشروعیه علاقه بأنواع التفاسیر الأخری، العلوم الانسانیة الدولیه الجمهوریه الاسلامیه الایرانیة، شماره ۱۵ (۴): صص ۹۵ تا ۱۱۸، پاییز ۱۳۸۷.
- لسانی فشارکی، محمد علی و پورمحمدی، ابوذر (۱۳۸۸). بررسی مفهوم تفکر در قرآن، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۳: صص ۱۳۱ تا ۱۶۲، تابستان ۱۳۸۸.
- لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۹). روش تحقیق و پژوهش در قرآن کریم، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۹: صص ۳ تا ۹، تابستان ۱۳۸۹.
- لسانی فشارکی، محمد علی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. قم، بوستان کتاب.
- محمدرضایی، محمد و حسینی گلکار، مصطفی (۱۳۸۹). آیا نظریه معقولیت برهان است؟، فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۸۹.
- محمدرضایی و حسینی گلکار (۱۳۹۳). بیست گفتار انتقادی در فلسفه های مضاف. موسسه فرهنگی هنری حامیم و انتشارات سبز رایان.
- بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده پژوهی، علوم انسانی برای عصر جدید، ترجمه آقایان تقوی و محقق، مرکز آینده پژوهی فناوری های دفاعی.



مفهوم‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی اسلامی باتکیه بر آیات و روایات

مهدی جعفر زاده دیزآبادی: دانشجوی دکتری، گروه معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث قم
سید علی شفیعی*: استادیار، گروه بیوشیمی و ژنتیک، دانشگاه علوم پزشکی قم

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۷۸-۶۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۴/۱۷

چکیده

در جامعه به دانشگاه و دانش علوم پزشکی نوعی نگاهی افراطی وجود دارد که علوم پزشکی را به اسلامی و غیر اسلامی دسته بندی می نماید. به طوری که اگر مباحث پزشکی کاملاً از قرآن و احادیث منبعث شده باشد و بعضی از رفتارهای قشری مذهبی در دانشگاه علوم پزشکی بارز باشد آن را اسلامی می پندارند. این مقاله در گام اول به نقد و بررسی دیدگاه فوق و در گام دوم به بررسی ویژگی‌های دانشگاه اسلامی می پردازد. با توجه به مباحث مطرح شده می توان گفت: چون قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه برای هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لزومی برای ورود به امور و علوم دیگری برای آن وجود ندارد؛ از طرفی با آنکه پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) حامل تمام علوم بودند و علم خود را نیز منبعث از قرآن می دانستند، همواره تأکید بر علم آموزی داشته و حتی در امور پزشکی نیز از طبیب بهره می بردند. از این رو نمی توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد. همانطور که می دانیم دانشگاه یکی از مراکز مهم و مؤثر در گسترش علوم می باشد. پس باید دانشگاه در جامعه اسلامی نیز هم‌راستا با اهداف اسلام در تربیت جامعه عمل نماید. به منظور فراهم شدن این مهم دانشگاه اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی باشد، برخی از مهمترین آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از: ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش، اهتمام به تولید علم به عنوان ابزار مهم قدرت نرم، توجه به اهمیت ترکیه، خودسازی و همچنین احساس مسئولیت نسبت به امت اسلام داشتن است. در غیر این صورت صرف وجود دانشگاه در یک کشور اسلامی، دانشگاه اسلامی نخواهد بود.



۱- مقدمه:

وقتی بحث اسلامی کردن دانشگاه‌ها و دانشگاه اسلامی خصوصاً در ارتباط با طب و پزشکی به میان می‌آید به علت وجود روایات و توصیه‌های متعدد از ائمه اطهار(ع) درباره بعضی از بیماری‌ها یا خوراکی‌ها، عده‌ای تصور می‌کنند وقتی این هدف تحقق می‌یابد که بعضی از رشته‌های دانشگاهی بر مبنای علوم تجربی مانند طب به درون حوزه آورده شود یا اینکه منابع درسی دروس پزشکی بر مبنای احادیث و روایات یا شواهدی که در قرآن بر اثر بخشی یا درمان از طریق بعضی از روشها آمده است نگارش گردد. تبلور این تفکر را می‌توان در برگزاری ۴۲ کنگره با عنوان طب و دین در یک سال و رشد طب سنتی بر اساس احادیث و روایات (طب رضا) از ائمه اطهار(ع) توسط افراد ناآگاه به دانش پزشکی مشاهده نمود که بعضی اوقات برای درمان ده‌ها بیماری با علل کاملاً متفاوت نسخه یکسان پیچیده می‌شود بطوری که یک عطاری نقش و شأن یک بیمارستان فوق تخصص را برای خود قائل می‌شود.

تصور این افراد بر این است زمانی یک رشته و به خصوص دانشگاه، اسلامی می‌باشد که منابع دینی اشاره‌ای هرچند به اختصار در بعضی از مباحث کرده باشند و آن رشته یا دانشگاه به تفکر در علوم پرداخته و یافته‌ها را با توجه به شواهدی از قرآن و روایات به اسلام منتسب نماید. در بیشتر موارد، این افراد با نیت خیر و بطور غیر مستقیم در صدد بیان این نکته هستند که تمام علوم در قرآن و سنت، ولو حتی به اشاره بیان شده و دین اسلام از این لحاظ، جامع و کامل است.

بنابراین در این مقاله در صدد آن هستیم که ابتدا تفکر فوق را به اختصار نقد نموده و لزوم رشد دانشگاه‌ها و رشته‌های دانشگاهی در همه علوم خصوصاً رشته‌های مرتبط با پزشکی را متذکر شویم و در گام بعد، ویژگی‌های دانشگاه اسلامی (در حوزه پزشکی و درمان) از دیدگاه روایات خصوصاً احادیث منتسب به رسول اکرم (ص) بررسی نماییم.

۲- بررسی امکان استخراج علوم پزشکی از قرآن

در قرآن آیات و اشاره‌های مستقیم و غیر مستقیم زیادی در خصوص مسائل پزشکی و موارد مرتبط با آن ذکر شده است علاوه بر این اشارات، مسایل دیگری نیز مشاهده می‌گردد که مربوط به علوم دیگر است و می‌تواند راه‌گشای بسیاری از تحقیقات جدید در حوزه سلامت محسوب گردد. به هر حال ایده‌های مختلف مطرح شده در قرآن بخصوص زمانی که عبارت «تفکر» را نیز به دنبال دارد حوزه بسیار مناسبی برای تحقیق در مباحث پزشکی است و خود می‌تواند از سرفصل‌های کاری مراکز مهم تحقیقاتی و پزشکی جهان اسلام باشد. در این شرایط سؤال این است که آیا قرآن یک کتاب تخصصی در علوم مختلف است، آیا اشارات به علوم مختلف که البته از صحت، دقت و نواندیشی خاصی نیز برخوردار است، می‌تواند قرآن را در طبقه کتب فنون مربوطه قرار دهد و با میزان علوم تجربی آن را سنجید، آیا این کار صحیح و منطقی است؟

۲-۱- دلالت بر جامعیت قرآن کریم به استناد آیات

خداوند در بخشی از آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل می‌فرماید: « وَ تَزَكِّيْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ » و این کتاب

را که بیانگر همه چیز است بر تو نازل کردیم». طبق این آیه، قرآن کریم تبیان است برای همه چیز؛ چه امور مربوط به هدایت و چه امور غیر آن.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا همه چیز از جمله همه علوم بشری در قرآن وجود دارد؟ و آیا می‌توان با استناد به این آیه برای کشف علوم و قوانین مختلف عالم طبیعت به قرآن کریم اکتفا نمود؟ با مراجعه به کتب تفسیری مفسران شیعه و اهل سنت در می‌یابیم که آیه مورد بحث مطلق نیست بلکه مقید به اموری است که به اختصار عبارتند از:

۱. امور دینی؛ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۶؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۲۶۷؛ حسینی، ۱۳۶۳: ۲۶۶؛ شبر، ۱۴۱۲: ۲۷۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۴۳؛ قمی، ۱۳۶۸: ۲۵۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۵۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۵۷۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۲۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۲). به عبارت دیگر، هیچ مطلبی مربوط به امور دینی نیست مگر آن که قرآن پرده از آن برمی‌دارد یا بطور صریح در آن بیان شده و یا این که انسان را به سرچشمه علم و آگاهی که پیامبر اکرم (ص) و جانشینان بر حق او هستند و یا به اجماع امت راهنمایی می‌کند. بنابراین تمام دستورات دینی مستفاد از قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۴)؛

۲. امور دینی و دنیایی که انسان به آن‌ها نیازمند و محتاج است و اگر خداوند این امور را برای انسان بیان سازد در قیامت بر خداوند احتجاج می‌نماید (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۱۰)؛

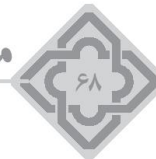
۳. امور مربوط به تربیت و انسان‌سازی و تکامل فرد و جامعه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۱)؛

۴. امور مربوط به هدایت انسان:

با توجه به این که قرآن کتاب هدایت است؛ در نتیجه بایستی آیه مورد بحث را مقید به امور مربوط به هدایت انسان دانست؛ همان‌گونه که علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است و جز این، کار و شأنی ندارد لذا ظاهراً مراد از «لِكُلِّ شَيْءٍ» همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواظبی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاج هستند و قرآن تبیان همه اینها است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵).

به همین دلیل در ادامه آیه؛ هدایت، رحمت و بشارت بودن قرآن را مخصوص مسلمانان برمی‌شمرد و می‌فرماید: «و هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ: یعنی کسانی که حاضر شده‌اند در برابر حق تسلیم شوند». این است هدایتی که مسلمین به وسیله آن به سوی صراط مستقیم راه یافته و رحمتی است از ناحیه خدای سبحان به سوی ایشان که به وسیله عمل به آن، به خیر دنیا و آخرت رسیده به ثواب خدا و رضوان او نائل می‌گردند، و بشارتی است برای ایشان که به ایشان مغفرت و رضوان و بهشت‌های خدا را که در آن نعم مقیم است نوید می‌دهد. (همان)

البته باید توجه داشت با آن که قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است و در این زمینه چیزی را فروگذار نکرده است اما در برخی از موارد به تناسب بحث‌های توحیدی و تربیتی، پرده از روی قسمت‌های حساسی از علوم و دانش‌ها برداشته است و گاهی انگشت روی جزئیات گذارده و تمام ریزه‌کاری‌ها را بیان می‌کند. مانند احکام نوشتن قراردادهای تجارتي و اسناد بدهکاری که در طولانی‌ترین آیه قرآن یعنی آیه ۲۸۲



سوره بقره طی ۱۸ حکم بیان شده است. و گاهی مسایل حیاتی انسان را به صورتهای کلی و کلی‌تر مطرح می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۳).

۲-۲- دلالت بر جامعیت قرآن کریم در روایات

روایاتی وجود دارد که قرآن را تبیان هر چیزی معرفی کرده و بیان می‌دارد که علم «ما کان و ما یکون و ما هو کائن» یعنی آنچه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود، همه در قرآن هست. از جمله این روایات:

۱. امام صادق علیه السلام: «کتابُ اللّٰهِ فِیْهِ نَبَأُ مَا قَبْلَکُمْ، وَ خَبْرُ مَا بَعْدَکُمْ، وَ فَضْلُ مَا بَیْنَکُمْ، وَ نُحْنُ نَعْلَمُهُ: قرآن است که در آن است خبر آنچه پیش از شما بوده و خبر آنچه بعد از شما باشد و فضل قاطع اختلافات شما است و ما آن را می‌دانیم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱)؛

۲. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللّٰهَ، تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، أَنْزَلَ فِی الْقُرْآنِ تَبْیَانَ کُلِّ شَیْءٍ، حَتَّى وَ اللّٰهِ، مَا تَرَکَ اللّٰهُ شَیْئاً یَحْتَاجُ إِلَیْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا یَسْتَطِیعَ عَبْدٌ یَقُولُ: لَوْ کَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِی الْقُرْآنِ إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللّٰهُ فِیْهِ: به راستی خدای تبارک و تعالی قرآن را برای بیان هر چیز فرو فرستاده تا آنجا که بخدا چیزی را وانگذازده که بندگان بدان نیازمند باشند و تا آنجا که هیچ بنده‌ای نتواند بگوید کاش این هم در قرآن بود مگر اینکه آن را هم خدا در قرآن فرو فرستاده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۹)؛

۳. امام صادق علیه السلام: «وَ اللّٰهُ إِلَیَّ لِأَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ وَ مَا فِی الْجَنَّةِ وَ مَا فِی النَّارِ وَ مَا کَانَ وَ مَا یَكُونُ إِلَى أُمَّتِ تَقَوْمِ السَّاعَةِ: به خدا سوگند من به آنچه در آسمان و زمین، بهشت و جهنم وجود دارد و همچنین آنچه بوده و تا روز قیامت می‌باشد آگاه می‌باشم ..» سپس در ادامه فرمودند: «أَعْلَمُهُ مِنْ کِتَابِ [اللّٰهِ] أَنْظُرُ إِلَیْهِ هَکَذَا ثُمَّ بَسَطَ کَفَّیْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ یَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَیْکَ الْکِتَابَ فِیْهِ تَبْیَانُ کُلِّ شَیْءٍ: این علم و آگاهی من از کتاب خداوند است. راوی می‌گوید در این موقع به کتاب اینگونه نگاه کردم و دیدم که امام دو دستش را باز کرد و فرمود خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خود فرموده است که ما قرآن را که بیان همه چیز است را برای تو نازل کردیم» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۲۷).

این روایات، منشأ علم امام (ع) را قرآن معرفی می‌کنند و از آن جایی که علم امام گسترده است و شامل هر چیزی که مردم بدان احتیاج دارند می‌شود در نتیجه قرآن نیز بایستی شامل همه این علوم تا قیامت باشد درحالی که الفاظ و ظواهر آیات قرآن این گونه نیستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۲).

برای حل این مسأله می‌توان ۳ موضوع بیان نمود:

۱. مراد از تبیان بودن قرآن، اعم از بیان به طریق دلالت لفظی باشد و هیچ بُعدی هم ندارد که در قرآن کریم اشارات و اموری باشد که آن اشارات از اسرار و نهفته‌هایی کشف کند که فهم عادی و متعارف نتواند آن را درک نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵)؛ چرا که «تبیان» به معنای انکشاف و وضوح است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۶۷)؛ و این انکشاف ممکن است مستقیماً یا به واسطه علم به برخی از اصول و رموز کلی حاصل شود. در مقام تشبیه می‌توان قرآن را به نور چراغ تشبیه کرد که به واسطه آن می‌توان حقایق اطراف را مشاهده کرد.

۱. امام صادق علیه السلام: «...یا هِشَامُ لَا یَحْتَاجُ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَی خَلْقِهِ بِحُجَّةٍ لَا یَكُونُ عِنْدَهُ کُلُّ مَا یَحْتَاجُونَ إِلَیْهِ».

در این صورت می‌توان منشأ کشف حقایق را نور چراغ دانست. پس طبق این بیان می‌توان گفت که قرآن، تبیان هر چیزی است یا با الفاظ صریح و یا با الفاظ رمز آلود و اشاره گونه و با این بیان، علم امامان نیز از قرآن ناشی می‌شود.

از همین رو هر کسی نمی‌تواند به اسرار قرآن دست یابد و تنها امامان معصوم هستند که از طریق پیامبر اسلام (ص) به این اسرار آگاهی یافته و از آن بهره‌مند هستند؛ فلذا در روایت اول، این عبارت آمده است: «وَ خُذْ نِعْمَتَهُ» و در روایت دیگر آمده است که علم به تمام قرآن تنها در نزد اهل بیت (ع) است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۹)، و همچنین پیامبر اسلام (ص) در حدیث ثقلین^۱، قرآن و عترت را در کنار هم ذکر فرمودند و تنها راه نجات و هدایت را در تمسک به آن دو دانستند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۳).

۲. علم امام (ع) از قرآن نیست بلکه مستند به قرآن است. در روایت آمده است که موسی بن جعفر (ع) فرمود: علم ما سه جهت را شامل است: گذشته، آینده و امور حادث و جدید. گذشته برای ما تفسیر شده است و اما آینده (در جامعه و مصحفی که نزد ماست) نوشته شده و اما امور حادث و جدید از راه الهام به دل و تأثیر در گوش باشد (که هر روز و هر ساعت مخصوصاً شبهای جمعه و قدر برای ما حاصل آید) و آن بهترین دانش ماست (زیرا مخصوص بما و از اسرار امامت است ولی با وجود همه این علوم که ما داریم پیغمبر نیستیم) و پیغمبری بعد از پیغمبر ما نیست^۲. و یا در روایتی دیگر، منشأ همه علم امام (ع) را علم او به ۷۲ اسم اعظم الهی بیان شده است^۳. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴)

در نتیجه از این روایات بر می‌آید که منشأ علم امام (ع) به اشیاء، قرآن نیست، اما امام (ع) در مقام اثبات هر آن چه می‌گوید به اصولی کلی که در قرآن وارد شده است استناد می‌کند. همانگونه که در روایت آمده است که امام باقر (ع) فرمودند: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَنَسَاؤُنِي عَنْهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: هر گاه برای شما حدیثی خواندم از من بخواهید که از این حدیث از کجای قرآن به دست می‌آید؟» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۹).

۳. ناتمام بودن الفاظ آیات جهت دست یابی به علوم؛ در نتیجه می‌توان گفت چون قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه در هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لازم نیست در امور و علوم دیگر وارد شود. و اگر هم اینگونه باشد که همه چیز در قرآن بیان شده است، الفاظ قرآن به تنهایی برای رسیدن به آن‌ها کافی نیست و لازم است به اسرار و رموز قرآن آگاهی داشت و این آگاهی تنها در اختیار اهل بیت (ع) می‌باشد و هیچ انسانی بدون کمک اهل بیت (ع) نمی‌تواند بدان دست یابد. از این رو،

۱. امام باقر علیه السلام: «دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَصْحَابَهُ بِمِئَةِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنَّ تَمَسَّكُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷ ش)
۲. امام کاظم علیه السلام: «مَبْلَغُ عَلْمِنَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ مَاضٍ وَ غَائِبٍ وَ حَادِثٍ فَأَمَّا الْمَاضِي فَمُفَسَّرٌ وَ أَمَّا الْغَائِبُ فَمَزْمُورٌ وَ أَمَّا الْحَادِثُ فَقَدْ فِى الْقُلُوبِ وَ نَفْسٍ فِي الْأَسْمَاعِ وَ هُوَ أَفْضَلُ عَلَيْنَا وَ لَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا». (همان)

۳. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ ع أُعْطِيَ حَرْفَيْنِ كَأَن يَعْمَلَ بِهِمَا وَ أُعْطِيَ مُوسَى أَرْبَعَةَ حُرُوفٍ وَ أُعْطِيَ إِبْرَاهِيمَ ثَمَانِيَةَ أَحْرُوفٍ وَ أُعْطِيَ نُوحٌ خَمْسَةَ عَشَرَ حَرْفًا وَ أُعْطِيَ آدَمُ خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِمُحَمَّدٍ (ص)، وَ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ ثَلَاثَةٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ (ص) اثْنَيْ عَشَرَ حَرْفًا وَ مَجِبَ عَنْهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ». (همان)



نمی‌توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره‌گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می‌بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد.

۳- مفهوم‌شناسی «دانشگاه اسلامی»

واضح است که جامعه اسلامی به دانشگاه به عنوان محلی برای کسب علوم و تخصص‌های مورد نیاز برای اداره جامعه نیازمند است؛ اما آن چه مهم است این است که دانشگاه در جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که در چارچوب احکام اسلام و اهداف و تقویت جامعه اسلامی حرکت کند. اولین قدم در مسیر رسیدن به این هدف آن است که ویژگی‌های دانشگاه اسلامی را بشناسیم. نگاه اسلامی داشتن به علم، توجه به خودسازی و تزکیه، احساس مسئولیت داشتن نسبت به جامعه و امت اسلامی، از نگاه امام خمینی (ره) (احمدی فشارکی، ۱۳۸۷: هـ) و نیز اهتمام به تولید علم از سوی مقام معظم رهبری^۱ (مدظله‌العالی) را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه اسلامی برشمرد.

۳-۱- ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش

اولین ویژگی مهم دانشگاه اسلامی این است که نگاهی اسلامی به علم و تخصص داشته باشد. اسلام همواره انسان را از جهل بازداشته و او را به کسب علم و دانش تشویق نموده است. و برای عالمان و دانشمندان احترام ویژه‌ای قائل است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ لِيَنْتَفِعَ بِهِ وَ يُعَلِّمَهُ غَيْرَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عِبَادَةَ أَلْفِ سَنَةٍ صِيَامَهَا وَ قِيَامَهَا وَ حَفَّتُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِ طُيُورُ السَّمَاءِ وَ حَيْتَانُ الْبَحْرِ وَ دَوَابُّ الْبَرِّ وَ أُنزِلَ اللَّهُ مَنزِلَةً سَبْعِينَ صَدِيقاً وَ كَانَ خَيْراً لَهُ مِنْ : أَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا كُلُّهَا لَهُ فَجَعَلَهَا فِي الْأَجْرَةِ: کسی که از خانه‌اش بیرون رود برای اینکه مطلبی از علم و دانش را طلب نموده و بدست آورد تا بآن نفع و سود برد و آن را به دیگری یاد دهد خدا برای او می‌نویسد به هر فاصله و میان دو گام (ثواب و پاداش) عبادت و بندگی روزه و نماز هزار سال راه، و فرشتگان او را با بالهای خود می‌پوشانند (او را از بلاها و پیش آمدهای بد حفظ و نگهداری می‌نمایند) و پرنده‌های آسمان و ماهیان دریا و جاندارهای بیابان بر او درود می‌فرستند (به زبان خودشان از خدای تعالی خیر و نیکی برای او خواهند) و خدا مقام و منزلت هفتاد (مؤمن) صدیق و بسیار راستگو (که در گفتار و کردار پیغمبران را تصدیق نموده‌اند) به او عطاء می‌فرماید و می‌بخشد، و آن برای او بهتر است از اینکه همه دنیا برای او بوده باشد تا آن را برای آخرت و سرای دیگر قرار دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷).

علم آموزی در فرهنگ اسلامی و سیره پیامبر اعظم (ص) اختصاص به جنس و مکان خاصی ندارد؛ بر مردان و زنان واجب است که در مسیر علم قدم برداشته حتی اگر در مکان‌های دور و غیر اسلامی باشد: پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «اطلبوا العلم ولو بالبعير؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ: دانش را فرا

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۱/۲۹. البته ایشان از سال ۸۵ تا سال ۹۱ در سخنرانی‌های مختلف به این مطلب پرداخته‌اند.

گیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ص ۱۱).
به همین دلیل، خداوند جویندگان علم را دوست دارد؛ پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُعَاةَ الْعِلْمِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰)؛ همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است: دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه صبح کند و رفت و آمدش در یکی از این دو حالت باشد: یا استاد یا محصل (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴).

۳-۲- اهمیت علم به تولید علم بعنوان ابزار مهم قدرت نرم

منظور از قدرت نرم، جذابیت‌های موجود در یک فرهنگ و تمدن است. این جذابیت‌ها موجب می‌شود که انسان‌ها به سوی آن فرهنگ، متمایل شوند. از این رو به آن قدرت نرم می‌گویند.

امروزه، علم و تکنولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار قدرت نرم است. امام علی (ع) فرمودند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ؛ دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد بر او یورش برند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹).

انسان عالم و دانشمند نیز دارای چنین قدرتی خواهد بود و مردم را به سوی خویش متمایل می‌سازد. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «مَنْ عِلْمٌ شَخْصًا مَسْأَلَةً فَقَدْ مَلَكَ رَقَبَتَهُ فَعَيْلٌ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْبِعُهُ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَا مُرَّةُ وَ يَثْبَاهُ؛ کسی که به شخصی مسئله‌ای یاد بدهد مالک او می‌شود. عرض کردند یا رسول الله! یعنی می‌تواند او را بفروشد؟ فرمود: نه، ولیکن می‌تواند به او امر و نهی کند و دستور و فرمان بدهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴)؛ به همین دلیل است که فرهنگ یک جامعه تحت تأثیر مستقیم دانشگاه و دانشگاهیان قرار دارد. پس اگر جامعه‌ای از نظر علم و فن آوری، پیشرفته باشد برای سایر ملت‌ها دارای جذابیت خواهد بود؛ از این رو به راحتی می‌تواند از این قدرت، حسن استفاده و یا سوء استفاده نماید؛ همانطور که حکومت‌های استکباری از این قدرت در جهت استثمار و استعمار کشورهای ضعیف استفاده می‌کنند.
در نتیجه، یکی دیگر از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، تولید علم و دستیابی به قله‌های برتر فن آوری و تکنولوژی است، تا از این طریق جامعه خویش را هم از بردگی استکبار نجات دهد و هم سایر ملت‌های ضعیف را نجات دهد.

۳-۳- توجه به اهمیت تزکیه و خودسازی

سیاست مهم اسلام در ارتباط با دیگران، «ظلم نکردن و زیر بار ظلم نرفتن» است (بقره/۲۷۹). پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلَمَ أَوْ أَظْلَمَ: خدایا به تو پناه می‌برم از این که ظلم کنم و یا مورد ظلم قرار گیرم» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۵۵). از این رو، دانشگاه اسلامی نیز می‌بایست این سیاست را در تمام مراحل علم‌آموزی، تعلیم، دستیابی به فن آوری و تکنولوژی، مدنظر داشته باشد.

هر انسان دانشمندی دارای قدرت است؛ اما حسن استفاده و یا سوء استفاده کردن از این قدرت به تقوا، اعتقاد و تعهد آن دانشمند برمی‌گردد. دانشمندی می‌تواند از قدرت علم خویش در جهت خدمت به مردم و کسب رضایت خدا و جذب مردم به اسلام استفاده نماید که پیش از دستیابی به علم و یا همزمان با آن، خود را تزکیه کرده باشد و نسبت به دنیا و مقام‌های دنیایی، بی‌رغبت باشد.

به همین دلیل است که اسلام، عالمی را تمجید و تحسین می‌کند که تلاش علمی خویش را برای خدا و جلب رضایت خدا مصروف دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر که دانش را برای خدا بیاموزد، به



هیچ بابی از آن نرسد مگر این که بیش از پیش، خود را حقیرتر بیند، با مردم افتاده‌تر شود، ترسش از خدا بیشتر گردد و در دین کوشاتر شود. چنین کسی از علم بهره‌مند می‌شود. پس باید آن را بیاموزد. اما کسی که دانش را برای دنیا و منزلت یافتن نزد مردم و موقعیت یافتن نزد سلطان و حاکم فرا گیرد به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که خود بزرگ بین‌تر شود و بر مردم بیشتر بزرگی فروشد و از خدا بیشتر غافل شود و از دین بیشتر فاصله گیرد. چنین کسی از دانش سود نمی‌برد؛ بنابراین باید (از تحصیل دانش) خودداری ورزد و علیه خود حجت، پشیمانی و رسوایی در روز قیامت فراهم نیاورد» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱).

در نتیجه، یکی دیگر از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی آن است که به تزکیه و خودسازی دانشجو و استاد اهمیت دهد و فضای دانشگاه به گونه‌ای باشد که انسان بتواند در مسیر تزکیه و خودسازی رشد نماید. برای رسیدن به این هدف، ضمن بهره‌گیری از متون دینی و اساتید اخلاق، برگزاری دوره‌های آشنایی با قرآن و نهج البلاغه، احیای امر به معروف و نهی از منکر، لازم است مضرات عالم و دانشمند بی‌تقوا و بی‌تعهد به ایشان یادآوری شود و با معرفی اساتید و دانشجویان متعهد و باتقوا، الگوهای عملی را به دانشجو و استاد ارائه نمود تا دانشجو و استاد بتواند با تأسی به آنها در این مسیر قدم بردارد و رشد نماید.

۳-۴- احساس مسئولیت داشتن نسبت به امت اسلام

توجه و اهتمام به امور مسلمین در سیره پیامبر اسلام (ص) بسیار مهم و با اهمیت است تا آن جا که می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» هر کسی صبح کند و به امور مسلمین، اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳).

این کلام نسبت به همه مسلمان عمومیت دارد و دانشجویان و اساتید را نیز شامل می‌گردد؛ بنابراین دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که به نیاز امت اسلامی و به خصوص جامعه خویش توجه داشته باشد و با تلاش و مجاهدت در مسیر خودکفایی و رفع نیازهای آنان حرکت نماید. این موضوع برای دانشگاه‌های پزشکی که مسئول نظارت و هدایت بیمارستانها و بهداشت عمومی مردم بصورت مستقیم هستند و اقشار مختلف مردم به صورت مستقیم به این بخش‌ها مراجعه می‌کنند پرننگ‌تر است.

۴- بحث:

هدف از نزول قرآن با توجه به احادیث نقل شده از ائمه اطهار (ع) در بخش دوم مقاله و آیات صریح قرآن، هدایت بشر به سوی سعادت است و وظیفه ائمه اطهار (ع) برای تبیین قرآن در این راستا و چارچوب تعریف می‌شود. بنابراین وقتی قرآن وجوه مختلف هدایت را بیان می‌کند برای روشن شدن بعضی از مباحث در راستای هدایت انسان مثالهایی از طبیعت را می‌آورد، چون فرستنده قرآن خالق جهان است بنابراین مثالها منطبق بر واقعیت است و این چیز عجیبی نیست اما هدف آن آیه یا سوره مطرح کردن یک بحث علمی در زمینه پزشکی نیست زیرا واضح است که با گذشت زمان در هر رشته چنان رشد و پیشرفت صورت خواهد گرفت و حقایق هستی آنقدر عمیق و وسیع است که در هر موضوع علمی صدها رشته و تخصص خارج خواهد شد و هزاران کتاب به رشته تحریر در می‌آید که باز هم در مجموع قطره‌ای از دریای بی‌کران دانش الهی خواهد بود که بخشی از آن بصورت این جهان‌ظهور یافته است.

قرآن در حقیقت کتاب پیامبر برون است که ضرورتی در ورود به حوزه فعالیت پیامبر درون که همان عقل است در خود نمی‌بیند و در حقیقت کامل کننده عقل در زمینه‌هایی است که عقل قادر به ورود در آن نیست. در واقع وقتی که سخنران و واعظ دینی شروع به وعظ و خطابه می‌کند و از احادیث و روایات به منظور آشنایی مستمعین با اسلام استفاده می‌نماید ممکن است از مثالهای مربوط به پزشکی نیز برای تفهیم بحث استفاده نماید. آیا می‌توان چنین استنتاج کرد که شخص در حال بیان و تبیین مسائل مرتبط با علوم پزشکی است و از نظر میزان تسلط وی بر مسایل پزشکی او را مورد ارزیابی قرار دهیم؟

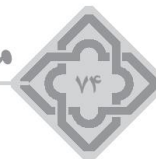
این موضوع درباره ائمه اطهار(ع) و توصیه‌های پزشکی آنان نیز صادق است، به عبارت دیگر ممکن است در مورد بعضی از موارد از توصیه‌های پزشکی که از ائمه اطهار(ع) رسیده استفاده نمود اما به این معنا نیست که طیف بسیار وسیعی از بیماری‌ها را بدون در نظر گرفتن دانش امروزی و پیشرفت وسایل پزشکی کنار گذاشته و در صدد استخراج درمان تمام بیماری‌ها از متون اسلامی و احادیث محدود رسیده از ائمه اطهار(ع) باشیم.

هر چند این نکته قابل انکار نیست که از اشاراتی که در قرآن و احادیث آمده می‌توان استفاده نمود و مسیر تحقیق و پژوهش را بهتر پیمود که سرفرازی دانشمندان مسلمان باعث عزت اسلام خواهد شد، همان‌طوری که دانشمندان قرن‌های اول و دوم از علم ائمه اطهار(ع) استفاده می‌کردند و دانشمندان قرون بعدی از احادیثی که از ائمه اطهار(ع) رسیده بود استفاده کردند و با دانش، فعالیت و نبوغ خود جنبه‌های مختلف علوم را روشن نموده و باعث شکل‌گیری دوره‌ای شدند که در تاریخ مانند گوه‌ری می‌درخشد که باعث عزت اسلام و جهان اسلام است اما کم‌کاری کنونی و عقب ماندگی را باید جبران نمود. اگر اعتقاد ما این است که کتاب و معجزه هدایت در اختیار مسلمانان است، در سایه عمل به دین اسلام که منبعث از قرآن و عترت است باید یک جامعه پیشرفته بسازیم هر چند باید از اشارات و نکات رسیده از ائمه معصومین(ع) به عنوان یک منبع بی‌نقص به منظور برداشتن گام‌های بعدی استفاده نمود نه اینکه سعی در اثبات عدم نیاز به علوم جدید و راه‌های تشخیص و درمان بر پایه علوم جدید کنیم.

استفاده از تخصص و توانایی انسان‌ها در سیره پیامبر و امامان(ع) نیز دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه پیامبر اسلام(ص)، برای درمان زخم مجروحان جنگ از طیب و پرستار استفاده می‌فرمودند و یا برای درمان زخم سر مبارک امیرمؤمنان(ع)، طیب آورده شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۴). اگر قرار بود جایگاه یک دانشمند در حوزه درمان و پزشکی را برای ائمه اطهار(ع) قائل شویم ضرورتی نداشت که بر بالین امام(ع) پزشک آورده شود در حالی که امام دیگری در آنجا حاضر است که بر تمام علوم تسلط دارد.

آیا این نوع برخورد امامان معصوم(ع) حاکی از این نیست که شأن و فلسفه وجود امام را در جامعه به عنوان طیب و راهنمای معنوی جامعه و انسانها معرفی می‌کند و با تأکید و توصیه بر علم آموزی که احادیث بسیاری در این زمینه آمده؛ که به چندی از آن در بخش‌های قبل اشاره شده است، در صدد این نیست که در حوزه پزشکی نیز همانند علوم دیگر باید تدبیر و تحقیق شود و بر اساس تدبیر و تحقیق روشهای مختلف تشخیصی و درمانی خارج گردد.

بنابراین لازم است در جامعه اسلامی، تربیت نیروی متخصص در علوم مورد نیاز مورد توجه قرار گیرد. از



این رو دانشگاه و حوزه به عنوان دو مرکز مهم تولید علم و تربیت نیروهای متخصص می‌بایست به طور جدی مورد حمایت و دقت نظر قرار داشته باشد. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: «قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان‌طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می‌خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است چون دانشگاه مرکز همه چیز، حتی تشکیل دولت است و باید این مسأله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

از نظر اسلام، فعل و عملی از جانب خداوند کاملاً پسندیده و قابل تأیید است که شخص مسلمان نیت انجام عمل درست و صادقی داشته باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: کاری که ذره‌ای در آن ریا باشد مورد قبول خداوند قرار نمی‌گیرد (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۰).

به نظر می‌رسد از نظر اسلامی شخصی مذهبی و مؤمن محسوب می‌شود که کردار و رفتارش برگرفته و هم‌راستا با آموزه‌های اسلامی باشد. به عنوان مثال کارگری که نماز اول وقت را بجا می‌آورد و در ماه رمضان روزه می‌گیرد و کارش را به نحو احسن انجام می‌دهد، کارش نیز به منزله یک عمل عبادی محسوب شده و مستحق پاداش است در حالی که وی به منظور کسب معاش دست به آن کار زده است. این شخص مطمئناً از دید پروردگار یکتا مشابه شخص دیگری که کارش را صحیح و درست انجام می‌دهد تا با جلب اعتماد مشتری و رونق در کار منافع بیشتری کسب نماید یکسان نخواهد بود.

زیرا داشتن نیت درست و انجام کار به قصد قربت الی الله باعث رشد و تعالی فرد و جامعه خواهد شد. بعضاً مغالطه‌ای صورت می‌گیرد که شخص نماز خوانی که کارش را درست انجام نمی‌دهد و غش در کار دارد با شخص کافری که کارش را درست انجام می‌دهد مقایسه می‌گردد در حالی که اسلام به نیت عمل نیز اهمیت می‌دهد چه برسد به انجام صحیح عمل که در سیره پیامبر (ص) انجام درست عمل بسیار تأکید شده است که خداوند دوست دارد انسان کار را درست و کامل انجام دهد (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۶: ۳۸۵). بنابراین بحث انجام درست عمل و عمل به وظیفه برای دانشگاه اسلامی و خروجی از این دانشگاه‌ها به طریق اولی مطرح خواهد بود در نتیجه دانشگاهی، دانشگاه اسلامی تلقی می‌شود که:

اولاً رسالت خود را بطور کامل به انجام برساند، یعنی اگر رسالت و وظیفه دانشگاه خلق دانش و تولید علم است این وظیفه به نحو احسن باید تحقق یابد. هنگامی که سعدبن معاذ فوت کرد و خبر به پیامبر (ص) رسید بعد از انجام مقدمات تشییع جنازه و غسل و کفن، پیامبر (ص) شخصاً خشت و لحدها را محکم و با دقت چید و پس از اتمام کار فرمودند: «إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَبْلَى وَيَصِلُ الْبَلَى إِلَيْهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» من می‌دانم که این گور (و لحد آن) فرسوده می‌شود و می‌پوسد، لیکن خدا بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، محکم کاری کند، و آن را درست و استوار به انجام برساند (و سرسری نگیرد، و از سر وانکند) (همان منبع)؛

ثانیاً ضوابط حاکم بر دانشگاه در تناقض با احکام اسلامی نباشد؛

ثالثاً: فضای دانشگاه و قوانین و دروس به نحوی باشد که علاوه بر افزایش سطوح علمی - تخصصی دانشجویان، آگاهی‌ها و شناخت آن‌ها نسبت به اسلام و پایبندی به احکام شریعت بیشتر شود.

یعنی پزشکی که در دانشگاه اسلامی تربیت شده و وارد اجتماع می‌شود، شخصی خواهد بود که علاوه بر

وجدان کاری بالا، از دانش و تخصص مناسب برخوردار است و در امر طبابت حاذق خواهد بود علاوه بر آن آگاهی و پایداری فارغ التحصیل نیز به اسلام و رعایت حدود الهی بیشتر خواهد شد. آگاهی و شناخت نسبت به احکام دین و حدود الهی و پایداری عملی به آن در هنگام فارغ التحصیلی نسبت به بدو ورود به دانشگاه بیشتر باشد.

بنابراین دانشگاهی که خود را ملزم به تربیت چنین پزشکی می کند نیاز دارد:

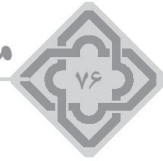
الف: بستری آماده کند که بطور مدام دانشجویان و اساتید را ترغیب به آشنایی با علوم روز دنیا و تشویق به امر تحقیق و پژوهش کند؛

ب: مکانیزمی را نیز در پیش گیرد که اگر در بعضی از مباحث علمی که با احکام شرع ممکن است در تضاد باشد بطور منفعلانه برخورد نکند و بدون چون و چرا تأیید یا تکذیب نکند. به عنوان مثال اگر تصور می شود بر پایه یافته‌های یک پژوهش خوردن شراب برای بهبودی یک بیماری خاص مؤثر می داند بر پایه این دانش که می دانیم از معصوم نقل شده که خداوند شفا را در حرام قرار نداده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۳) به درمان جایگزین و تحقیق بیشتر در شفا بخشی تجویز صورت گرفته پردازد و نه کاملاً خشک که بخشی از علوم و فنون را طرد و رها کند که می تواند با تعامل مناسب با پژوهشکده‌های اسلامی و دینی موارد و احکام مستحدثه را به شور گذارده و طوری در جامعه پزشکی یا دانشگاهی مطرح و اجرا کند که تناقض‌ها به شیوه‌ای مناسب بر طرف گردد؛ مانند بحث‌های مربوط به تولید اجزاء بدن از طریق سلول‌های بنیادی و مسائل مرتبط با آن که غیر از شیعه، اهل سنت و کلیسا کاتولیک هم کاملاً ورود به این مبحث را حرام اعلام کرده و آن را طرد کرده اند.

به عبارت دیگر دانشگاه اسلامی علاوه بر اینکه دغدغه دریافت علوم روز را دارد از طرف دیگر نیم نگاهی نیز به اسلام و شریعت دارد. و فضایی را در دانشگاه طراحی می کنند علاوه بر کاهش حداقلی حرکات و رفتارهای ضد دینی نشاط روحی روانی در امر پژوهش و تحصیل نیز در اوج و حداکثر باشد. حدیثی از امام علی (ع) آمده است که کسی که تخصص دارد و دین دار نیست و کسی که دین دارد و اما تخصص ندارد نفع هر دو به جامعه اسلامی کم است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۹۶).

نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده می توان بیان کرد قرآن کتاب هدایت است پس قطعاً هر آن چه برای هدایت انسان‌ها مورد نیاز است در آن تبیین شده است و لزومی برای ورود به امور و علوم دیگری برای آن وجود ندارد. از طرفی با آنکه پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) حامل تمام علوم بودند و علم خود را نیز منبعث از قرآن کریم می دانستند، همواره تأکید بر علم آموزی داشته و حتی در امور پزشکی نیز از طبیب بهره می بردند. از این رو نمی توان انتظار داشت که جامعه اسلامی بدون بهره‌گیری از توان علم و تخصص، صرفاً به آیات و روایات اکتفا نماید؛ بلکه می بایست در جهت تربیت نیروهای متخصص حرکت کند تا از این طریق بتواند نیازهای اجتماعی خویش را برطرف سازد. همانطوری که می دانیم یکی از مراکز مهم و مؤثر در تولید علم دانشگاه است.



پس باید دانشگاه در جامعه اسلامی نیز هم‌راستا با اهداف اسلام در تربیت جامعه عمل نماید. به منظور فراهم شدن این مهم دانشگاه اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی باشد، برخی از مهمترین آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از ایجاد شوق و انگیزه در جهت کسب دانش، اهتمام به تولید علم به عنوان ابزار مهم قدرت نرم، توجه به اهمیت تزکیه و خودسازی و همچنین احساس مسئولیت داشتن نسبت به امت اسلام اشاره نمود، که در غیر این صورت وجود دانشگاه در یک کشور اسلامی، دانشگاه اسلامی نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ۱۰ جلد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلدی، چاپ چهارم، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). الأمالی (للصدوق)، تهران، چاپ ششم، کتابچی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)؛ زاد المسیر فی علم التفسیر، محقق: المهدی عبدالرزاق، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، ۱۵ جلدی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر.
- احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۸۷). تبیان دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)، چاپ ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، محقق: محمد جمیل صدقی، بیروت، دارالفکر.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه قم، تهران، بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق). المحاسن، محقق: جلال الدین محدث، ۲ جلدی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- حسینی، شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دارالکتاب العربی.
- شبر، سید عبد الله (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت دار، البلاغه للطباعه و النشر.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، محقق: کوچه باغی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی



- جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأمالی (للطوسی)، قم، دار الثقافة.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ۲ جلد، قم، انتشارات رضی.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، ۹ جلدی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- قمی، مشهدی محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره) (۱۳۷۹ش). صحیفه امام، ۲۲ جلدی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



روش‌شناسی تحقیق موضوعی در قرآن کریم برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای

سعید مسعودی پور*: دانشجوی دکتری، گروه بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
مهدی سپهری: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۸-۷۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۴

چکیده

یکی از خلأهای موجود در مسیر تولید علوم انسانی-اسلامی رامی‌توان فقدان روش‌های تحقیق کاربردی دانست که از مبانی صحیحی برخوردار باشند. با توجه به این که یکی از منابع مهم نقل پژوهی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای، قرآن کریم می‌باشد لذا لازم است روش پژوهش برای تحقیقات موضوعی در قرآن تبیین شود. بر این اساس در نوشتار حاضر تلاش شد تا روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن که به عنوان بهترین شیوه تفسیر قرآن کریم شناخته می‌شود برای این نیاز ارائه شود. در ابتدا به تبیین مبانی روش تحقیق پرداخته شد و بحث‌های مبانی در خصوص تعریف دین، نسبت میان عقل و نقل به عنوان اجزای دین، نسبت میان کتاب و سنت به عنوان اجزای نقل، دامنه نقل، رابطه میان مسایل علوم انسانی-اسلامی و علوم انسانی متعارف و... ارائه شد. یکی از غفلت‌هایی که در حوزه نقل پژوهی وجود دارد عدم برقراری تناسب میان دامنه معارف نقلی و مسایل مورد پژوهش است. این امر باعث می‌شود تا موضوعی که خارج از دامنه نقل قرار دارد بی‌جهت بر آن عرضه شود. در نهایت با بیان برخی از این نکات مهم در مواجهه با نقل، الگویی کاربردی که از هشت گام تشکیل می‌شود برای پژوهش موضوعی در قرآن کریم ارائه گردید.

کلمات کلیدی: روش تحقیق؛ تحقیق موضوعی؛ تدبر در قرآن کریم؛ تفسیر قرآن به قرآن؛ دامنه نقل



۱- مقدمه

به طور کلی مطالعات اسلامی به واسطه حساسیت‌ها و ویژگی‌های آن، دقت نظر و توجهات خاصی را از جانب محقق می‌طلبد تا سعی نماید آنچه را که در سرانجام پژوهش به دین نسبت می‌دهد، امری متقن و سدید باشد. اما این گونه حساسیت‌ها نسبت به مطالعات تجربی و علمی کمتر است؛ چرا که «موضوع پژوهش‌های دینی، واقعیت‌ها و بایدهای ارزشی است که همه یا اکثراً واجد بار ارزشی‌اند و نسبت به سعادت انسان، موضع نفی و اثبات دارند. از این رو پژوهش‌های دینی از حساسیت خاصی برخوردارند؛ زیرا نتایج آنها به طور مستقیم با سرنوشت نهایی انسان‌ها و سعادت و کمال او در ارتباط است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸).

با توجه به نکته فوق، می‌توان یکی از خلأهای موجود در مسیر تولید علم در حوزه علوم انسانی - اسلامی و تحقیقات میان‌رشته‌ای قرآنی را فقدان روش‌های تحقیق دانست به گونه‌ای که محقق بتواند بر اساس الگویی کاربردی که از مبانی محکمی نیز برخوردار باشد به پاسخی متقن از متون دینی در خصوص سؤال خویش دست یابد. روش‌های تحقیق در مطالعات علوم انسانی - اسلامی باید این ظرفیت را داشته باشند که تنها منفعلانه در صدد بررسی موضوعات و مسایل برگرفته از علوم انسانی متعارف نباشند و بتوانند در نگاهی فعالانه به موضوعات بدیعی که در معارف ناب اسلامی وجود دارد، پرداخته و آنها در قالب نظریه ارائه دهند.

از آنجا که قرآن کریم اصلی‌ترین منبع دین می‌باشد، لازم است روش‌های تحقیق در قرآن تبیین و طراحی گردند. نوشتار حاضر تلاشی است برای پاسخ به این نیاز مبنایی که در دو قسمت اصلی ارائه می‌شود؛ نخست مبنای روش‌شناسی تحقیق است که این امر مستلزم طرح مباحثی چون تعریف دین، نسبت میان عقل و نقل، نسبت میان کتاب و سنت و ... است. پس از منقح شدن مبنای روش تحقیق، در بخش دوم الگویی کاربردی از روش تحقیق موضوعی در قرآن که بر مبنای رویکرد تفسیری قرآن به قرآن است، ارائه خواهد شد. روش ارائه شده در این نوشتار به پژوهشگران علوم انسانی کمک خواهد کرد تا به صورت روش‌مند به تحقیقات میان‌رشته‌ای و اسلامی بپردازند.

در خصوص پیشینه تحقیقات انجام شده می‌توان به مواردی اشاره کرد: پاکتچی (۱۳۹۱) در اثر خود، انواع و رویکردهای روش‌شناسی را ارائه کرده است ولی به صورت مشخص و کاربردی به شناخت یک موضوع در متون نقلی نپرداخته است. علم‌الهدی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش خود، متمرکز بر مبنای اسلامی روش تحقیق بوده است. نجات بخش و باقری (۱۳۸۸) نیز پیش از آن که در صدد بنای یک روش تحقیق کاربردی برای تحقیق در متون نقلی باشند، به دنبال مقایسه تطبیقی روش تحقیق در مدیریت اسلامی و روش تحقیق در مدیریت متعارف بوده‌اند. همچنین لطیفی (۱۳۹۰) در تحقیقی به شناسایی راهبردهای کلی در حوزه تحقیق در مدیریت اسلامی پرداخته است. جدی‌ترین و مرتبط‌ترین پژوهش انجام شده، مربوط به لسانی و مرادی (۱۳۹۲) است که به صورت گام به گام و کاربردی یک روش تحقیق در قرآن را ارائه کرده است. اشکال جدی این پژوهش عدم تنقیح کامل مبنای روش‌شناسی تحقیق و همچنین عدم توجه به متون روایی و نقش آن در تکمیل تحقیقات قرآنی است.

۲- تعریف دین

در ابتدا مروری اجمالی بر چیستی دین صورت گرفته تا در پرتو آن ضمن شناخت اجزای آن، مشخص شود که

رابطه میان روش تحقیق موضوعی در قرآن با موضوع عام دین پژوهی چگونه است. تعاریف متعددی از دین اشاره شده است. آیت‌الله جوادی آملی دین را این گونه تعریف می‌کنند: «دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸). علامه جعفری دین را این گونه تعریف کرده‌اند: «دین مجموعه از هست‌ها و باید‌های مستند به خداوند است که از طریق وحی و سنت معصومین (ع) برای هدایت انسان‌ها ظهور یافته است» (جعفری، ۱۳۷۵: ۱۷). با توجه به تعاریف بالا، مهم‌ترین کارکرد دین رسیدن به سعادت در پرتو هدایت انسان است. دین را می‌توان از دو بعد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مورد بررسی قرار داد. بعد هستی‌شناسی دین از منشأ پیدایش دین سؤال می‌کند و پاسخ آن است که دین مخلوق اراده و علم ازلی خداوند است و هیچ عامل دیگری جز خدای سبحان در تدوین محتوای آن سهمی ندارد. در بعد معرفت‌شناختی دین، پرسش آن است که بشر از کجا و به چه طریق علم به محتوای دین پیدا می‌کند و می‌فهمد که به چه عقیده‌ای جزء دین و چه قانون و حکمی داخل در مجموعه آن است؟ (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۴) در نگاه دیگر می‌توان منابع دین را به دو دسته تقسیم کرد: منبع ثبوتی و منبع اثباتی. «منبع ثبوتی دین و احکام الهی، فقط اراده ذات اقدس خداست؛ اما منبع اثباتی دین که با آن اراده خدا کشف می‌شود چهار مورد است: کتاب، سنت، اجماع و عقل که بازگشت این چهار منبع به دو منبع است؛ زیرا اجماع، ذاتاً منبع اثباتی مستقل نیست، یعنی این طور نیست که اگر متفکران اسلامی در چیزی اتفاق کردند، صرف اتفاق آرای آنان حق و کاشف احکام الهی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸۰). در بعد معرفت‌شناختی دین با دو موضوع عقل و نقل مواجه هستیم که نقل خود از دو جزء تشکیل شده است: قرآن و حدیث.

۳- نسبت میان عقل و نقل

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود نسبت و رابطه‌ای است که میان دو حوزه عقل و نقل به عنوان اجزای شناخت دین، قرآن و حدیث به عنوان اجزای تشکیل دهنده نقل وجود دارد. در رابطه میان عقل و نقل باید گفت که: «عقل در عرض نقل، حجت و معتبر است و جانب معرفت‌شناختی دین را تحت سلطه و اشراف وحی تأمین می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۰). همان گونه که آنچه نقل به عنوان مدرک، درک می‌کند حجیت دارد؛ عقل نیز چنین توانایی و ظرفیتی را دارد که کاشف از حقیقت دین باشد. بر این مبنا اشکالات و شبهاتی مبنی بر تعارض علم و دین به خودی خود رفع خواهد شد. «منشأ این توهم آن است که حوزه دین را به نقل محدود کرده و عقل را از چارچوب معرفت دینی خارج بدانیم. در این صورت تنها آنچه از ادله نقلی فهمیده می‌شود داخل در هندسه معرفت دینی بوده و آنچه توسط عقل حسی یا تجربی یا عقل تجریدی به دست آید معرفت علمی و فلسفی و بی‌ارتباط با حوزه دین محسوب می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)¹.

۱. البته در خصوص جایگاه و نقشی که عقل می‌تواند در شناخت دین داشته باشد، نظرات متفاوتی وجود دارد که رویکرد افراطی آن را به مثابه میزان، رویکرد تفریطانه آن را به مثابه مفتاح و رویکرد میانه آن را به مثابه مصباح می‌داند. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵۱ و ۵۲)



۴- نسبت میان کتاب و سنت

نکته بعدی که در مبانی روش تحقیق باید به آن توجه شود، نسبت میان کتاب و سنت است. بررسی نسبت و رابطه میان قرآن و روایات از این جهت مهم است که نحوه مواجهه ما با منابع نقل را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر بر مبنای نحوه ارتباط و وابستگی میان اجزای نقل، روش تحقیق بنا می‌گردد. به طور کلی رابطه میان کتاب و حدیث در طول تاریخ اسلام تا به امروز را در چهار دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:^۱ (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴).

۱. اصالت قرآن و نفی حجیت حدیث؛

۲. اصالت حدیث و نفی حجیت ظواهر قرآن؛

۳. اصالت قرآن و حدیث؛

۴. اصالت قرآن و حجیت حدیث.

در ادامه به توضیح مختصر هر یک از چهار دیدگاه پرداخته شده و مشخص خواهد شد که مبنا قرار دادن هر رویکرد چه تأثیری در روش تحقیق موضوعی خواهد گذاشت.

۴-۱- اصالت قرآن و نفی حجیت حدیث

این دیدگاه که آن را می‌توان مترادف با قرآن‌محوری دانست به زمان بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) بر می‌گردد. «این دیدگاه نخستین بار توسط خلیفه دوم ابراز شد. وی هنگامی که رسول خدا (ص) قلم و کاغذ خواست تا وصیت کند، جمله حسبنا کتاب الله را بر زبان راند» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴). این تفکر ساده‌لوحانه منجر شد تا بسیاری از احادیث در قالب نوشتار برای نسل‌های بعد حفظ نگشته و آیندگان از برخی از معارف این چشمه زلال محروم گردند. بر اساس این مبنا، تمام معارف دین در حوزه نقل منحصر در معارف قرآن کریم می‌باشد.

۴-۲- اصالت حدیث و نفی حجیت ظواهر قرآن

«این دیدگاه را می‌توان به اخباری‌ها نسبت داد. آنان کوشیدند تا فهم قرآن را از غیر معصوم منتفی جلوه دهند که نتیجه‌اش اصالت بخشی به حدیث است» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۰). «اخباریان به استناد روایات متضافی که اهل بیت (ع) را به عنوان راسخان در علم و حاملان علوم قرآن معرفی کرده‌اند و با تکیه به روایاتی چون: «انما يعرف القرآن من خوطب به» مدعی شدند که قرآن نمی‌تواند برای ما آبشخور فهم دینی باشد. از این رو با حذف عقل و قرآن و نیز ارجاع به سنت، تنها منبع استخراج احکام نزد اخباریان، سنت خواهد بود» (نصیری، ۱۳۷۹: ۵۱).

در واقع بخش مهمی از دلایل اخباریان حاکی از قائل شدن شأن‌عظیم و فوق فهم بشری برای قرآن است؛ در حالی که در بسیاری از آیات قرآن، عامه مردم را به تفکر و تدبیر در آیات خویش دعوت می‌کند. ۲ بر اساس

۱. نصیری این چهار دیدگاه اساسی را این گونه بر می‌شمرد: «۱) قرآن‌محوری ۲) سنت‌محوری ۳) قرآن‌محوری و سنت‌مداری ۴) دوگانه‌محوری» (نصیری، ۱۳۷۹: ۴۴).

۲. از جمله می‌توان به حشر - ۲۱ جایه - ۱۳ روم ۸ اشاره کرد.

این مبنا چون ظواهر قرآن نمی‌تواند مبنای معرفتی برای انسان باشد، لذا تحقیق موضوعی در آن نیز محلی از اعراب نخواهد داشت.

۴-۳- اصالت قرآن و حدیث

این رویکرد که «دوگانه محوری» نیز نامیده می‌شود، روایات ۱ را در عرض قرآن می‌داند (نصیری، ۱۳۷۹: ۴۴). سنت در این دیدگاه به عنوان منبعی مستقل و در عرض قرآن مطرح است و به طرق گوناگون، ایفای نقش می‌کند. کوتاه سخن این که سنت، مفسر قرآن است و مفسر می‌تواند ناسخ، مخصص، مقید، حاکم یا وارد بر مفسر باشد. از نظر تاریخی نیز می‌توان گفت اکثر صاحب‌نظران فریقین طی سده‌های متمادی آن را پذیرفته و بر اساس آن به تحقیق و پژوهش در نقل پرداخته‌اند (نصیری، ۱۳۷۹: ۷۶). «طرفداران این نظریه چنین اعتقاد دارند^۱ برخی از آیات قرآن که میزان آن هم کم نیست، جز با حدیث قابل فهم نیست.^۲ آیات قرآن با حدیث نسخ می‌شود» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۴). «بر اساس این دیدگاه، سنت در عرض قرآن می‌تواند منبع اجتهاد و استنباط احکام فقهی و نیز مآخذ استخراج نظرگاه‌های قرآن در گزاره‌های کلامی، اخلاقی و فقهی باشد. در این دیدگاه نقش سنت، نقش تکمیلی^۳ خواهد بود» (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴۵).

۴-۴- اصالت قرآن و حجیت حدیث

بارزترین فردی که می‌توان این نظریه را به او نسبت داد علامه طباطبایی است. ایشان قرآن را به صورت مستقیم قابل فهم و درک می‌دانند. این نظریه بر دو رکن استوار است: اول آن که قرآن به صورت مستقل قابل فهم و تفسیر است و از این جهت وابسته و نیازمند به حدیث نیست؛ دیگر آن که حدیث حجیت دارد و در کنار قرآن در دین‌شناسی جایگاهی قابل توجه دارد (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۴). «کتاب خدا (قرآن) مآخذ اساسی هر گونه تفکر اسلامی است و اوست که مآخذ دیگر دینی را اعتبار و حجیت می‌دهد و از همین جهت باید برای همگان قابل فهم باشد. اما باید توجه داشت که قرآن کریم تنها کلیات آنها را متضمن است و روشن شدن تفصیلات آنها مانند احکام نماز، روزه، داد و ستد و سایر عبادات و معاملات به مراجعه سنت متوقف است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۵). «لب و جان دیدگاه ایشان این است که سنت، در طول قرآن است، نه در عرض آن. سنت، هم در اساس حجیت خود، و ام‌دار قرآن است و هم در محتوا به معارف بلند قرآن رهنمون بوده، از آن آبشخور گوارا مایه می‌گیرد» (نصیری، ۱۳۷۹: ۶۰).^۳

۱. با توجه به قرینه‌های لبی به نظر می‌رسد که منظور از روایات در این بحث و همین‌طور نظریه چهارم روایات تفسیری است. «روایات تفسیری، به آن دسته از روایات اطلاق می‌شود که به گونه‌ای در تبیین مفاد آیات قرآنی و مدالیل و مقاصد آنها دخالت دارند» (دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۴۴). چون روایاتی که متعرض موضوعات تجربی نظیر مسایل پزشکی و... می‌شوند، در اصل نسبتی با قرآن ندارند که بخوایم رابطه میان آن دو را بیان کنیم. لذا تنها روایاتی باقی می‌مانند که به نحوی سعی در تفسیر قرآن دارند. بنابراین مسئله در اینجا است که در خصوص این روایات تفسیری و قرآن کریم چگونه باید عمل کنیم؟

۲. به تعبیر دیگر «سنت، هم می‌تواند نقش تبیینی داشته باشد و هم می‌تواند با آوردن مطالبی نو و با قبض و بسط معارف قرآن، بر آن حکومت کند» (نصیری، ۱۳۷۹: ۷۶).

۳. البته قابل توجه است که «علامه سه دسته از آیات را از قاعده فوق استثنا کرده است: آیات درباره احکام، آیات مربوط به قصص



۵- دامنه معارف نقلی

بعد از مرور اجمالی بر مبانی اصلی نوبت به طرح این سؤال است که نقل به عنوان یک بال دین، تا کجا گسترده شده و آموزه‌های آن آیا تمام نیازهای بشری را در بر می‌گیرد یا این که حوزه آن محدود بوده و پاسخ به برخی از نیازهای انسان را می‌توان از نقل انتظار داشت؟ توجه به این نکته در اینجا لازم است که چون دین مجموع نقل و عقل معرفی شد، لذا دامنه دین^۱ از مجموع برآیند آن دو بدست می‌آید. مشخص کردن دامنه نقل می‌تواند نقشی مهم در مشخص کردن انتظار پژوهشگران داشته باشد تا بدانند در مواجهه با نقل باید به دنبال چه موضوعاتی باشند. چرا که اگر اثبات شود دامنه نقل به گستردگی تمام نیازهای مادی و معنوی بشر نیست در آن صورت توقع بی‌جایی است که هر موضوعی را بدون سنجش توانایی نقل در پاسخ به آن، بی‌درنگ به نقل عرضه کنیم. به نظر می‌رسد که توقع نابه‌جا از حوزه نقل می‌تواند دو آسیب احتمالی در نقل پژوهی به همراه داشته باشد:

۱- اگر موضوع پژوهش خارج از دامنه درست نقل تعریف شوند، معرفت بدست آمده نمی‌تواند اطمینان بخش باشد و چه بسا برداشت نادرست ما از نقل منجر به تولیدات علمی بی‌ارزش و بی‌فایده که به دین نسبت داده می‌شوند، گردد. ۲- آسیب دوم در خصوص سرخوردگی از دست‌یابی به نگاه نقل در حیطه موضوعاتی است که خارج از قلمرو و نقل قرار دارند. این امر می‌تواند برای ناظر خارجی که به ادعای فرد در خصوص قلمرو وسیع‌تر نقل از آنچه باید باشد و عدم توانایی وی برای تبیین موضوعاتی که در این حیطه قرار می‌گیرند محل اشکال و شبهه واقع شده و در نهایت این که در این نزاع ممکن است کارآمدی دین را به طور کلی زیر سؤال ببرد.

به طور کلی دو رویکرد عمده در خصوص دامنه معارف نقلی وجود دارد:

۱- از رویکرد نخست به رویکرد دایره‌المعارفی یاد می‌شود. «در رویکرد دایره‌المعارفی، با اشاره به جامعیت و کمال دین [یا به عبارت بهتر نقل]، دین حاوی همه حقایق هستی و پاسخگوی همه نیازهای آدمی و مبین قوانین ثابتی که علوم مختلف در جست و جوی آن‌ها هستند، دانسته می‌شود. بر اساس این دیدگاه، یا همه حقایق و امور علمی، اعم از کلیات و جزئیات، به طور صریح در متون دینی بیان شده است» (حسنی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۰). ۲- رویکرد دوم «دیدگاه گزیده‌گویی است که در این دیدگاه دین سخنی خاص (هدایت انسان به ساحت ربوبی) برای گفتن داشته که بشر نمی‌توانسته آن را از جای دیگری بشنود و این سخن را هم به شیوه‌ای روشن

و آیات درباره معاد. در این سه دسته، ایشان معتقد است که تفصیل آنها از خود قرآن به دست نمی‌آید و تنها راه دستیابی به آنها، روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است» (نصیری، ۱۳۷۹: ۶۷؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۹۰: ۶۶).

۱. بر اساس تعریف پذیرفته شده از دین که آن را مجموع نقل و عقل می‌داند، نزاع بر سر قلمرو دین بی‌معنی خواهد بود. چرا که در این صورت پاسخگویی به تمام نیازهای بشری را می‌توان از دین انتظار داشت و با این تعریف توقع دیگری را نمی‌توان فرض کرد. در جایی که عقل قدرت و توان ورود برای شناخت ندارد، نقل حضوری پررنگ و اثربخش دارد که موضوعات آن حیطه نقل را شکل می‌دهد. اما در موضوعاتی نظیر مسایل تجربی و علمی عقل وظیفه اصلی را بر عهده خواهد داشت؛ اگرچه نقل هم ورودی به این عرصه دارد. اما از آنجا که در تعیین قلمرو دین مجموع حیطه عقل و نقل محسوب خواهند شد، لذا به نظر می‌رسد که در این خصوص اختلاف‌رایی نباشد؛ اگر چه ممکن است حیطه بین نقل و عقل در نظرات مختلف پس و پیش شود، اما این امر تغییری در حیطه دین به وجود نخواهد آورد.

و مشخص بیان کرده و گاه نیز به اقتضای بیان آن غرض اصلی، به حقایق مختلف علمی هم اشاره کرده است. در این دیدگاه اگر کسی به غرضی جز غرض اصلی دین، دل سپرده باشد، با رجوع به قرآن نمی‌تواند از آن بهره کافی گیرد» (حسنی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۱ و ۹۲).^۱

نقد و بررسی دو دیدگاه فوق نیازمند بررسی ادله آنهاست. از جمله دلایلی که افراد گروه نخست بیان می‌کنند این است که «قرآن تبیان لکل شیء» است. بنابراین هر چیزی را می‌توان در آن تحقیق کرد مشروط به این که شخص محقق با آن شیئی که می‌خواهد آن را تحقیق کند، سروکار داشته باشد. برخی از موضوعات هستند که دستیابی به عنوان و کلیدواژه‌های آنها مستلزم اطلاعات خاصی است که در پرتو آنها شخص محقق ابتدا باید این قبیل اطلاعات را به هر طریقی که هست (مطالعه، مراجعه به کارشناس، تفکر و ...) باید به دست آورد، تا بتواند کلمات کلید تحقیق را تشخیص دهد. مثلاً کسی که می‌خواهد جایگاه ضبط صوت در قرآن را تحقیق کند، ابتدا باید آن را در داخل مجموعه‌های دیگری همچون اسباب منزل، وسایل الکترونیکی، رسانه و ... ببیند و با توجه به نوع استفاده، ورودی، خروجی، طرز کار و نوع ارتباطی که ضبط صوت با انسان دارد و ... رده موضوعی آن را تعیین نماید (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۹۲: ۴۱ و ۴۲).

به عبارت دیگر این گونه ادعا شده است که اگر محقق به درستی بتواند کلیدواژه‌های صحیح برای ورود به تحقیق موضوعی در قرآن را بدست آورد، صرف نظر از این که موضوع وی چیست، محقق قادر به تحقیق در مورد آن در قرآن است. برای تقریب ذهن فرض کنید «اگر یک پزشک کتابی در رابطه با علم پزشکی بنویسد و در آن امراض و علاج آن‌ها را بیان نماید و در مقدمه این کتاب بنویسد من همه چیز را در این کتاب گفته‌ام، در این صورت این معنا با ملاحظه حال و مقال و قراین مقامیه و ... تعیین می‌شود. لذا ظاهر حال متکلم این است که هر چیزی که با مسایل پزشکی مربوط می‌شود مراد است. لذا در این کتاب نباید به دنبال فرمول‌های ریاضی گشت» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۵).

بعد از دلایل سلبی در خصوص نظریه نخست در قلمرو دین، نوبت به بیان دلایل ایجابی در خصوص نظریه دوم است که قلمرو نقل را در حیطه هدایت می‌داند. یکی از بهترین طرق برای شناخت دامنه قرآن، رجوع به خود قرآن و بررسی دیدگاه آن در خصوص قلمرو خود است.

۵-۱ - دامنه معارف قرآن از دیدگاه قرآن

هدف قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، هدایت بشر است و قرآن در این زمینه جامعیت دارد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۴: ۱۳۶). قرآن کریم نیز در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. از جمله این آیات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره/۲)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ (جاثیه/۱۱)

۱. بحث تعیین قلمرو نقل در شکل دیگری مطرح شده است و آن دین حد اقلی و حد اکثری است که می‌توان دین حد اقلی را معادل رویکرد گزیده‌گویی و دیدگاه دین حد اکثری را با رویکرد دایره‌المعارفی یکسان دانست. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۳)



سایر آیاتی که در این زمینه می‌توان اشاره کرد عبارت است از: بقره آیات ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران آیه ۱۳۸، یونس آیه ۵۷، نحل آیات ۶۴، ۸۹ و ۱۰۲، نمل آیات ۱ و ۲، لقمان آیات ۲ و ۳، فصلت آیه ۴۴ و ... گذشته از این، دامنه معارف در چارچوب هدایت‌گری تنها منحصر به قرآن کریم به عنوان یکی از کتب آسمانی نیست. آیات قرآن کریم هدایت‌گری را صفت بارز و برجسته سایر کتب آسمانی معرفی می‌کند:

– وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (مائده/۴۶)

– ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَىٰ الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (انعام/۱۵۴)
 «از جمله دیگر آیاتی که به این موضوع پرداخته اند می‌توان به این آیات «مائده/۴۴، اسراء/۲، قصص/۴۳، سجده/۲۳، انعام/۹۱ و ...» اشاره کرد.

با توجه به این توضیحات می‌توان این گونه نتیجه گرفت که اساس هدف نزول تمام کتب آسمانی و الهی موضوع هدایت انسان بوده است. البته اگر ملاحظه می‌شود که به عنوان مثال برخی از آیات قرآن کریم متعرض موضوعاتی نظیر واقعیت‌های تجربی و علمی مثل چرخش زمین به دور خورشید، زوجیت در نباتات و ... می‌شود از این باب نبوده است که هدف قرآن پرداختن به این دست از موضوعات است؛ بلکه به تناسب آیات و بحثی که مطرح شده است شاهد مثالی از آفرینش ذکر می‌شده است تا خود این نیز باعث تفکر انسان در عالم خلقت و در نهایت هدایت او گردد. بعد از مشخص شدن دامنه معارف قرآن لازم است تأثیر دو دیدگاه اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث در دامنه نقل مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۲- تفاوت دو دیدگاه اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث در دامنه نقل

بر مبنای رابطه میان قرآن و حدیث همچنین توقع و انتظاری که از حدیث داریم، به بررسی حیظه و قلمرو حدیث باید پرداخت. در رویکرد سوم که اصالت را به قرآن و سنت می‌دهد، شناخت دامنه نقل از برآیند شناخت دامنه قرآن و شناخت دامنه سنت بدست خواهد آمد. چون فرض بر این است که سنت می‌تواند در کنار قرآن قرار گرفته و بر دامنه معارف نقلی بیفزاید. اما در رویکرد چهارم از آنجایی که اصالت با قرآن است و سنت تنها تبیین‌کننده و توضیح‌دهنده معارف قرآنی است و توانایی توسعه دامنه معارف نقلی را ندارد، لذا برای شناخت دامنه معارف نقلی در این رویکرد، بررسی دامنه معارفی که کتاب خدا ارائه می‌کند کافی است. بنابراین با توجه به رویکرد اصالت قرآن و حجیت حدیث، دامنه معارف نقل همان دامنه معارف قرآن خواهد بود و روایت نمی‌تواند آن را قبض و بسط دهد.^۱

۶- رابطه میان موضوعات و مسایل علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی متعارف

در این قسمت لازم است توضیحی در باب مسایل و موضوعات بین حوزه متعارف در علوم انسانی (مثل اقتصاد متعارف، مدیریت متعارف و ...) و مباحث حوزه علوم انسانی-اسلامی (مثل اقتصاد اسلامی، مدیریت اسلامی

۱. با توجه به این که رویکرد مختار این نوشتار، اصالت قرآن و حجیت حدیث است، دامنه نقل همان دامنه کتاب بوده و نگارنده را مستغنی از بررسی دامنه حدیث می‌کند.

و ...) بیان شود. به طور کلی می‌توان رابطه میان این دو را عموم و خصوص من وجه دانست. بدون این که بخواهیم حد و مرزی یا بزرگی و کوچکی برای هر یک از این حوزه‌ها تعیین کنیم، باید بگوییم که برخی از موضوعات در حیطه علوم انسانی متعارف وجود دارد که از منظر اسلامی به رسمیت شمرده نمی‌شوند که خارج از حیطه مسایل موضوعات اسلامی است. از سوی دیگر برخی از موضوعات وجود دارند که تنها در حیطه مسایل علوم انسانی - اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند.^۱ در این قسمت هدف بررسی رویکردهای غالب در مواجهه با نقل در هر یک از سه حیطه احصا شده در رابطه و نسبت میان موضوعات و مسایل علوم انسانی متعارف و علوم انسانی - اسلامی است.

از آنجا که در نقل پژوهی، پژوهشگر با متن مواجه است، لذا «در امر تفسیر متن و فهم معنا یا معانی یک متن لازم است میان سه سطح تمیز قائل شویم. از این سه سطح تحت عنوان‌های نطق (سخن متن)، استنطاق (سخن برآوردن از متن) و انطاق (سخن در آوردن در متن) یاد شده است (باقری، ۱۳۸۲: ۹۱). در سطح نطق «هم سؤال و هم جواب از سوی مؤلف یا متن مطرح می‌شود. با توجه به ویژگی‌های این سطح باید گفت معنای متن در این سطح از وضوح برخوردار است. در این سطح معنا آن چیزی است که مؤلف یا متن، در نظر دارد آن را به مخاطب انتقال دهد. از این رو در این سطح، این پرسش مطرح می‌شود که متن چه معنایی را انتقال می‌دهد؟ این پرسش حاکی از آن است که متن، معنای مشخصی را به صورت بالفعل انتقال می‌دهد.

در سطح دوم، تفسیر و تأویل با معنای پنهان، ضمنی و مبهم متن سر و کار دارد. در این حالت متن چون موجودی است که قابلیت‌های خاصی دارد. مفهوم قابلیت به خصیصه‌ای از یک موجود اشاره دارد که ظاهر و آشکار نیست، اما به صورت پنهان در آن ریشه دارد و در شرایط معینی آشکار می‌شود» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۲).

لذا اگر چه سؤال از طرف مخاطب است اما پاسخ از جانب متن خواهد بود و به عبارت دیگر مخاطب با طرح سؤال از متن سعی می‌کند آن را به نطق و سخن در آورد. این شیوه مواجهه با متن به این دلیل است که «یک متن ممکن است با سپری شدن زمان و ظهور شرایط زمانی و فرهنگی نوین، در برابر سؤال‌های جدیدی قرار گیرد که در زمان تدوین خود متن مطرح نبوده‌اند. در این سطح پرسش هرمنوتیکی چنین صورتی دارد: متن چه معنایی را می‌تواند انتقال دهد؟ این سؤال حاکی از آن است که متن، معنای معینی را به صورت بالقوه در خود داشته است و می‌تواند آن را انتقال دهد» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۳).

سطح سوم که انطاق نامیده می‌شود، تفسیری غیر واقعی از متن ارائه می‌کند. «در این سطح مخاطب است که

۱. همان طور که پیش از این نیز ذکر شد، یکی از حوزه‌هایی که در مطالعات میان‌رشته‌ای مورد توجه کمتری واقع می‌شود، مسایل و موضوعاتی است که از تنها از منظر اسلامی به رسمیت شمرده می‌شود. در حالی که اتخاذ رویکرد فعالانه در تولید علوم انسانی اسلامی، مستلزم توجه به این حیطه است. بر این اساس غالب تحقیقات حتی در حوزه روش‌شناسی، تنها ارائه دهنده الگویی هستند که مسایل متعارف را از منظر اسلامی مورد بررسی قرار دهند. به عنوان مثال لطیفی در پژوهشی اقدام به احصای راهبردهای تدبیر در قرآن کریم پرداخته و در نهایت در ذیل راهبرد مختار وی که راهبرد مسئله محور است می‌نویسد: «این راهبرد، مقید به آیه، سیاق، سوره و حتی داستان‌های قرآن نیست بلکه مقید به مسئله‌هایی است که محقق آنها را از ادبیات تحقق در دانش مدیریت، استخراج و منقح کرده است» (لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۵).



می‌خواهد بر حسب حال و وضع خویش، معنایی را در متن داخل کند؛ معنایی که مؤلف یا مولد متن، آن را به صورت صریح، ضمنی یا پنهان لحاظ نکرده است» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۴). به عبارت دیگر «در این سطح سؤال و جواب هر دو از سوی خواننده متن مطرح می‌شود و متن تنها محمل این سؤال و جواب است» (باقری، ۱۳۸۲: ۹۴ و ۹۵). تفسیر به رأی نامی است که بر این گونه مواجهه با قرآن کریم گذاشته شده است.^۱

بعد از این مقدمه مجدداً به سراغ نسبت میان موضوعات و مسایل حوزه متعارف علوم انسانی و حوزه علوم انسانی اسلامی می‌رویم. موضوعات و مسایلی که تنها از منظر اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند را می‌توان معادل با تحقیقاتی دانست که جزء رویکرد نطق در خصوص نقل به حساب می‌آیند. اما قسمت مشترک موضوعاتی است که هم از منظر علوم انسانی متعارف و هم از منظر علوم انسانی - اسلامی به رسمیت شمرده می‌شوند، جزء حوزه استنتاج در مورد نقل به حساب می‌آیند.^۲

۷- نحوه مواجهه محقق با نقل در تحقیق موضوعی: خالی از پرسش یا انباشته از آن؟

آخرین نکته‌ای که در اینجا به عنوان مقدمه برای ورود به تبیین گام به گام روش تحقیق به آن اشاره می‌شود این مسأله است که برای پژوهش موضوعی در حیطة نقل بهتر است که با ذهن خالی و بدون پیش فرض^۳ در خصوص آن مسأله و موضوع به نقل مراجعه شود یا این که ذهن را انباشته از سؤال نموده و آن‌گاه به سراغ نقل برویم.^۴ ضرورت توجه به این موضوع در تحقیقاتی که در حوزه مشترک میان مسایل و موضوعات علوم انسانی متعارف و علوم انسانی - اسلامی وجود دارد، لازم است. چرا که سؤال در این حوزه برآمده از مطالعه تولیدات

۱. باید توجه داشت که «تفسیر به رأی»، صرفاً تفسیری نیست که با معنای واقعی متون دینی ناسازگار باشد؛ بلکه ممکن است تفسیر در عین مطابقت با واقع، تفسیر به رأی به شمار آید. بنابراین ملاک صحت و عدم صحت تفسیر متن دینی، رسیدن یا نرسیدن به معنای واقعی متن نیست، بلکه ملاک، روشی است که در فهم متن به کار گرفته می‌شود. هرگاه مفسر از قبل رأی را برگزیند و بدون در نظر گرفتن قواعد و ضوابط فهم یک متن، آن را بر اساس رأی مزبور تفسیر کند، این روش او تفسیر به رأی است، هر چند به صورت اتفاقی رأی او با معنای مقصود متن هماهنگ باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

۲. البته باید توجه داشت که به طور دقیق نمی‌توان نحوه مواجهه با متن را بر اساس مطلب ذکر شده خط‌کشی کرد. مطلب فوق بیان‌گر وجه غالبی است که محقق بر اساس این که مسأله تحقیق او در کدام ناحیه قرار می‌گیرد با نقل باید روبه‌رو شود.

۳. اگر چه چنین امری در عمل غیرممکن است. منظور از خالی‌الذهن بودن یعنی نانباشتگی ذهن از معلومات و اطلاعات در خصوص حیطة موضوعی مورد مطالعه. برای مثال اگر در قلمرو مدیریت فرد قصد پژوهش قرآنی دارد و موضوع مورد مطالعه وی در حوزه نطق واقع می‌شود بهتر است بدون مطالعه و انباشتگی ذهن از مباحث مطرح شده در مدیریت متعارف با نقل روبه‌رو شود.

۴. در ضمن باید توجه داشت که منظور از انباشتگی ذهن، آماده کردن پاسخ قبل از مواجهه با نقل و تحمیل آن به متن نیست. چرا که چنین مواجهه‌ای تفسیر به رأی و مطرود است. «شرط استفاده از قرآن این است که انسان با اصول پیش ساخته و پیش فرض‌های بشری به خدمت قرآن نیاید تا قرآن را مهمان اصول موضوعه خود قرار دهد و آن‌ها را بر قرآن تحمیل کند. البته دانش‌های قبلی می‌تواند ظرفیت فکری اندیش‌وران را توسعه دهد و به عنوان مبدائی قابل‌محسوب گردد، نه به عنوان مبدأ فاعلی تا باعث دگرگونی در تفسیر قرآن شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۶۰).

غربی است. کارکرد پاسخ‌گویی به این پرسش در این است که پژوهشگر آیا بهتر است قبل از رو به رو شدن با نقل و گرفتن پاسخ اقدام به بررسی و آشنایی با تولیدات غربی نماید یا این که تنها اصل مسأله و موضوع را از آن‌ها گرفته و بدون این که بخواهد آنها را مطالعه کند با نقل روبه رو شود؟
به عنوان مثال «محمد باقر صدر بر این باور است که مفسر باید ابتدا خود را در میدان منازعات فکری و تجارب علمی بشر بیفکند و نسیم آرای مختلف عصر از هر سو بر او بوزد؛ آن‌گاه با کوله باری از تجارب بشری و پرسش‌هایی که اندیشه‌های بشر در انداخته است، رو در روی قرآن بایستد و با ذهنی پر از مسایل و به تعامل با قرآن پردازد» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۸۳).

اما پاسخ دقیق‌تر به این موضوع می‌توان این باشد که حوزه‌هایی که هدف نطق و دریافت نظر قرآن در خصوص مسأله‌ای است، با توجه به این که این موضوع از منظر علوم انسانی متعارف به رسمیت شمرده نمی‌شود، لذا اساساً مورد سؤال این حیطه قرار نمی‌گیرد. ضمن این که چون هدف دریافت نظر خالص نقل است، بهتر است بدون پیش‌فرض با نقل روبه رو شد.^۱ اما در حوزه دوم چون هدف دریافت پاسخ نقل در خصوص موضوعات و مسایل مشترک بین هر دو حیطه علوم انسانی متعارف و علوم انسانی-اسلامی است، بهتر این است که با پرسش و اطلاع از پاسخ‌های علوم انسانی متعارف به این مسایل و اشکالات آن سراغ نقل برویم. البته روشن است در این قسمت رویکرد نطق کارآمد نبوده و باید از روش‌های حوزه استنتاج بهره گرفت تا نقل به سخن آمده و پاسخ موضوع جدیدی که به آن عرضه می‌شود را ارائه کند.^۲ حال که تا حدودی مبانی روش تحقیق شکل گرفت به تبیین روش تحقیق می‌پردازیم.

۸- روش تحقیق موضوعی در نقل

پرسشی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که چگونه و بر اساس چه الگویی باید اقدام به پژوهش موضوعی در قرآن کریم نمود؟ در این نوشتار برای تحقیق موضوعی در قرآن، تحقیق موضوعی با رویکرد قرآن به قرآن به عنوان بهترین رویکرد برای تحقیق موضوعی در قرآن کریم پیشنهاد شده است.
در ادامه توضیحی در خصوص این روش تحقیق قرآنی منتخب ارائه خواهد شد و سپس در ادامه به بیان جایگاه حدیث در هر یک از دو رویکرد اصالت قرآن و حدیث و اصالت قرآن و حجیت حدیث پرداخته خواهد شد. در نهایت با در نظر گرفتن مبنای منتخب، به صورت عملیاتی و کاربردی گام‌های اجرایی روش تحقیق موضوعی در قرآن و حدیث ارائه خواهد شد.

۱. اگر چه در عمل و حین انجام پژوهش (در هنگام مواجهه فرد با آیات قرآن) محقق معمولاً از ترکیبی از دو حوزه نطق و استنتاج بهره می‌گیرد. منظور از جدا کردن این دو حوزه از یکدیگر شناخت بهتر وجه غالب مواجهه محقق با نقل در هر یک از حیطه‌های موضوعی است، نه این که تنها روش منحصر به روش یاد شده است.

۲. لازم به یادآوری است که حیطه موضوعات قابل ارائه به نقل، باید در قلمرو آن باشد؛ نه صرف این که هر موضوعی در علوم انسانی متعارف مطرح بود یا حتی جزء موضوعات مشترک بود، بلافاصله آن را به نقل عرضه کرده و منتظر پاسخ باشیم. چرا که ممکن است برخی از مسایل مشترک از حیطه نقل نبوده و در حیطه عقل قرار گیرد.



۸-۱- روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن

روش تحقیق موضوعی پیشنهاد شده در این نوشتار بر مبنای دو روش تفسیری قرآن به قرآن و روش تفسیر موضوعی قرآن کریم است. نخست ذکر این نکته ضروری است که اگر چه روش تحقیق حاضر بر مبنای روش‌های تفسیری قرآن استوار است، اما از جنس تفسیر نخواهد بود، بلکه از جنس تحقیق موضوعی است. انجام کار تفسیری نیازمند به مقدماتی که از جمله آن‌ها می‌توان به علوم ادبی، علوم بلاغی، علوم قرآن، علوم استنباط معرفتی، علوم حدیث و ... اشاره کرد. البته تحقیق موضوعی نیازمند به تفسیر (چه موضوعی و چه ترتیبی) است و بر اساس آن است که در نهایت باید پرسش‌های بی‌پاسخ در حین فرآیند تحقیق پاسخ داده شود.

اتفاقی که در تفسیر موضوعی و به تبع آن در تحقیق موضوعی رخ می‌دهد، احصای آیاتی خاص است که ارتباط معنایی با موضوع مورد بررسی را دارند. «متقدمین به طور عمدی برای تناسب آیات در داخل سوره موضوعیت قایل بودند و با این مسأله موافق نبودند که آیه‌ای را از سوره‌ای جدا کنیم و به همراه چند آیه دیگر از سوره‌های قرآن که معلوم نیست در چه سیاقی قرار گرفته و قبل و بعدش چه بوده است، بگذاریم و سپس بخواهیم یک تفسیر کلی از مجموع آنها بفهمیم. لذا در عصر کلاسیک نسبت به تفسیر موضوعی مشکل تئوریک وجود داشته و این کار را غیر اصولی و از مصادیق تفسیر نادرست می‌دانستند» (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۶۲). اما از آنجا که «آنچه تعیین‌کننده نوع تفاسیر می‌باشد، نوع نیاز مختلف هر عصر است» (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۲۶۱). کم‌کم تفسیر موضوعی جای خود را در میان شیوه‌های تفسیر قرآن کریم پیدا کرد. تفسیر موضوعی اگر چه روالی متفاوت از تفسیر ترتیبی دارد، اما این به معنای عدم استفاده از تفاسیر ترتیبی در روش تفسیر موضوعی نیست. «روش موضوعی بدون پشتوانه و تکیه‌گاه تفسیر ترتیبی، صورت بی‌محتواست و استغنائی تفسیر موضوعی در گردآوری مواد خام از تفسیر ترتیبی به معنای تهی شدن و استحاله آن است و مفسر موضوعی در درک آیات گزیده و دریافت مدلول‌های آنها با در نظر گرفتن جغرافیای تک تک آنها همواره دست به دامن روش ترتیبی است و دست‌نیاز به تفسیر ترتیبی در کنار تفسیر موضوعی هم‌چنان پاینده و حیاتی است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۵۷).

تفسیر موضوعی فراتر از جمع‌آوری تعدادی آیه از قرآن در ذیل یک موضوع مشترک است. در واقع اگر چه شروع تفسیر موضوعی با احصای آیات مرتبط با موضوع مدنظر است، اما روش کار محدود به این نیست. «تفسیر موضوعی گردآوری فهم‌هاست. در تفسیر موضوعی، این فهم‌ها هستند که کنار هم گرد می‌آیند و آیات نیستند. ظاهر امر این است که آیات از لحاظ موضوع متشابه هستند در کنار هم گرد آمده‌اند. اگر فهمی از آیات نداشته باشیم، گزینش آیه‌ای از میان آیات بی‌معنا و مبنا خواهد شد. بنابراین، در مقام گردآوری به فهمی از آیات احتیاج داریم که امر گردآوری و گزینش ما را میسر می‌گرداند و نیز نیازمند تئوری‌ای هستیم که آیات در پناه آن گرد هم آیند و در واقع، تفسیر موضوعی کنار هم آمدن فهم‌های ما از آیات در پرتوی یک تئوری است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۷۸-۷۹). ضمن این که باید توجه داشت در تفسیر موضوعی، آیات احصا شده در سیاق خود مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ رابطه آیات با جغرافیای خود قطع نمی‌شود و آن‌ها را بدون توجه به سایر آیات اطراف آن مورد توجه قرار نمی‌دهند.

اما اصطلاح دیگری که باید قدری تبیین شود تفسیر قرآن به قرآن به عنوان رویکرد مختار برای تحقیق

موضوعی است. «تفسیر قرآن به قرآن از روش‌های مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان از صدر اسلام تاکنون بوده است و برخی آن را اولین روش در تفسیر به شمار می‌آورند؛ چرا که در تفسیر قرآن، پیش از هر چیز دیگر باید از خود قرآن، تفسیر آن را بخوانیم. این روش که از عصر معصومان مورد استفاده و استناد بوده است، کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن است» (فتحی، ۱۳۸۸: ۲۰).

برای روشن شدن جایگاه و اهمیت این شیوه تفسیر باید گفت که «روش تفسیر قرآن به قرآن تنها روش ائمه است» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۸۶). در روش تحقیق پیشنهاد شده، محقق باید سعی نماید آیات قرآن را در کنار هم قرار داده و به وسیله آن‌ها معنای آیات را تبیین کند. اقسام روش‌های تفسیر قرآن به قرآن در کتب مختلف بیان شده است^۱ که آشنایی با آنها می‌تواند توانمندی محقق را در استفاده از قرآن برای فهم قرآن افزایش دهد.

۸-۲-۱- مراحل و گام‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن
در این قسمت با توجه به مبانی بیان شده در قسمت‌های قبل به صورت عملیاتی و کاربردی گام‌های روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم و با استفاده از رویکرد تفسیر قرآن به قرآن و دیدگاه منتخب در رابطه با نسبت میان قرآن و حدیث (اصالت قرآن و حجیت حدیث) بیان می‌شود. خلاصه این گام‌ها عبارت است از:

۸-۲-۱- تحدید و مشخص نمودن موضوع تحقیق؛

۸-۲-۲- مشخص نمودن کلیدواژه‌های مناسب برای احصای اولیه آیات؛

در این قسمت باید توجه شود که آیا احصای آیات مرتبط با موضوع از طریق انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط میسر است یا خیر؟ در صورتی که این امر ممکن نباشد، می‌بایست از طریق دیگری آیات مرتبط با موضوع احصا شوند. برای مثال ممکن است محقق اقدام به بررسی کل آیات قرآن در رابطه با موضوع تحقیق خود کند. مواجهه محقق با آیات قرآن و در نظر گرفتن پرسش، خود باعث می‌شود که متنی که به نظر ساکت می‌رسد در مقابل پرسش محقق به سخن آید. به عنوان مثال شهید مطهری در کتاب «آزادی معنوی» سعی می‌کند به تبیین مفهوم آزادی از نگاه اسلام پرداخته و برای تبیین مفهوم آزادی اجتماعی به آیه ۶۴ سوره آل عمران اشاره می‌کند (رجوع کنید به مطهری، ۱۳۷۳). در حالی که در این آیه هیچ کلیدواژه‌ای که مرتبط با موضوع باشد دیده نمی‌شود. چون اگر قرار بود بر مبنای کلیدواژه بحث دنبال می‌شد، می‌بایست از ریشه «حریت» کلمات جستجو می‌شد؛ در حالی که هیچ کلمه‌ای از این ریشه در قرآن کریم وجود ندارد.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان به کلیدواژه مناسب برای انجام تحقیق موضوعی در قرآن دست یافت؟ به نظر می‌رسد پنج روش زیر می‌تواند پاسخ این سؤال باشد:

۱. استفاده از نظر صاحب‌نظران و خبرگان؛

۲. استفاده از معجم و لغت‌نامه عربی؛

۳. استفاده از کتاب فرهنگ قرآن؛

۱. برای نمونه مراجعه کنید به (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۶-۱۱۱).

۲. هاشمی رفسنجانی اکبر، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.



۴. استفاده از کلیدواژه‌هایی که از آیات احصا شده اولیه به دست می‌آید؛

۵. نکاتی که مفسران در ذیل تفسیر آیات احصا شده آورده‌اند.

در توضیح روش چهارم باید گفت که از آنجایی که روش تحقیق موضوعی معرفی شده در این نوشتار، حالت رفت و برگشتی^۱ دارد، لذا این‌گونه نخواهد بود که محقق بتواند با یک مرحله جمع‌آوری آیات و روایات کار را به شکل کامل به انجام برساند. لذا لازم است در مسیر تحقیق و با توجه به بازخوردهایی که دریافت می‌کند، اقدام به احصا و بررسی آیات و روایات دیگری نماید. غالباً این‌گونه است که کلیدواژه‌های دیگر، از سیاق آیاتی که احصا شده است بدست می‌آید، خود آیات به تنهایی نمی‌توانند. عمده دلیل هم این است که در آیات مجاور، کلماتی که ارتباط معنایی با آیه داشته باشند به کار می‌روند و همین موضوع می‌تواند راه‌گشایی برای وسعت بخشیدن به دامنه واژگان کلیدی تحقیق باشد. هم‌چنین در روش پنجم زمانی که محقق بر مبنای کلیدواژه‌ای جلو رفته و به مرحله مراجعه به تفسیر رسیده است، مشاهده می‌کند که مفسران به مفاهیم مرتبط دیگری اشاره کرده‌اند که می‌تواند خود به عنوان کلیدواژه‌ای دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

۸-۲-۳- احصای آیات از ریشه مدنظر و تعیین سیاق آنها: در این گام برای احصای آیات مرتبط می‌توان از کتب کشف الایات استفاده کرد. راه بهتر و آسان‌تر استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی که امکان جست و جوی کلمات یا ریشه آن‌ها در قرآن را می‌دهد. بعد از احصای اولیه آیات، در صورتی که از ریشه کلمه به عنوان کلیدواژه استفاده شده باشد، ممکن است برخی از آیات احصا شده مرتبط با موضوع نباشند که باید کنار گذاشته شوند. برای مثال برای احصای آیاتی که کلمه انفاق در آنها به کار رفته است در صورتی که از ریشه آن یعنی نفق استفاده شود، برخی از آیات احصا شده در مورد منافقان خواهند بود. بعد از احصای آیات و پالایش اولیه از لحاظ ارتباط معنایی ریشه با کلمه مدنظر، لازم است تا آیات سیاق هر یک از آنها تعیین و احصا شود.

۸-۲-۴- قرائت مکرر آیات احصا شده و یادداشت نکات تدبری و یا سؤالات پیش آمده در رابطه با آیه: در گام بعدی تمرکز اصلی تنها بر خود آیات است. در این مرحله محقق اقدام به قرائت مکرر آیات نموده و سعی می‌کند از نگاه مسأله مد نظر خود، نکاتی را از قرآن استخراج کند. ممکن است در حین

۱. حالت رفت و برگشتی به این معناست که برخلاف آنچه که غالب در روش‌شناسی‌های کمی متداول است و محقق در آن‌ها با یک مرحله جمع‌آوری اطلاعات سراغ تحلیل می‌رود، در روش‌های کیفی (که روش تحقیق موضوعی در نقل نیز از آن جمله است) جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تحلیل در یک مرحله صورت نمی‌پذیرد و محقق بعد از جمع‌آوری اطلاعات اولیه و تحلیل آن‌ها، مجدداً اقدام به جمع‌آوری داده نموده و این حالت رفت و برگشتی تا جایی ادامه پیدا می‌کند تا اطلاعات جدید دیگری اضافه نشود (رسیدن به اشباع نظری). در روش تحقیق موضوعی در نقل، در دو مرحله حالت رفت و برگشتی قابل فرض است. مرحله اول در احصای کلیدواژه‌هاست که با توجه به آیات اولیه احصا شده و نسبت معنایی که بین کلمات در آیات احصا شده دیده می‌شود، اقدام به کشف کلیدواژه‌های جدید نمود. مرحله دوم در تشکیل شبکه مفهومی است. به این معنا که در توسعه لایه‌های شبکه مفهومی می‌توان مفاهیم بدست آمده را مجدداً مورد بررسی قرار داد تا ضمن توسعه شبکه مفهومی، ابعاد بیشتری از موضوع یا مسأله مورد تحقیق تبیین گردد.

تدبر سؤالاتی در خصوص آیه (مثلاً علت تقدم و تأخر کلمات ۱، علت استفاده یا عدم استفاده از کلماتی، ...) برای محقق ایجاد شود که این پرسش‌ها نیز باید یادداشت شوند. وجه غالب محقق بر مبنای رویکرد نطق یا استنتاج که پیش‌تر به آن اشاره شد، در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد.

۸-۲-۵- مطالعه آیات در رکوعاتشان و تصحیح یا اضافه نمودن نکات: در این گام آیات را با توجه به سیاق خود مورد بررسی قرار گرفته و نکات تدبری یا سؤالات نیز مانند مرحله قبل یادداشت می‌شوند. ممکن است لازم باشد که علاوه بر سیاق خود آیه، سیاق‌های بعدی یا قبلی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

۸-۲-۶- شکل‌گیری مدل اولیه: در نهایت با اتمام گام پنجم محقق باید سعی کند تا موضوعات و کدهای استخراج شده خود را در قالبی منظم و دسته‌بندی شده قرار داده و مدل اولیه خود را شکل دهد. رویکرد تفسیر قرآن به قرآن در گام پنجم و ششم باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنی که در تحقیق موضوعی محقق باید سعی کند تا آیات قرآن را با کنار هم قرار دادن معنا کند. هم‌چنین زمانی که مفاهیم و موضوعات مرتبط با موضوع را شناسایی نمود اقدام به احصای آیات از همان مفهوم نموده و سعی کند یک شبکه مفهومی شکل دهد.

۸-۲-۷- مراجعه به تفاسیر معتبر و عرضه نکات برای اصلاح یا اضافه نمودن نکات جدید و یافتن پاسخ پرسش‌ها: بعد از مرحله تدبری لازم است تا با مراجعه به تفاسیر معتبر نکات به دست آمده به تفاسیر عرضه شود تا مشخص شود که آیا تدبر صورت گرفته مقبول است یا خیر؟ هم‌چنین پرسش‌هایی که در حین تدبر یادداشت شده پاسخ داده شده و نکات جدیدی که از مطالعه تفاسیر به دست می‌آید نیز یادداشت می‌شوند. تفاسیر المیزان و تسنیم که بر مبنای روش تفسیر قرآن به قرآن به نگارش درآمده‌اند، در اولویت قرار دارند.

۸-۲-۸- طراحی مدل نهایی از منظر قرآن کریم: در گام آخر اقدام به دسته‌بندی، نظم‌دهی و ساختاردهی به نکات استخراج شده در قالب مدل و انجام اصلاحات لازم در مدل اولیه نموده تا در نهایت مدل نهایی از منظر قرآن کریم بدست آید.

هدف از شبکه مفهومی، بسط دامنه مفاهیم اصلی مدل به گونه‌ای است که فهم و معرفت بیشتری حاصل شود. برای این کار بعد از طراحی مدل اصلی و روابط میان اجزای آن می‌توان هر یک از اجزا را به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داد تا با توضیح بیشتر آن‌ها، ربط و نسبت آن جزء در مدل مفهومی طراحی شده بهتر مشخص شود. برای این که منظور از شبکه مفهومی ملموس‌تر شود مثالی در این خصوص ذکر می‌شود. به فرض با بررسی آیات قرآن کریم در خصوص رزق، مشخص شد که یکی از ابعاد مدل، وظایف مرزوقین در برابر رزقی که دریافت می‌کنند می‌باشد که یکی از آن‌ها شکرگزاری است.^۲ اگر کار در این جا متوقف شود، سطح اول مدل طراحی شده است. اما می‌توان برای توسعه مدل و طراحی لایه بعدی شبکه مفهومی، کلیدواژه شکر در قرآن را مورد بررسی قرار داد و مشخص نمود که چه ربط و نسبتی میان این مفهوم و موضوع تحقیق وجود دارد.^۳

۱. در کتاب جمله‌شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر عبارات، تقدم و تأخر در برخی از آیات مورد بررسی قرار گرفته است (توحیدلو، ۱۳۸۹).

۲. برای ملاحظه نمونه کاربردی از تحقیقات صورت گرفته بر اساس روش تحقیق ارائه شده مراجعه کنید به (مسعودی پور، ۱۳۹۰)

۳. آیت‌الله مکارم شیرازی این نوع نگاه به تفسیر قرآن را نیز مد نظر داشته و این گونه می‌نویسند: «نوعی دیگر از تفسیر که ما نامش را تفسیر ارتباطی یا زنجیره‌ای نهاد ایم آن است که موضوعات مختلف را در ارتباط با یک‌دیگر ببینیم. به عنوان مثال بعد از آن که



البته روشن است این کار را می‌توانیم تا آنجا تکرار کنیم که رابطه میان تمام موضوعات قرآنی از نگاه موضوع مورد بحث مشخص شود و از آنجا که این فعالیت زمان بر است، به نظر می‌رسد که اگر بتوان یک یا دو حلقه مفهومی را شناسایی کرد، چارچوب کلی موضوع از منظر قرآن شکل گرفته است. در ضمن باید توجه داشت که یافته‌های بدست آمده در بستر موضوع مورد پژوهش ممکن است متفاوت باشد. به عنوان مثال موضوع عدالت یک بار در بستر این موضوع که یکی از اهداف انبیاء و حکومت الهی برقراری عدالت است مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر این مفهوم مرتبط با مقوله امانت شناسایی شود (برای مشاهده یک نمونه پژوهشی رجوع کنید به (جوان‌علی، آذر، ۱۳۸۹).

۹- جایگاه حدیث در روش نقل پژوهی موضوعی

مدل بدست آمده تا اینجای تحقیق نشان دهنده نگاه قرآن به موضوع می‌باشد. اما باید توجه داشت که «معرفت نسبت به دین و شناخت از اسلام زمانی شکل می‌گیرد که همه منابع معرفتی آن در کنار هم و با هم ملحوظ شوند، بنابراین کسی مجاز نیست که به صرف مراجعه به همه قرآن در مسأله‌ای مدعی شود که دین و اسلام چنین می‌گوید چه برسد به این که بخواهد با انتخاب یک یا دو آیه، نظر اسلام را درباره مطلبی بیان کند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۲). بر این اساس بررسی روایات جزء تکمیل‌کننده پژوهش خواهد بود.

جایگاه حدیث در روش نقل پژوهی متأثر از رابطه و نسبت میان کتاب و حدیث است. مهم‌ترین کارکرد در نظر گرفتن مبنای در خصوص رابطه میان حدیث و کتاب، مشخص شدن این مسأله است که موضوعات و مفاهیم به دست آمده باید بر اساس چه منطقی در شبکه مفهومی قرار داده شود و ارتباط میان مفاهیم حاصل از کتاب و سنت چگونه است.

اگر مبنای پژوهش رویکرد اصالت قرآن و حجیت حدیث باشد، در آن صورت آنچه از مطالعه حدیثی به دست می‌آید تبیین‌کننده ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مدل است. به عبارت دیگر، حدیث در صورتی که متعارض با قرآن نباشد، یا در مقام توضیح بیشتر مفاهیم قرآن می‌باشد یا در مقام بیان مصداق است. اما در این دیدگاه روایت نمی‌تواند قبض‌کننده یا بسط‌دهنده معارف قرآنی باشد. اما در صورتی که مبنای پژوهش، رویکرد اصالت قرآن و حدیث باشد، روایت می‌تواند اصل مدل به دست آمده را دست‌خوش تغییر قرار داده و هرگونه تغییری را در آن اعمال نماید. چون در چنین رویکردی، روایت هم عرض قرآن دارای اصالت و حجیت است. حال نوبت به آن رسیده است که همانند روش تحقیق موضوعی در قرآن که الگویی گام به گام ارائه شد، به چگونگی تحقیق در حدیث پرداخته شود. مراحل انجام پژوهش در حدیث را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

موضوع ایمان و موضوع تقوی و موضوع عمل صالح را به طور جداگانه در تفسیر مورد بررسی قرار گرفت، این سه مطلب را در ارتباط با یکدیگر توجه به آیات قرآن و اشاراتی که در آن است تفسیر می‌کند و ارتباط این سه را با یکدیگر روشن می‌سازد و به صورت قطع در این صورت حقایق تازه‌ای از چگونگی رابطه این موضوعات با یکدیگر برای ما کشف می‌شود که بسیار ارزنده و راهگشا است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸ و ۱۹).

۱. در خصوص تایید این مراحل و همین طور کل فرآیند روش نقل پژوهی معرفی شده که از تحقیق موضوعی در قرآن با رویکرد قرآن

- ۱- احصای روایات با استفاده از کلیدواژه‌های بدست آمده؛
- ۲- شکل‌گیری مدل مفهومی از منظر روایات؛
- ارجاع روایات متشابه به روایات محکم؛
- بررسی روایات مقید در کنار روایات عام؛
- ۳- عرضه مدل به دست آمده از روایات به قرآن؛
- ۴- اضافه کردن توضیحات مفاهیم و مصادیق به مدل قرآنی.

ممکن است در این جا این سؤال به ذهن برسد که این روش پژوهش به بارزترین تفاوت میان کتاب و حدیث که تأثیر زیادی در مواجهه محقق با آنها دارد توجهی نکرده است و آن موضوع سندیت حدیث است. قرآن کریم برخلاف حدیث از قطعیت سند برخوردار است و بر اساس ادله عقلی و نقلی از تحریف مبرا است. اما در مورد روایات همواره بررسی سندی به عنوان یکی از ملزومات ورود مطرح بوده است تا جایی که علمی نظیر رجال برای پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند.

با توجه به این که بررسی سندی حدیث خود یک کار پیچیده و فنی است و نیازمند به فردی است که عمری را در این خصوص صرف مطالعه و بررسی کرده باشد، این سؤال مطرح می‌شود که محققان حوزه‌های علوم انسانی که قصد پژوهش در حدیث را دارند چگونه باید عمل کنند؟ با توجه به این که ممکن است محققان و پژوهشگران توانایی کار اجتهادی در مورد بررسی سندیت احادیث را نداشته باشند لذا پیشنهاد می‌شود که بر اساس مراحل زیر عمل کنند تا به نوعی جبران این ضعف گردد:

- ۱- با توجه به روش پژوهش ذکر شده در نقل، ابتدا مدل مفهومی از قرآن به دست آید.
- ۲- بر مبنای روش ذکر شده به طراحی مدل مفهومی از منظر روایات پرداخته شود.
- ۳- مدل به دست آمده از روایات بر مدل به دست آمده از قرآن عرضه شود. با توجه به رویکرد علامه طباطبایی در خصوص رابطه میان قرآن و حدیث، این روایات در صورتی که متعارض با قرآن نباشند دو حالت بیشتر نخواهند داشت:
- یا توضیح دهنده بیشتر همان مفاهیم هستند که در مدل قرآنی احصا شده است.
- یا بیان کننده برخی از مصادیق آیات قرآن هستند که این مصادیق بر اساس قاعده جری و تطبیق منحصر به آنها نخواهد بود.
- ۴- در صورت تعارض با قرآن این روایات کنار گذاشته می‌شوند.

به قرآن شروع شده و به بررسی روایات با کیفیت ذکر شده می‌رسد، می‌توان به فرمایشی از آیت الله جوادی آملی اشاره کرد که به بیان نحوه تحقیق و پژوهش در نقل می‌پردازند: «ابتدا باید همه قرآن را به اندازه توانمان با یکدیگر بررسی و ارزیابی کنیم، زیرا برخی از آیات مفسر بعضی دیگر است: یفسر بعضه بعضاً. سپس بگوییم قرآن این محتوا را ارائه می‌دهد. در رتبه بعد به سراغ روایات برویم و متشابهات آن را به محکمتش ارجاع دهیم و روایات مخصص و مقید را در کنار عموم و اطلاق ببینیم و احیاناً اگر روایت معارضی وجود دارد با توجه به اخبار علاجیه تعارضات آن را علاج و رفع کنیم. در مرتبه سوم این روایات را به قرآن عرضه کنیم، زیرا بر طبق روایات مربوطه، قرآن میزان و معیار پذیرش روایات است و روایات مخالف کتاب الله باید طرد شوند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۲).



نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا الگویی کاربردی برای تحقیقات میان‌رشته‌ای در قرآن کریم ارائه شود. عنوان این الگو، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم با رویکرد تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد. اما قبل از آن به بیان برخی از مبانی اصلی نقل پژوهی پرداخته شد و مشخص گردید که حیطة نقل پژوهی، شامل موضوعاتی می‌شود که رویکرد صحیح محدود بودن دامنه نقل به معارف هدایتی انسان است. هم‌چنین روشن شد که بر اساس دیدگاه اصالت قرآن و حجیت حدیث، دامنه نقل همان دامنه قرآن کریم بوده و حدیث شأنیتی جز تفصیل اصول یا بیان مصداق نداشته و نمی‌تواند دامنه نقل که همان دامنه قرآن است را قبض و بسط دهد. هم‌چنین رابطه میان مسایل و موضوعات متعارف علوم انسانی و مسایل و موضوعات در حوزه علوم انسانی - اسلامی بررسی شد که رابطه میان این دو را می‌توان عموم و خصوص من وجه دانست. وجه غالب در حیطة مختص علوم انسانی - اسلامی، رویکرد نطق به متن است و در حیطة مشترک وجه اکثر را می‌توان رویکرد استنتاجی دانست. هم‌چنین بیان شد که در حیطة مشترک بهتر است ذهن از معلومات متعارف انباشته شده و سپس با نقل مواجه گردد، اما در حیطة موضوعات مختص به علوم انسانی - اسلامی، انباشتگی ذهن توصیه نمی‌شود. در نهایت با این توضیحات روش تحقیق موضوعی به صورت عملیاتی و کاربردی در هشت مرحله پیشنهاد شد که در شکل زیر خلاصه‌ای از آن مشاهده می‌گردد.

منابع

قرآن کریم

- اخوت، هانیه (۱۳۹۳). «بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم (نمونه موردی: ارتباط معماری با قرآن کریم)»، مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال پنجم، صص ۲۳ تا ۳۴.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰). جامعیت قرآن: پژوهشی استنادی و تحلیلی از مسئله جامعیت و قلمرو آن، رشت: کتاب‌مبین.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۰). تاریخ تفسیر قرآن کریم، تنظیم و ویرایش محمد جانی‌پور، تهران، انجمن علمی دانشجویی هیأت دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توحیدلو، اکبر (۱۳۸۹). جمله‌شناسی قرآن: با تکیه بر تقدیم و تأخیر عبارات، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵). فلسفه دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جلیلی، سیدهدایت (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی؛ چیستی، بنیان‌ها و پیش فرض‌ها، قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). انتظار بشر از دین، قم: اسراء.
- جووانعلی آذر، مرتضی (۱۳۸۹). تبیین نگاه اسلام به سازمان در پرتو استعاره امانت، راهنما: مصباح الهدی باقری کنی، مشاور: حسین سوزنچی، دانشگاه امام صادق (ع).
- حسینی، سیدحمیدرضا، پور مهدی، علی و موحدابطحی، سیدمحمدتقی (۱۳۸۵). علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۰). نقش و کارکرد روایات تفسیری معصومان با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی، دوفصلنامه حدیث پژوهی، سال ۳، شماره ۵، صص ۴۳-۶۸.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). شیعه در اسلام، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶). درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق، مجله نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۱، صص ۱۷۳ تا ۲۰۲.
- فتحی، علی (۱۳۸۸). مبانی قرآنی تفسیر قرآن به قرآن، معرفت، سال ۱۸، شماره ۱۳۶، صص ۱۹-۳۵.
- لسانی فشارکی محمد علی و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۲). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۰). روش‌شناسی راهبردهای تدبر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۲۵-۵۵.



- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۴). پرسمان علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب.
- مسعودی پور، سعید (۱۳۹۱). تبیین جایگاه سنت رزق و اعتقاد به آن در کسب و کار از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما: مصباح الهدی باقری، مشاور: مهدی سپهری، دانشگاه امام صادق (ع).
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). احتیاط اصل روش شناختی دین پژوهی، تهیه و تحقیق: جواد عابدینی، نشریه پژوهش صص ۳۶-۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). گفتارهای معنوی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۸). پیام قرآن (تفسیر موضوعی)، انتشارات مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع). مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). رابطه‌ی قرآن و حدیث، مجله علوم حدیث، سال؟ شماره ۲۹، صص ۲-۲۲.
- نجات‌بخش اصفهانی، علی و باقری، اکبر (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی روش‌شناسی تحقیق در مدیریت اسلامی در مقایسه با روش‌شناسی‌های تحقیق در علوم مدیریت رایج، مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، سال؟ شماره ۵، صص ۲۱۹ تا ۲۴۲.
- نصیری، علی (۱۳۷۹). رابطه متقابل کتاب و سنت، مجله علوم حدیث، سال؟ شماره ۱۵، صص ۳۴-۷۷.



اثر بخشی استماع آوای قرآن کریم در بهبود افسردگی زنان نابارور

محسن گل محمدیان: استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه کرمانشاه
ابراهیم نعیمی: استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی
موسی چوپانی*: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۹ - ۱۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۸

چکیده

هدف: در عصر حاضر ناباروری یکی از استرس‌زاترین مشکلات زناشویی است که موجب آشفتگی‌های هیجانی و روانی در زوجین می‌شود که در این میان، آسیب‌پذیری زنان از پیامدهای منفی ناباروری بیش‌تر از مردان می‌باشد. هدف پژوهش حاضر، اثربخشی استماع قرآن کریم بر افسردگی زنان نابارور بوده است. روش پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمام زنان نابارور مراجعه‌کننده به درمانگاه ناباروری شهرستان شاهین‌دژ می‌باشد. این پژوهش بر روی ۳۰ زن نابارور که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند، انجام شد. سپس آزمودنی‌های انتخاب شده به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل تقسیم شدند که هر گروه تشکیل شده شامل ۱۵ نفر بودند. در مورد گروه آزمایشی ۱۵ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای مداخله‌ی استماع آوای قرآن کریم اجرا گردید اما در مورد آزمودنی‌های گروه کنترل هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه‌ی افسردگی بک ویراست دوم (BDI-II) بود. یافته‌های نتایج این پژوهش نشان داد که بین آزمودنی‌های گروه آزمایش و گروه کنترل پس از اجرای مداخله‌ی استماع آوای قرآن کریم تفاوت معنی‌داری وجود داشت ($p < 0.05$). همچنین میزان افسردگی آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به پیش‌آزمون و گروه کنترل به طور معنی‌داری کاهش یافته بود. نتایج: استماع قرآن کریم باعث کاهش افسردگی زنان نابارور شده است.

کلید واژه‌ها: استماع قرآن کریم؛ افسردگی؛ زنان نابارور



۱- مقدمه

ناباروری^۱ بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (WHO) به عدم وقوع حاملگی پس از یکسال یا بیش تر مقاربت بدون جلوگیری گفته می شود (استانتون و بورنس^۲، ۱۹۹۹: ۴۷). ناباروری تجربه ای استرس زا برای زوجین است که تمامی جنبه های زندگی: زناشویی، اجتماعی، جسمانی، عاطفی، مالی و روحی را تحت تأثیر قرار می دهد (سدلر^۳ و سیروپ^۴، ۱۹۹۸: ۶۹). این بیماری به دو نوع ناباروری اولیه (primary infertility) و ناباروری ثانویه (secondary infertility) تقسیم بندی می شود که در ناباروری اولیه قبلاً بارداری صورت نگرفته است ولی در ناباروری ثانویه بارداری حداقل یک بار صورت گرفته است (پاک گوهر، ۱۳۸۷: ۲۳). ناباروری یکی از مشکلات فردی و اجتماعی است که می تواند افراد مبتلا را در معرض فشارهای روانی گوناگون قرار بدهد (کلخوران و همکاران، ۱۵۹: ۲۰۰۶). ناباروری فرآیندی است که جسم، شغل، ذهنیت و شخصیت زوجین را تحت تأثیر قرار می دهد و پیامدهای نامطلوبی در جنبه های روانی، جسمانی و اجتماعی فرد بر جای می گذارد (دومار و فریدمن، ۱۹۹۳: ۸۰). طبق گزارش سالیانه سازمان بهداشت جهانی (WHO) ۱۰ تا ۱۵ درصد از زنان جهان دچار ناباروری هستند همچنین حدود ۷۵ درصد از این افراد پیوسته به دنبال درمان این بیماری بوده که به طور تقریبی ۵۰ تا ۶۰ درصد آنها مشکل ناباروری خود را رفع می کنند. ۵۰ تا ۸۰ درصد ناباروری ناشی از فاکتورهای مردانه و ۲۰ تا ۵۰ درصد ناشی از فاکتورهای زنانه می باشد (الوتو^۵ و همکاران، ۲۰۱۲) و سیاهکل و همکاران در پژوهش خویش شیوع ناباروری را در شهر تهران ۱۲/۶ درصد گزارش کردند (پاک گوهر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶). به گزارش صفری نژاد (۱۳۹۲) میزان کل ناباروری در ایران ۸ درصد می باشد که ۴/۶ درصد آن ناباروری اولیه و ۳/۴ درصد آن ناباروری ثانویه می باشد، همچنین استان کرمان با ۱۳ درصد و استان اردبیل با ۳/۵ درصد از بیش ترین و کم ترین درصد ناباروری رنج می برند. با وجود مطالعات متعدد درباره اهمیت ارتباط بدن و ذهن در ناباروری، متأسفانه سایر جنبه های مربوط به آن به ویژه جنبه های روانی آن چندان مورد توجه قرار نگرفته است. البته در سال های اخیر جنبه های روانی ناباروری بیش تر مورد توجه قرار گرفته است و به اهمیت جنبه های روانشناختی آن توجه بیش تری شده است، که از میان این تحقیقات می توان به تحقیق انجام شده توسط کلخوران و همکاران (۲۰۰۶) اشاره کرد که طی آن جنبه ها و واکنش های روانشناختی زوجین نابارور را مورد بررسی قرار داده و نتایج حاصل را با زوجین بارور مورد مقایسه قرار دادند که نتایج به دست آمده نشان داد میزان اضطراب و افسردگی زوجین نابارور در مقایسه با زوجین بارور در سطح بالاتری قرار دارد و میزان رضایت زناشویی آنها به مراتب نسبت به گروه مورد مقایسه پایین تر است. ولگستن، اسوانبرگ، اکسلیوس، لندویست و پروما^۶ در پژوهشی که در سال (۲۰۰۸: ۶۶) بر روی زوجین نابارور

1. infertility
2. Stanton and Bourns
3. Sedler
4. Sirop
5. Domar and Friedman
6. Velgeston, Esvanberg, Ekselius, Poromaa, Landkvist

انجام دادند سلامت روانشناختی آنها را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که این گروه از زوجین نسبت به زوجین نابارور درصد بالاتری از اختلالات خلقی به ویژه افسردگی را نشان می‌دهند. کورمی نورای^۱ (۲۰۰۰: ۵۹) نیز در پژوهش خویش ابعاد روانشناختی ناباروری را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که ناباروری آسیب‌های روانشناختی زیادی به دنبال دارد که از جمله آن می‌توان به واکنش‌های نامعقول به ناباروری، پریشانی، نگرانی و احساس خشم اشاره کرد.

ناباروری یک بحران شدید محسوب می‌شود که پیامدهای روانشناختی زیادی را به دنبال دارد از آنجایی که باروری و تولیدمثل در اکثر فرهنگ‌ها به ویژه در فرهنگ ایران از ارزش بالایی برخوردار است، لذا ناباروری می‌تواند فشارهای زیادی را بر زوجین وارد کرده و زمینه‌ی انواع آسیب‌های جسمانی و روانی و اجتماعی را در آنها فراهم بکند (مطیعی، آقاییوسفی و شقاقی، ۱۳۹۰: ۹۱).

۵۰ درصد از زوجین ناباروری را به عنوان ناامیدکننده‌ترین تجربه‌ی زندگی تلقی می‌کنند و ۸۰ درصد از زوجین ناباروری را به عنوان یک تجربه‌ی استرس‌زا در زندگی تلقی می‌کنند (فریمان^۲ و همکاران، ۱۹۸۷: ۵۱۹). بدون شک ناتوانی در داشتن بچه و ناباروری، یک تجربه‌ی آسیب‌زا در زوجین می‌باشد که می‌تواند منجر به بروز انواع اختلال‌های روانی به ویژه افسردگی و اضطراب در آنها شود (دی‌یر و هافمن^۳، ۲۰۰۴: ۱۹۳۹).

ناباروری و نداشتن فرزند مشکلات زیادی هم‌چون افسردگی، اضطراب، خشم، ناامیدی، یأس، گناه، حسادت، پرخاشگری، کاهش عزت‌نفس، حس فقدان، سرزنش خود، اندیشه‌ی خودکشی، خودپنداره‌ی جنسی منفی و اختلال در عملکرد جنسی را برای زوجین ایجاد می‌کند (دی‌یر و لومبارد^۴، ۲۰۰۹: ۱۹۴۰)؛ که از جمله مهم‌ترین این مشکلات و پیامدها می‌توان به افسردگی اشاره کرد که یک مشکل مشترک در بین گروه زوجین نابارور به حساب می‌آید و میزان آن در زنان بیش‌تر از مردان می‌باشد که از دلایل این تفاوت می‌توان به سرزنش بیش‌تر زنان به خاطر این بیماری (ناباروری) و پذیرفته شدن نقش مادری توسط آنها اشاره کرد (دی‌یر و لومبارد، ۲۰۰۹). دومار و فریدمن (۱۹۹۳: ۵۷۰) انواع پیامدهای روانی از جمله رفتارهای تکانشی، فشارهای پراکنده، احساس درماندگی و بی‌ارزشی، اضطراب، تشویش و به ویژه افسردگی را برای این مشکل مشخص کرده‌اند، همچنین مطالعات زیادی نشان می‌دهد که شیوع افسردگی در زنان نابارور بالاتر از جمعیت عمومی زنان می‌باشد. در پاره‌ای از مطالعات میزان شیوع افسردگی در میان زنان نابارور دوبرابر زنان بارور گزارش شده است (بهدانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

در زوجین نابارور زنان در مقایسه با مردان بیش‌تر دچار استرس و افسردگی می‌شوند ولی هر دو تقریباً به یک اندازه از کاهش عزت‌نفس، احساس ناشایستگی، عدم تکامل و احساس از دست دادن هویت رنج می‌برند (استانتون و برگویش، ۲۰۰۲). زنان ناباروری که انزوای اجتماعی کم‌تری دارند، سطح بالاتری از رضایت زندگی و مهارت بیش‌تری در پاسخ به استرس ناشی از ناباروری را نشان می‌دهند (بهدانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۴). رمضان‌زاده در

- 1 . Korminouri
- 2 . Friman
- 3 . Diyer, Hafman
- 4 . Lombard



پژوهش خویش که در سال (۱۳۸۳) انجام داد به طور آشکاری نشان داد که افسردگی در زنان نابارور با علت نازایی، مدت نازایی، سطح تحصیلی و شغلی زنان ارتباط دارد، در واقع هرچه مدت زمان نازایی بیش تر باشد و سطح تحصیلی و شغلی زنان نابارور کم تر باشد شیوع و شدت افسردگی در آنها بالاتر می باشد.

در بسیاری از جوامع به ویژه جوامع سنتی نظیر ایران نگرش های منفی زیادی نسبت به زنان نابارور وجود دارد که پیامد آن انزوای اجتماعی این گروه و بی توجهی شدید نسبت به آنها است (لوم بارد، آبراهام و دی یو، ۲۰۰۵: ۱۹۴۱). در برخی جوامع از برجسپ های منفی نظیر نامبارک و شوم برای زنان نابارور استفاده می کنند و تا حد زیادی از دخالت دادن آنها در فعالیت های مختلف اجتماعی نظیر مراسم ها امتناع می کنند که این موارد به تشدید آسیب های روانی - جسمانی حاصل از این بیماری در آنها به ویژه افسردگی کمک می کند (الحسن، مونتاکا و زیب لیم، ۲۰۱۴: ۱۸). مردم در جوامع مختلف این بیماری را به علل مختلفی نظیر تنبیه خداوند برای گذشته های ناپاک دختران، سحر و جادو یا نیروی های شیطانی و ماوراء الطبیعه، استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری طبیعی و خوردن داروهای ضدبارداری نسبت می دهند. افسردگی حاصل از ناباروری نقش بسیار مهم و تخریب کننده ای بر جنبه های مختلف زندگی (روانی، جسمانی و اجتماعی) زوجین نابارور داشته و می تواند کیفیت رابطه ی زناشویی آنها را به طور کامل مختل کرده و رضایت و سازگاری زناشویی آنها را تا حد زیادی پایین بیاورد و حتی روابط فرازناشویی آنها را مختل کند (رمضان زاده و همکاران: ۵۶۵، ۲۰۰۴).

میزان افسردگی زوجینی که مدت ۲ تا ۳ سال است از ناباروری رنج می برند بیش تر از زوجینی است که شش ماه تا یکسال است دچار این مشکل هستند و اوج میزان افسردگی زوجین نابارور در طول سال سوم ناباروری است (دومار^۲ و همکاران، ۱۹۹۳: ۵۷۳). پژوهش ها نشان می دهد که بعد از ۶ سال، نشانه های روانشناختی حاصل از ناباروری از جمله افسردگی در زنان کاهش می یابد همچنین زوجینی که از حمایت اجتماعی، ویژگی های شخصیتی مثبت و رضایت زناشویی بالاتری برخوردار هستند نشانه های افسردگی و اضطراب را نشان نمی دهند یا به میزان خیلی کمی نشان می دهند (دومار و همکاران، ۱۹۹۳: ۵۷۳).

موسیقی درمانی یکی از انواع روش های درمانی است که برای دامنه ی گسترده ای از مشکلات روانی به ویژه افسردگی، اضطراب و استرس مورد استفاده قرار می گیرد و استفاده از آن سبب افزایش آرامش، بهبود محاسبه ی ذهنی و کاهش اثرات منفی حاصل از استرس و کاهش احساس درد و اضطراب می شود (انصاری جابری و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۴). قرآن کریم از برترین موسیقی های عرفانی می باشد که آوایی دلنشین آن هر جسم و روحی را جلا می دهد که خواص ویژه آن و ملودی و ریتم خارق العاده ی آن از ابعاد اعجازی این عبارات الهی است که به خوبی اثربخشی بر بهبود بیماری های روانی بر همگان و به خصوص اهل علم آشکار می باشد (میرباقر آجریز و رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۶). قرآن کریم از بیانی رسا و سبکی شیوا برخوردار می باشد و از هر بعدی (روانی و جسمانی) شنوندگان را تحت تأثیر قرار می دهد (کلینی، ۳۲۱ هجری قمری، ۴۱۸ - ۴۱۹). با توجه به پژوهش های صورت گرفته در زمینه ی اثربخشی موسیقی به ویژه موسیقی برخاسته از آوای قرآن کریم در بهبود بیماری های روانشناختی و با توجه

1 . Alhasan, mountaca and Ziblim

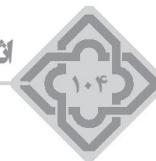
2 . Domar

به فرهنگ اسلامی جامعه‌ی ایرانی و تأثیرپذیری زیاد افراد این خطه از امور دینی، در این پژوهش تلاش می‌کنیم تأثیر آوای قرآن کریم را بر افسردگی زنان نابارور مورد بررسی قرار بدهیم. از میان پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی پژوهش حاضر انجام شده و به گونه‌ای با آن همسو می‌باشند می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: انصاری جابری و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهش خویش تحت عنوان تأثیر آوای قرآن کریم بر افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان مرادی رفسنجان نشان دادند که استماع آوای قرآن کریم در کاهش افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان رفسنجان تأثیر معناداری دارد. حاجی‌وند (۱۳۷۹) در تحقیق خویش از دوبرابر بودن میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های علمی کشور نسبت به دانشجویان حوزه‌های علمیه خبر می‌دهد که یکی از دلایل اصلی این تفاوت را میزان استماع قرآن کریم و تلاوت آن ذکر می‌کند. مداحی و جواهری نیز در پژوهش خویش از کم بودن میزان افسردگی حافظان قرآن کریم نسبت به غیرحافظان خبر دادند (میرباقر آجریز و رنجبر، ۱۳۸۹: ۱۶). این تحقیق‌ها تنها تحقیقاتی است که در زمینه‌ی اثربخشی آوای قرآن کریم بر افسردگی در ایران انجام شده است. محمدی‌نیا نیز در کتاب خود تحت عنوان نسیمی از بهشت (راه‌های درمان افسردگی و ایجاد نشاط و افزایش طول عمر در قرآن کریم و احادیث) از تأثیر مثبت آوای قرآن کریم بر کاهش افسردگی خبر می‌دهد (محمدی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۰-۷). سایر پژوهش‌های مشابهی که اثربخشی آوای قرآن کریم را بر سایر بیماری‌های روانی از جمله اضطراب نشان می‌دهد: علامه، جبل عاملی، لرستانی و اکبری (۱۳۹۲: ۶۰۳) در پژوهش خویش تحت عنوان اثربخشی آوای قرآن کریم بر روی میزان اضطراب و درد بیماران تحت عمل سزارین نشان دادند که آوای قرآن کریم در کاهش اضطراب و درد بیماران مذکور مؤثر می‌باشد. میرباقر آجریز و رنجبر (۱۳۸۹) در پژوهش خویش از مؤثر بودن آوای قرآن کریم بر کاهش اضطراب مادران قبل از عمل سزارین خبر دادند. شمسی، بیاتی و جهانی (۱۳۹۰) در پژوهش خویش از اثربخشی آوای قرآن کریم بر کاهش استرس کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اراک خبر دادند. کاظمی، انصاری، توکلی و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهش خویش تحت عنوان اثربخشی آوای قرآن کریم بر بهداشت روان دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان به این نتیجه رسیدند که آوای قرآن کریم بر بهداشت روان دانشجویان تأثیر مثبت دارد.

با توجه به افزایش روزافزون تعداد زوجین نابارور و شیوع گسترده‌ی افسردگی به عنوان یک مشکل مشترک در میان آن‌ها به ویژه در میان زنان نابارور، و به دلیل مؤثر بودن آوای قرآن کریم در بهبود بیماری‌های روانی از جمله افسردگی و اضطراب همانگونه که در پژوهش‌های بالا بدان اشاره شد و همچنین به دلیل مذهبی بودن جامعه‌ی ایران و نبود مراکز مشاوره‌ای کافی به ویژه در مناطق فقیرنشین و همیشه در دسترس بودن این متغیر آزمایشی (آوای قرآن کریم) پژوهش حاضر بر این هدف است که اثربخشی استماع آوای قرآن کریم بر کاهش افسردگی زنان نابارور را مورد سنجش قرار بدهد.

۲- روش پژوهش

این پژوهش که در سال (۱۳۹۴) انجام شده است از نوع پژوهش نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل است. شرایط ورود به این مطالعه عبارت بودند از: سپری شدن حداقل ۶ ماه و حداکثر ۱۰ سال از تشخیص ناباروری آزمودنی‌ها، عدم سابقه‌ی آزمودنی‌ها به استفاده از روش‌های کمک‌باروری (assisted reproductive)



technology)، نداشتن فرزند، عدم استفاده از داروهایی که بر عملکرد جنسی افراد تأثیر می‌گذارد و ملیت ایرانی می‌باشد. ابتدا مشخصات فردی تمامی آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد و سپس آزمون افسردگی بک ویراست دوم (BDI-II) بر روی آن‌ها اجرا شد و میزان افسردگی (نمره‌ی بک) آزمودنی‌ها به طور دقیق مشخص شد. سپس آزمودنی‌های مورد نظر به طور کاملاً تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش پژوهش حاضر تعداد ۱۵ جلسه‌ی مداخله‌ای استماع آوای قرآن کریم را هر هفته تعداد ۲ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای دریافت کردند، اما گروه کنترل پژوهش حاضر هیچگونه مداخله‌ای دریافت نکرد. مقیاس افسردگی بک ویراست دوم (BDI-II) در دو مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون بر روی آزمودنی‌های هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد.

۲-۱- جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زنان نابارور مراجعه‌کننده به درمانگاه ناباروری شهرستان شاهیندژ می‌باشد. بر همین اساس و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند.

۲-۲- ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ی افسردگی بک ویراست دوم (BDI-II) می‌باشد. مقیاس افسردگی بک یکی از رایج‌ترین و معتبرترین آزمون‌های روانی در دنیا می‌باشد و در تمام اقصای و محیط‌های اجتماعی قابل اجرا بوده و به فرهنگ وابسته نیست. این پرسشنامه‌ی خودسنجی شامل ۲۱ سوال است و نمره‌ی کلی آن بین صفر تا ۶۳ می‌باشد. این پرسش‌نامه برای ارزیابی شدت افسردگی با تأکید بر ابعاد شناختی و رفتاری در اوایل دهه‌ی (۱۳۶۱) گسترش یافت. پرسشنامه دارای ۲۱ پرسش خودسنجی است و هر کدام از آن‌ها دارای ۴ گزاره می‌باشد که میزان رو به افزایش شدت را توصیف می‌کند. حداقل نمره در این آزمون صفر و حداکثر نمره در این آزمون ۶۳ می‌باشد. با جمع کردن نمرات کسب شده توسط فرد در هر یک از ماده‌ها، نمره‌ی افسردگی فرد به طور مستقیم به دست می‌آید. نمره‌های زیر را می‌توان برای نشان دادن سطح کلی افسردگی در آزمون افسردگی بک به کار برد: نمره‌ی صفر تا ۱۳ هیچ کم‌ترین میزان افسردگی را نشان می‌دهد، نمره‌ی ۱۴ تا ۱۹ افسردگی خفیف را نشان می‌دهد. نمره‌ی ۲۰ تا ۲۸ افسردگی متوسط را نشان می‌دهد و نمره‌ی ۲۹ تا ۶۳ افسردگی شدید را نشان می‌دهد. امتیاز این آزمون این می‌باشد که توانایی اندازه‌گیری میزان افسردگی افراد را در هر دو گروه بالینی و بهنجار را دارد. پایایی و روایی این پرسشنامه در پژوهش‌های زیادی مورد تأیید قرار گرفته است (حمید و همکاران، ۱۳۹۰). در داخل و خارج از کشور مطالعات مختلفی صورت گرفته است که به اندازه‌گیری ویژگی‌های روانسنجی این ابزار پرداخته‌اند از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه (۰/۸۹)، ضریب همبستگی بین دو نیمه‌ی آن (۰/۸۹)، ضریب بازآزمایی آن با فاصله‌ی دو هفته (۰/۹۴) و ضریب همبستگی این آزمون با ویراست نخست آن (۰/۹۳) می‌باشد (الیور و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷). علی‌پور و نوری در پژوهش خویش که در سال (۱۳۸۵) انجام دادند ضریب پایایی این آزمون را (۰/۸۷ تا ۰/۴۸) گزارش کردند. تشکری و مهریار (۱۳۷۳) در پژوهش خویش ضریب پایایی این پرسشنامه را ۷۸ درصد به دست آوردند. (طلایی، کیمیایی، برهانی‌مغانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

در پژوهش‌های دیگر از جمله پژوهش پرتوی در سال (۱۳۵۴) و وهاب‌زاده در سال (۱۳۵۲) و چگینی در سال (۱۳۸۱) اعتبار پرسش‌نامه افسردگی بک، بالا گزارش شده و از ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ متغیر بوده است و تشکری و مهریار نیز در سال (۱۳۷۳) ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۷۳ به دست آوردند (طلایی و همکاران، ۱۳۹۳).

۳- یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جدول شماره (۱) ملاحظه می‌شود که میانگین نمرات افسردگی زنان نابارور در گروه آزمایش، در مرحله‌ی پیش‌آزمون ۳۶/۹۳ و در مرحله‌ی پس‌آزمون ۲۸/۴۰ می‌باشد که چنین تفاوتی در میانگین‌های گروه کنترل دیده نمی‌شود.

جدول شماره (۱) میانگین و انحراف استاندارد نمرات افسردگی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه کنترل و آزمایش

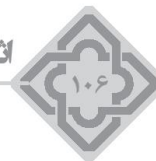
انحراف استاندارد		میانگین		مرحله	آماره‌ها متغیرها
گروه گواه	گروه آزمایش	گروه گواه	گروه آزمایش		
۵۶۳/۳	۲۳۳/۴	۴۶۷/۳۴	۹۳/۳۶	پیش‌آزمون	افسردگی
۱۱۷/۴	۳۹۷/۳	۶۶۶/۳۴	۴۰۰/۲۸	پس‌آزمون	

همانطور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد مفروضه‌ی همگنی شیب‌ها با مقدار $[F(1 و 26) = 12/5]$ و $P > 0/05$ برای افسردگی زنان نابارور معنادار نشده است، لذا فرض صفر مبتنی بر عدم همگنی شیب‌های رگرسیون برای متغیر افسردگی رد می‌شود بنابراین شیب رگرسیونی برابر است. با توجه به یافته‌های فوق، جهت بررسی فرضیه‌ی مورد نظر از تحلیل کوواریانس استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره (۲) آزمون تحلیل کوواریانس برای میانگین‌های نمرات افسردگی پس‌آزمون و پیش‌آزمون در گروه کنترل و آزمایش

منبع	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	Sig	ضریب اتا
گروه	۸۸۰/۴۰۲	۱	۸۸۰/۴۰۲	۱۱۸/۴۳	۰۰۰/۰	۵۶/
پیش‌آزمون	۶۵۸/۱۴۶	۱	۶۵۸/۱۴۶	۶۹۶/۱۵	۰۰۰/۰	۰۴/
خطا	۲۷۶/۲۵۲	۲۷	۳۴۴/۹			-

همانطور که جدول شماره (۲) نشان می‌دهد تفاوت نمره‌های پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل برای متغیر افسردگی معنی‌دار است $[F(1 و 43) = 11/43]$ و $[P > 0/05]$ و $2 = 0/56$ لذا فرضیه‌ی پژوهش تأیید می‌شود. ضریب اتا نشان می‌دهد که ۰/۵۶ درصد از تفاوت میانگین‌ها به وسیله‌ی مداخله‌ی درمانی انجام شده است. بنابراین می‌توان اذعان



نمود، متغیر آزمایشی (استماع قرآن کریم) موجب کاهش افسردگی زنان نابارور شده است.

۴- بحث

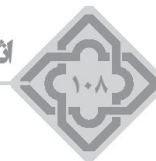
ناباروری به عنوان یک بحران فردی، استرس زیادی را بر زوج‌های نابارور وارد می‌کند و می‌تواند به طرق گوناگون بر سلامت روانی، جسمانی و اجتماعی زوجین نابارور تأثیر گذاشته و باعث اختلال در کیفیت روابط زناشویی، کاهش عمیق رضایت زناشویی، کاهش صمیمیت، ترس از خاتمه‌ی رابطه‌ی زناشویی، جدایی، طلاق، کاهش اعتماد به نفس، احساس طرد شدن و درماندگی شود که نهایتاً می‌تواند منجر به پیامدهای روانی عمیقی به ویژه افسردگی در زوجین نابارور شود که میزان پیامدهای این بحران زنان نابارور را بیش‌تر از مردان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان افسردگی گروه آزمایش پس از انجام مداخله‌ی مورد نظر (استماع آوای قرآن کریم) کاهش پیدا کرده است در حالی که چنین تغییری در میزان افسردگی گروه گواه به هیچ وجه دیده نمی‌شود. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با تعداد زیادی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی اثربخشی آوای قرآن کریم و مذهب همسو می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: نلسون و همکاران (۲۰۰۲م) در پژوهش خویش نشان دادند که معنویت و مذهب در کاهش نشانه‌های افسردگی بیماران ایدزی و سرطانی تأثیر زیادی دارد. جابری و همکاران (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خویش نشان دادند که استماع آوای قرآن کریم در کاهش افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان رفسنجان تأثیر معناداری دارد که این نتیجه به طور کامل با نتیجه‌ی حاصل از پژوهش حاضر تطابق و همخوانی دارد. حاجی‌وند (۱۳۷۹) در تحقیق خویش از دوبرابر بودن میزان افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های علمی کشور نسبت به دانشجویان حوزه‌های علمیه خبر می‌دهد که یکی از دلایل اصلی این تفاوت را میزان استماع قرآن کریم و تلاوت آن ذکر می‌کند. جابری و همکاران (۱۳۸۴) نیز در پژوهش خویش تحت عنوان تأثیر آوای قرآن کریم بر افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان مرادی رفسنجان نشان دادند که استماع آوای قرآن کریم در کاهش افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان رفسنجان تأثیر معناداری دارد. میلر و همکاران (۱۹۹۷م) در پژوهش خویش نشان دادند که اعتقادات مذهبی یک عامل پیشگیری‌کننده مهم از افسردگی در والدین و فرزندانشان می‌باشد. تمامی پژوهش‌های ذکر شده کاملاً با نتایج حاصل از پژوهش حاضر همسو بوده و نتایج مشابهی را نشان می‌دهند و به طور آشکار تأثیر معنادار استماع آوای قرآن کریم در کاهش افسردگی انواع مختلف بیماری‌های روانی را آشکار می‌سازد. پس با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که آوای قرآن کریم به عنوان یک موسیقی منظم آسمانی بر حالت روحی و روانی فرد تأثیر زیادی دارد. لذا با توجه به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های قبلی می‌توان از خواندن و استماع آوای قرآن کریم به عنوان یک روش درمانی سودمند در درمان بیماران روانی به ویژه در درمان و کاهش اضطراب و افسردگی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استماع آوای قرآن کریم تا حد زیادی باعث کاهش افسردگی زنان نابارور شده

است. با توجه به مذهبی بودن جامعه‌ی ایران و نفوذ باورهای دینی در میان گستره‌ی وسیعی از مردم و تأثیرپذیری زیاد افراد از منابع الهی و دینی می‌توان از این مداخله (استماع آوای قرآن کریم) به عنوان یک مداخله درمانی مستقل یا به عنوان یک مداخله‌ی تکمیلی در کنار سایر رویکردهایی که در درمان افسردگی کاربرد دارد استفاده کرد. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان این مداخله (استماع آوای قرآن کریم) را به عنوان یک مداخله‌ی درمانی سودمند در کاهش افسردگی به ویژه در جوامع اسلامی نظیر ایران به مشاورین و درمانگران عرصه‌ی بهداشت و روان پیشنهاد کرد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کم بودن حجم نمونه به دلیل بی‌سوادی بسیاری از زنان نابارور مراجعه کننده به مرکز ناباروری شهرستان شاهیندژ و عدم تمایل برخی دیگر از زنان نابارور برای شرکت و حضور در پژوهش حاضر اشاره کرد. لذا به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با حجم نمونه‌ی بیش‌تر در همین زمینه اجرا گردد و شرایطی برای انجام پژوهش و مداخله‌ی درمانی حاضر (استماع آوای قرآن کریم) بر روی زنان نابارور بی‌سواد فراهم گردد و پژوهش بر روی آن‌ها اجرا گردد تا علاوه بر آشکار شدن تأثیر گذاری یا عدم تأثیر گذاری سطح تحصیلات زنان نابارور در میزان تأثیر پذیری از این مداخله (گوش دادن به آوای قرآن کریم) از مداخله‌ی درمانی مورد نظر بهره‌مند شوند.



منبع

- انصاری جابری، علی؛ نگهبانی بنابی، طیبه؛ صیادی اناری، احمدرضا؛ آقامحمدحسینی، پروین (۱۳۸۴). تاثیر آوای قرآن کریم بر افسردگی بیماران بستری در بخش اعصاب و روان بیمارستان مرادی رفسنجان، مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره دهم (۱).
- بهدانی، فاطمه؛ عرفانیان، مجید؛ جبرانی، پریا؛ حجت، سید کاوه (۱۳۸۳). بررسی شیوع افسردگی و عوامل موثر بر آن در میان زنان نابارور مراجعه کننده به کلینیک نازایی منتصریه‌ی شهرستان مشهد. فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی، دوره ششم.
- پاک گوهر، مینو؛ ویژه، مریم؛ بابایی، غلامرضا؛ رمضانزاده، فاطمه (۱۳۷۸). تاثیر مشاوره بر رضایت جنسی زنان نابارور، نشریه حیات، دوره چهاردهم (۱).
- حاجی‌وند، عبدالله (۱۳۷۹). بررسی میزان و شیوع اختلال افسردگی در میان دانشجویان حوزه‌ی علمیه و دانشگاه‌های علمی و ارتباط آن با نگرش مذهبی. مجموعه خلاصه‌ی مقالات همایش تحقیقات علوم پزشکی در اسلام، کرمان، دوره سوم.
- شمسی، محسن؛ بیاتی، اکرم؛ جهانی، فرزانه؛ فرهنگ‌نیا، لیلا (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آوای قرآن کریم بر استرس در ک‌شده کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اراک. ماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره نوزدهم.
- علامه، تاج‌السادات؛ جبل‌عاملی، میترا؛ لرستانی، خدیجه؛ اکبری، مجتبی (۱۳۹۲). بررسی تاثیر صوت قرآن کریم بر روی میزان اضطراب و درد بیماران تحت عمل سزارین با روش بیهوشی اسپینال: مطالعه‌ی کارآزمایی بالینی شاهددار. مجله‌ی دانشکده پزشکی اصفهان، دوره سی و یک.
- عرفانی، حسن (۱۳۶۹). پژوهش در شیوه‌های اعجاز قرآن. انتشارات دارالقرآن کریم، قم.
- علی‌پور، احمد؛ نوری، ناهید (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس افسردگی - شادکامی در کارکنان دادگستری شهر تهران. فصلنامه اصول بهداشت روانی، دوره هشتم.
- کلخوران، لیلا؛ بهرامی، هادی؛ فرخی، نورعلی؛ زراعتی، حجت؛ ترحمی، مجید (۱۳۸۹). مقایسه‌ی اضطراب افسردگی و رضایت زناشویی در دو گروه منتخب زنان بارور و زنان نابارور. مجله‌ی باروری و ناباروری، دوره دوازدهم.
- کاظمی، مجید؛ انصاری، علی؛ توکلی، محمد؛ کریمی، سیما (۱۳۸۲). اثربخشی آوای قرآن کریم بر بهداشت روان دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره سوم.
- کلینی، محمد. (۳۱۰ق). اصول کافی. سیدجواد مصطفوی، چهارم، انتشارات گلگشت.
- مطیعی، گلاره؛ آقاییوسفی، علیرضا؛ شقاقی، فرهاد (۱۳۹۰). اثربخشی مقابله درمانگری بر احساس تنهایی زنان نابارور. مجله‌ی روانشناسی کاربردی، دوره سوم.
- میرباقر آجریز، ندا؛ رنجبر، نرگس (۱۳۸۹). تاثیر آوای قرآن کریم بر میازن اضطراب مادران قبل از عمل سزارین: کارآزمایی بالینی تصادفی شده، مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، دوره چهارم.
- محمدی‌نیا، اسدالله (۱۳۹۲). نسیمی از بهشت (راه‌های درمان افسردگی و ایجاد نشاط و طول عمر در قرآن کریم واحادیث)، چاپ چهارم، انتشارات سبط اکبر (ص).

طلایی، علی؛ کیمیایی، سیدعلی؛ برهانی‌مغانی، مهدیه؛ محرری، فاطمه؛ طلایی، اندیشه؛ خانقائی، راشین (۱۳۹۳). بررسی تاثیر درمان شناختی-رفتاری گروهی بر افسردگی زنان نابارور، مجله زنان مامائی و نازایی، دوره هفدهم. نیکبخت، علیرضا (۱۳۷۳). بررسی میزان تاثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بعد از عمل جراحی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دوره چهارم.

Alhasan, A., Muntaca, S. Zimbil, A. R. (2000). a survey on depression among infertile womens in Ghana. BMC womens Health, 14 (6): 14-42.

Domar, AD., Zuttermeister, PC., Friedman, R. (1993). the psychological impact of infertility. a comparsion with patient with other medical condation, 19 (9): 568-۷۵.

Dyer, S., Lombard, C., Vanderspuy, Z. (2005). psychological distress among women suffering from couple infertility in south Africa. a quantitative assessment. Hum reprod, 19(4): ۱۹۴۳-۱۹۳۸.

Freeman, E., Rickels, K., Tansig, R., Boxer, A., Mastrienne, L., Tureck, R. (1978). emotional and psychological factors in follow-up of women after IVF-ET treatment A pilot investigation. Acta Obster Gynecol scand, 66, 517-521.

Feizi Boranji, L. (2002). Detection of psychological health self satisfaction and marital

Joshi, HL., Sing, R. (2009). psychological distress, coping and subjective wellbeing among infertitily women. BMC womens Health, 23(2): 329-336.

Kormi Nouri, R. (2000). Psycho-social aspects of infertility. J Reprod Infertil, 1(3): ۶۸-۵۷.

Ramezanzade, F., Aghssa, MM., shariat, M., Jafarabadi, MA. (2005). survey of relationship between anxiety, depression and duration infertitily. BMC womens Health, -۵۶۱ : (۶)۴

۵۷۱

Stanton, L., Burns, L. H. (1999). Behavioral medicine approaches to infertility counseling in infertility counseling: a comprehensive handbook for clinicians (Burns LH, Covington SN, eds). New York: Parthenon Publishing, 7(3): 129-۴۷

Shakeri, J., Hossieni, M., Golshani, S., Sadeghi, Kh., Fizollahy, V. (2006). Assessment of general health stress coping and marital satisfaction in infertile women undergoing IVF treatment. J Reprod Infertil, 7(3), 269-75

Volgsten, H., Skoog Svanberg, A., Ekselius, L., Lundkvist, O., Sundström Poromaa, I. (2008). Prevalence of psychiatric disorders in infertile women and men undergoing in vitro fertilization treatment. Hum Reprod, 23(9), 2056-63



study The effectiveness of listening to Holy quran on depression among infertile women

Mohsen Golmohammadian , Assistant Professor, Counseling Department, University of Kermanshah

Ebrahim Naeemi, Assistant Professor, Counseling Department, Allameh Tabataba'i University

Mousa Choupani,* MA Student, Family Counseling Department, Allameh Tabataba'i University

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 99-109

Date of receiving the paper: 14. July 2015

Date of acceptance: 30. August 2015

Abstract

Objective: Infertility is one of the most stressful problems among young couples that leads to mental and emotional turmoil. The vulnerability of women facing infertility consequences is more than men. The present research aims to study the effectiveness of listening to the Holy Quran on reducing infertile women's depression.

Method: The present study is a control group based on pre-test and post-test methods. The statistical population is infertile women referring to the health clinic in the city of Shahindej. In this semi-trial investigation; 30 infertile women were selected based on sampling method. Then, the subjects were randomly divided into two experimental and control groups, each group including 15 individuals. In the experimental group, 15 sessions of listening to Holy Quran for 45 minutes were implemented. But for the second group, there were no such sessions. Data collecting tool in this study is Beck Depression Inventory second edition.

Findings: The results show that there is a meaningful difference between control and experimental groups listening to Holy Quran ($p < /05$). Moreover, the rate of depression among experimental group to pre-test and control group decreased meaningfully. In the track group these results are stable.

Results: Listening to the Holy Quran causes depression reduction among infertile women.

Key words: Listening to Holy Quran, Depression, Infertile Women

*Author responsive: mousachoupani@gmail.com



Thematic research methodology in the Holy Quran: the designing a practical method for interdisciplinary researches

Saeed Masoodipoor *, PHD student of marketing management, Department of business, Islamic Azad University Central Tehran Branch

Mahdi Sepehri, Assistant Professor, Islamic Teachings Department, Imam Sadiq (AS) University

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 79-98

Date of receiving the paper: 2. June 2015

Date of acceptance: 26. August 2015

Abstract

One of the gaps in the Islamic human sciences is the lack of practical research methods that have reliable foundations. One of the important resources in Naghl-research in interdisciplinary studies is the Holy Quran. So there is a need for a methodology for researching in the Quran. This research attempts to introduce a thematic research method based on a Quran by Quran interpretation known as best approach in Quran interpretation. First, the fundamentals of the method are explained and some related subjects such as the definition of religion, the relationship between reason and Naghl as components of religion, the relationship between the Holy Quran and Sunnah as components of Naghl, the relationship between the problems in the Islamic human sciences and conventional humanities and so on, are discussed. One of neglects in Naghl-research is a lack of proportional relationship between the domain of Naghl and the subjects of research. Hence, issues which are outside the domain of Naghl are incorrectly surveyed in Naghl. Finally, some critical points for researching in Naghl are presented and a practical pattern with eight steps for thematic researching in Holy Quran is offered.

Keywords: Research Method, Thematic Research, Contemplating the Holy Quran, Quran by Quran Interpretation, Domain of Naghl

* Corresponding Author: masoodipoor@isu.ac.ir



The Need to Strengthen Medical Universities and the Concept of the Islamic University of Relying on Revayat

Mahdi Jafarzadeh, PhD Student, Islamic Teachings Department, Qom University of Quran and Hadith

Seyed Ali Shafiei *Assistant Professor, Department of Biochemistry and Genetics, School of Medicine, Qom University of Medical Sciences

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 65-78

Date of receiving the paper: 7. April 2015

Date of acceptance: 8. July 2015

Abstract

There is a radical approach to university and medical science that categorizes universities into two groups of Islamic and non-Islamic. Based on this approach, a medical sciences university is Islamic when medical subjects are derived entirely from the Quran and Hadiths and religious behavior is clearly seen at the university.

This paper first provides a critique of the above-mentioned standpoint and then investigates the characteristics of an Islamic university.

Based on the study, it can be said that since the Quran is the book of guidance, it certainly contains everything needed for guidance of humans and, therefore, there is no need for it to contain other issues and sciences. As we know, universities are one of the most important and effective places for development of science. So, in the Muslim community, universities must act in line with Islamic objectives. In order for that to happen, an Islamic university should have certain features, some major ones of which were discussed in this paper. They include: developing enthusiasm and motivation for acquisition of knowledge; trying to produce science as an important tool of soft power; and paying attention to the importance of self-purification and having a sense of responsibility towards the Islamic nation. Otherwise, the mere existence of a university in an Islamic country does not make it an Islamic university.

Keywords: Islamic University, Medical Sciences, Islamic Medicine

* Corresponding Author: sashafiei@rums.ac.ir



Challenges of "Case Studies Approach in " the Holy Quran

Mostafa Hosseini Golkar *, PhD Student, Department of Interdisciplinary Technology,
University of Tehran

Seyed Mohsen Hashemi, Associate Professor, Department of Cinema and Theater, Tehran
University of Art

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 49-64

Date of receiving the paper: 24. May 2015

Date of acceptance: 17. August 2015

Abstract

Object: The method of "Case Studies" in the Holy Quran, is a new approach to thinking in the Quran that formed and evolved over the past three decades by a Quranic studies circle led by Dr Lesani Fesharaki and it is now widely accepted by students and researchers, particularly in the field of comparative and interdisciplinary studies. However, this approach has many methodological challenges ahead.

Method: In this paper we use critical analysis to assess the methodological gap in this approach.

Results: This method still has several flaws and needs to evolve in order to presented as a method in Quranic studies.

Conclusion: The Lesani Fesharaki's Approach is not a true example of Allameh Tabatabaei's method.

Keywords: Holy Quran, Case Studies Method, Brainstorming, Protestantism

* Author responsive: Mhq.golkar@gmail.com



A Comparative Study of the Learning Model and the Model of Quran Abstract

Ebrahim kameli *, PhD, Islamic Teachings Department, University of Isfahan
Hesameddin Ashena, Associate Professor, Culture and Communications Department
Imam Sadiq (AS) University

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 25-48

Date of receiving the paper: 22 . April 2015

Date of acceptance: 17. August 2015

Abstract

Human beings communicate with others throughout their lives. Establishing communication with others takes place with the aim of influencing others. This influence is studied in communication science and social psychology in the framework of persuasion.

Due to the importance of having influence on others, various models have been developed and used by people who have communicational activities. The “learning model” is one of the persuasion models developed and applied by Carl Howland. This model considers the two essential components of “communication and psychological capacity to learn” as the basis, and deals with the influence of these two components. The Holy Quran, which contains messages of God to people, has been sent down to influence them. This Holy Book has a model to present its messages. The Quran’s model has three components, namely, the elements of communication, psychological capacity and thinking. This paper studies the learning model and the Quran’s model of persuasion in a comparative way to analyze the similarities and differences of the components in these two models.

Keywords: Communication, Persuasion, Model, Comparative Study

* Author responsive: kameli.5035@gmail.com



Soft Power” Theory in the Holy Quran A Comparative Study of Islamic and Western Discourses

**Asghar Eftekhari, Associate Professor, Department of Political Sciences
Imam Sadiq (AS) University**

**Ali Kamali *, PhD Student, Department of Political Sciences, University of Isfahan
Vahid Karbasi, MA, Department of Political Sciences, Imam Sadiq (AS) University**

Specialized Biannual Journal of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 6, No. 1, Spring & Summer, 2015, pp 9-24

Date of receiving the paper: 27. April 2015

Date of acceptance: 5. August 2015

Abstract

This research tries, with an emphasis on the verses of the Holy Quran, to redevelop an Islamic theory on “soft power” since the soft power theory from the western view has many shortcomings as well as conflicts with Islamic teachings. Thus, the soft power theory needs to be redeveloped and modified. Using a descriptive-analytic method, this paper elaborates on “Soft Power” in the western discourse and, using the verses of the Holy Quran, tries to explain this concept in the Islamic discourse and present a new theory based on Islamic teachings. The results suggest that the “soft power” idea in the western discourse is uni-dimensional and only considers the material aspect. Therefore, the western theory makes a distinction between morality and power. In the Holy Quran’s view, however, the theory has four spheres, namely, sources, management, strength and origin of power. Moreover, the theory does not consider morality and power to be separate.

Keywords: Islam, Quran, Power, Hard Power, Soft Power

*. Author responsive: A.kamali.politics@gmail.com



Contents

- Soft Power” Theory in the Holy Quran; A Comparative Study of Islamic”
and Western Discourses** **9-24**
Asghar Eftekhari, Ali Kamali , Vahid Karbasi
- A Comparative Study of the Learning Model and the
Model of Quran Abstract** **25-48**
Ebrahim kameli, Hesameddin Ashena
- Challenges of “Case Studies Approach
“in the Holy Quran** **49-64**
Mostafa Hosseini Golkar, Seyed Mohsen Hashemi
- The Need to Strengthen Medical Universities and the Concept
of the Islamic University of Relying on Revayat** **65-78**
Mahdi Jafarzadeh, Seyed Ali Shafiei
- Thematic research methodology in the Holy Quran: the designing
a practical method for interdisciplinary researches** **79-98**
Saeed Masoodipoor, Mahdi Sepehri
- Study The effectiveness of listening to Holy Quran on depression among
infertile Women** **99-109**
Mohsen Golmohammadian, Ebrahim Naemi, Mousa Choupani



In the Name of Allah

Quran Interdisciplinary Studies Journal
Vol. 6, No. 1, march-september , 2015

Managing Director:

Hamid Saber Farzam

Editor-in-Chief:

Abdolhossein Khosropanah

Internal Manager:

Zahra Naqizadeh

Executive Director:

Mahdi Esmaili

Editorial Board:

Ali Bayat (Ph.D.)

Najafgholi Habibi (Ph.D.)

Mohammad Ali Rezaei Esfahani (Ph.D.)

Mojtaba Zorvani (Ph.D.)

Mohammad Reza Shahroodi (Ph.D.)

Zhila Sedighi (Ph.D.)

Ghorban Elmi (Ph.D.)

Faranak Farzadi (Ph.D.)

Hossein Ali Ghobadi (Ph.D.)

Farzaneh Maftoon (Ph.D.)

Ali Montazeri (Ph.D.)

Mohammad Ali Mahdavidad (Ph.D.)

Ali Nasiri (Ph.D.)

Persian Editor:

Behroz zavaryan

Mahdi ganjour

English Editor:

Seyyed Hossein Beheshti Shakib

Designer: Ali Reza Ebadi

Address: No. 85, Bozorgmehr St.

Qods St., Enghelab Ave., Tehran, Iran

Organization of Iranian

Academics Quran Activities

P.O.Box:1417844391

Tel :+982166485663

Fax :+982166485657

Indexed and abstracted in
Scientific Information Database
noormags.com
magiran.com
srlst.com
sid.ir
iska.ir

For any contribution please contact editorial office or
send your papers to the following email address:
quranjournal@gmail.com
Site: journal.quran.ir - www. quran.ir

